

رساله به رومیان

مشخصات رساله به رومیان:

هدف:

پولس خود را به رومیان معرفی می‌کند و نمونه‌ای از پیامش را قبل از رفتن به روم، به آنان عرضه می‌دارد.

نویسنده:

پولس

گیرندگان:

مسیحیان روم و همه ایمانداران

تاریخ نگارش:

در حدود سال ۵۷ میلادی، در شهر قرنتس نوشته شد، زمانی که پولس خود را برای دیدار از اورشلیم آماده می‌کرد.

علت نگارش:

از قرار معلوم، پولس کار خود را در شرق تمام کرده بود و در نظر داشت پس از جمع‌آوری اعانه برای مسیحیان فقیر در اورشلیم، در راه خود به اسپانیا، به روم سفر کند (۲۳:۱۵-۲۸). اکثر ایمانداران کلیسای روم یهودی بودند، اما تعداد زیادی غیریهودی هم در آن وجود داشت.

افراد مهم:

پولس، فیبی

محل‌های مهم:

روم

جنبه‌های خاص:

پولس، ایمان خود را با بیانی سازمان‌یافته و با دقت برای رومیان به نگارش درمی‌آورد، به این معنی که نامه‌اش شکل یک



دادستان آگاه و با تجربه، کار خود را خوب انجام می‌دهد. او با احضار شاهدان اصلی به جایگاه، شواهد را فراهم می‌آورد. او با مهارت از شاهدان بازپرسی می‌کند تا واقعیت ماجرا را بیابد. سپس کار خود را برای هیأت منصفه جمع‌بندی می‌کند تا بتوانند رأی خود را اعلام کنند. رأی اعلام شده، تعجب‌آور نخواهد بود. چیزی که سخنگوی هیأت منصفه بیان می‌کند این است: «گناهکار»؛ آنگاه عدالت جاری می‌شود.

پولس رسول، شخصی بود باهوش، دارای بیانی فصیح و نسبت به دعوت خود متعهد. او مانند یک وکیل ماهر، صریح و واضح انجیل را در نامه خود به کلیسای روم ارائه می‌کند.

پولس کلیسای روم را می‌شناخت، اما نه او و نه دیگر رسولان، هرگز به آنجا نرفته بودند. ظاهراً کلیسا را یهودیانی که در عید پنتیکاست ایمان آورده بودند، بنیان گذاشته بودند (اعمال ۲). آنان در بازگشت به روم، ایمان خود را اعلام کردند و کلیسا رشد نمود.

اگرچه موانع بسیاری باعث جدایی آنان بود، اما پولس احساس می‌کرد که با این عده از رومیان پیوند دارد. آنها خواهران و برادران او در مسیح بودند، و او آرزو می‌کرد که آنها را روبرو ببیند. او اکثر مسیحیان روم را هرگز ملاقات نکرده بود، اما با وجود این، آنها را دوست داشت. او این نامه را فرستاد تا خود را معرفی کند و بیان روشنی از معنای ایمان ارائه دهد.

پولس بعد از یک مقدمه کوتاه، حقایق انجیل را بیان می‌کند (۳:۱) و وفاداری خود را نسبت به آن اعلام می‌دارد (۱۶:۱ و ۱۷). او نامه را با بسط و توسعه موضوع مهم تباهی نسل بشری و لزوم دخالت خدا، ادامه می‌دهد (۱۸:۱ - ۲۰:۳).

پس از آن پولس انجیل را معرفی می‌کند و بیان می‌دارد که نجات برای همه بدون توجه به پیشینه و جایگاه اجتماعی‌شان آماده شده است. ما با **فقیض** (یعنی لطف خدا که شایستگی و استحقاق آن را نداریم) از طریق **ایمان** به مسیح و کار کامل او (باور کامل)، نجات یافته‌ایم. ما از طریق مسیح، در برابر خدا عادل یعنی «بی‌گناه» شمرده می‌شویم (۲۱:۳ - ۲۱:۵). با این اساس، پولس مستقیماً به بحث درباره آزادی‌ای که در پی نجات حاصل می‌شود، می‌پردازد، یعنی آزادی از قدرت گناه (۶:۱-۲۳)، آزادی از سلطه شریعت (۷:۱-۲۵)، آزادی برای اینکه شبیه مسیح بشویم و پی به محبت نامحدود خدا ببریم (۸:۱-۳۹).

او با برادران و خواهران یهودی خود بی‌پرده سخن می‌گوید تا موضوع مورد توجه خود را با آنها درمیان بگذارد و توضیح دهد که در نقشه خدا چه جایی دارند (۱۰:۹ - ۱۲:۱۱). خدا راهی را برای یهودیان و غیریهودیان فراهم کرده تا در بدن مسیح با هم متحد شوند، به این ترتیب که هر دو گروه می‌توانند خدا را برای حکمت و محبتش بپرستند (۱۱:۱۳-۳۶).

نامه معمولی را ندارد. با این حال، در انتهای نامه وقت زیادی را صرف سلام رساندن به افراد ساکن در روم می‌کند.

پولس توضیح می‌دهد که معنای زندگی کردن در تسلیم کامل به مسیح چیست. او تسلیم کامل را استفاده از عطایای روحانی برای خدمت به دیگران (۸-۳:۱۲)، محبت بی‌ریا به دیگران (۹:۱۲-۲۱)، و شهروند خوب بودن (۱۳:۱-۱۴) می‌داند. آزادی ما باید با محبت همراه شود تا یکدیگر را در ایمان بلند کنیم و به کسانی که ضعیف هستند اهمیت بدهیم و به یاری‌شان بشتابیم (۱:۱۴ - ۴:۱۵). پولس بر روی اتحاد تأکید می‌کند، به‌خصوص اتحاد بین یهودیان و غیریهودیان (۵:۱۳-۱۵). او نامه را با مروری بر علت نگارش آن، بیان خلاصه‌ای از برنامه‌های شخصی‌اش (۲۲:۱۵-۳۳)، سلامها و تحیات به دوستان، نصایح و پیشنهادهای پایانی و سلامهایی از طرف همسفرانش، خاتمه می‌دهد (۱:۱۶-۲۷).

هنگامی که رساله به رومیان را می‌خوانید، تعهد خود را با مسیح مجدداً مورد بررسی قرار دهید و روابط خود را با دیگر ایمانداران در بدن مسیح، بار دیگر استحکام بخشید.

تقسیم‌بندی کلی

الف - به چه ایمان داشته باشیم

(۱:۱ - ۳:۱۱)

- ۱- گناه بشریت
- ۲- آمرزش گناهان به واسطه مسیح
- ۳- آزادی از چنگال گناه
- ۴- گذشته، حال و آینده اسرائیل

پولس به وضوح، اساس ایمان مسیحی را بیان می‌کند. همه افراد بشر گناهکارند؛ مسیح برای آمرزش گناهان مرد؛ رابطه ما با خدا به شکل صحیحی در آمد؛ همین امر منجر به شروع یک زندگی جدید و یک رابطه جدید با خدا می‌شود. اگر همواره اساس ایمانمان را مدنظر داشته باشیم، مانند تیم ورزشی که دائماً مسائل اساسی را مرور می‌کند، به تقویت ایمان خود کمک خواهیم کرد. اگر رساله به رومیان را بدقت مطالعه کنیم، هرگز دچار این سردرگمی نخواهیم شد که به چه چیزی باید ایمان داشته باشیم.

پولس به ایمانداران روم رهنمودهای عملی و روشنی ارائه می‌دهد. زندگی مسیحی الهیات انتزاعی نیست که با زندگی عملی بدون ارتباط باشد، بلکه شامل مفاهیم عملی است که نحوه رفتار هر روز ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تنها شناختن انجیل کافی نیست، بلکه باید اجازه بدهیم تا زندگی ما را متبدل کند و بگذاریم خدا، همه ابعاد زندگی ما را زیر نفوذ خود بگیرد.

ب - چگونه رفتار کنیم

(۱:۱۲ - ۲۷:۱۶)

- ۱- وظایف شخصی
- ۲- یادداشتهای شخصی

موضوعات مهم

موضوع

توضیحات

اهمیت

گناه

گناه یعنی امتناع ورزیدن از انجام اراده خدا و قصور از انجام هر آنچه که خدا می خواهد. از زمان عصیان آدم علیه خدا، ما بطور ذاتی در ناطاعتی از خدا بسر می بریم. گناهان ما باعث جدایی ما از خدا شد. گناه باعث می شود که ما روش زندگی خودمان را بر روش خدا ترجیح دهیم. از آنجا که خدا از لحاظ اخلاقی، کامل، عادل و منصف است، او این شایستگی را دارد که گناه را محکوم کند.

همه گناه کرده اند، چه با عصیان علیه خدا چه با بی اعتنایی به اراده او. مهم نیست که چه گذشته ای داریم و چقدر تلاش می کنیم تا زندگی خوب و پاکی داشته باشیم؛ ما نمی توانیم نجات را بدست آوریم یا گناهان خود را پاک سازیم. فقط مسیح می تواند ما را نجات دهد.

نجات

گناهان ما نشان می دهد که ما به آمرزش و پاک شدن نیاز داریم. اگرچه ما لیاقت آن را نداریم، اما خدا بخاطر لطفش ما را مورد لطف و محبت خود قرار داده است. او راه را برای نجات ما مهیا کرد. مرگ مسیح، کفاره گناهان ما شد.

خبر خوش اینست که خدا ما را از گناهانمان نجات می دهد، اما ما باید ایمان داشته باشیم که عیسی مسیح گناهان ما را می بخشد تا رابطه ای جدید و عالی با خدا داشته باشیم.

رشد

ایمانداران، با قدرت خدا از گناه پاک می شوند یعنی مقدس می گردند. به این معنا که ما از گناه مبرا می شویم و قدرت می یابیم تا از خدا اطاعت کنیم و بیشتر شبیه مسیح شویم. وقتی رابطه ما با مسیح، روبه رشد می گذارد، روح القدس ما را از فشار شریعت، و از ترس و داوری می رهاند.

از آنجا که ما از سلطه گناه، فشار شریعت و ترس از مجازات الهی آزادیم، می توانیم در رابطه مان با مسیح رشد کنیم. با توکل به روح القدس و قبول مساعدت او، می توانیم بر گناه و وسوسه غالب آییم.

حاکمیت

خدا از روزگاران گذشته تا به حال و در آینده، بر قوم خود نظارت دارد و مراقب آنهاست. خدا همیشه با مهربانی با انسانها رفتار می کند. از آنجا که او بر کل خلقت حاکم است، هر کس را که بخواهد، می تواند نجات بخشد.

بخاطر رحمت خدا، هم یهودیان و هم غیریهودیان می توانند نجات یابند. همه ما باید به مهربانی او پاسخ گوئیم و هدیه گرانبهای آمرزش را از او بپذیریم. او پادشاه است. پس بگذارید بر قلبهای شما سلطنت کند.

خدمت

اگر در هر کاری که انجام می دهیم، به محبت، قدرت و کاملیت خدا توکل کنیم، می توانیم او را بطور شایسته ای خدمت کنیم. خدمت به خدا باعث می شود که همه ایمانداران با هم متحد شوند و آنها را قادر می سازد تا نسبت به دیگران دلسوز باشند و آنان را محبت کنند.

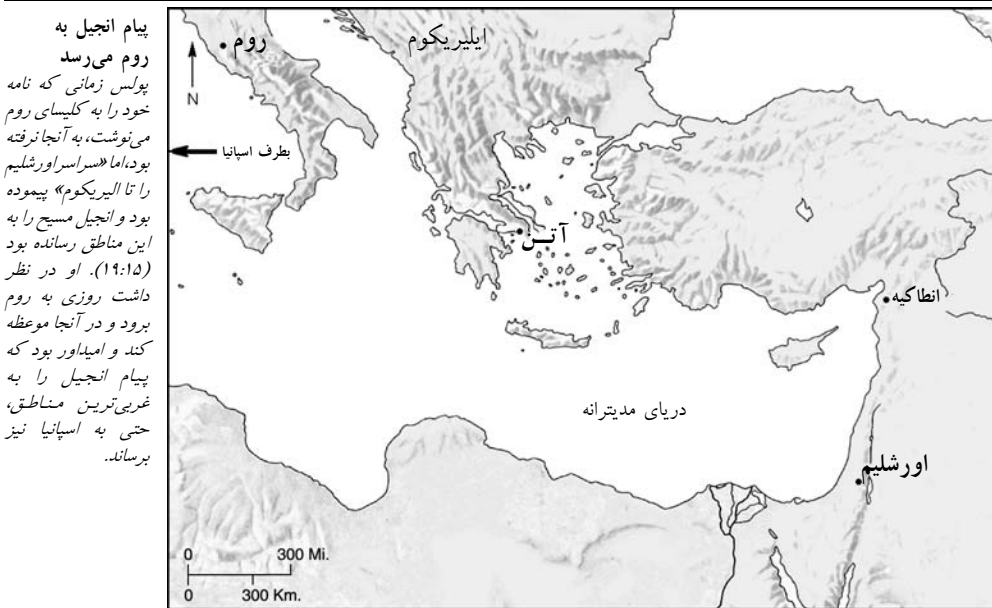
هیچیک از ما به تنهایی نمی تواند به مشابهت کامل مسیح درآید، چون بدن مسیح فقط در حالت کامل آن می تواند مسیح را تماماً ظاهر سازد. اگر ایمانداران بطور جدی و پرتلاش، سایر مؤمنین را بنا کنند، مانند یک سمفونی هماهنگ می توانند خدا را خدمت کنند.

الف - به چه ایمان داشته باشیم (۱:۱ تا ۳۶:۱۱)

پولس پیغام خود را با ارائه تصویری آشکار از گناه بشریت آغاز می‌کند. او توضیح می‌دهد که به چه ترتیب، آموزش از طریق ایمان به مسیح آماده شده است و نشان می‌دهد که ایمانداران چه چیزی را در زندگی، به واسطه ایمان تازه‌شان، تجربه می‌کنند. در این قسمت می‌آموزیم که ایمان در مسیحی شدن و نحوه زندگی مسیحی، اهمیت خاصی دارد. بدون ایمان، هیچ امیدی در زندگی نداریم.

۱- گناه بشریت

من، پولس، که غلام عیسی مسیح می‌باشم، این نامه را برای شما می‌نویسم. خدا مرا برگزیده و فرستاده است تا مژده انجیل او را به همگان



احتمالاً انجیل به شکل قطعی و نهایی هنوز در دسترس نبود. به همین دلیل، این نامه به احتمال زیاد، اولین نوشته مسیحی بود که ایمانداران رومی می‌دیدند. این نامه که هم برای مسیحیان یهودی‌نژاد و هم غیریهودی روم به نگارش درآمده، نوشته‌ای است که ایمان مسیحی را به صورت منظم و سیستماتیک بیان می‌دارد.

۱:۱ وقتی پولس که ابتدا یک یهودی متعصب بود و به مسیحیان جفا می‌رسانید، ایماندار شد، خدا از او برای انتشار انجیل در سرتاسر جهان استفاده کرد. اگرچه او زندانی شد، اما سرانجام در روم موعظه کرد (اعمال ۲۸)، حتی شاید برای خود قیصر هم. شرح حال پولس را می‌توانید در اعمال فصل ۹ مطالعه کنید.

۱:۱ پولس این نامه را برای کلیسای روم نوشت. هیچیک از رهبران کلیسا (یعقوب، پطرس، پولس) هرگز به روم نرفته بودند؛ کلیسای روم را ایماندارانی بنیاد نهادند که برای پنطیکاست به اورشلیم رفته بودند (اعمال ۱۰:۲)، یا پیام انجیل را در جاهای دیگر شنیده بودند و آن را به روم برده بودند (برای مثال، اکیلا و پرسکلا، اعمال ۱۸:۲؛ رومیان ۳:۱۶-۵). پولس این نامه را طی خدمتش در شهر قرنتس نوشت (در پایان سفر سومش، درست قبل از بازگشت به اورشلیم؛ اعمال ۲۰:۳؛ رومیان ۱۵:۲۵؛ ۱:۱۶) تا ایمانداران را تشویق کند و آرزوی خود را برای دیدار آنان ابراز دارد (او سه سال بعد ایشان را ملاقات کرد). کلیسای روم کتاب عهدجدید را در دست نداشت، چون

۲:۱	برسانم. ^۲ انجیلی که وعده‌اش را از زمانهای دور توسط انبیای خود در کتاب آسمانی داده بود.
روم ۲۱:۳ تیپ ۲:۱	
۳:۱	این مژده دربارهٔ فرزند خدا، یعنی خداوند ما عیسی مسیح می‌باشد که همچون انسان از نسل داود نبی به دنیا آمد؛ ^۳ اما با زنده شدنش پس از مرگ، ثابت کرد که فرزند نیرومند خدا و دارای ذات مقدس الهی است.
متی ۱۷-۱:۱ ۴:۱	
روم ۱۱:۸	
۵:۱	بوسیلهٔ عیسی مسیح است که خدا فیض و لطف بی‌پایان خود را شامل حال ما گناهکاران نالایق کرده و ما را به سراسر جهان فرستاده تا به همهٔ اقوام اعلام کنیم که او چه لطف عظیمی نموده است، تا ایشان نیز به عیسی مسیح ایمان آورند و از او اطاعت کنند.
اعما ۱۵:۹ روم ۲۶:۱۶ غلا ۱۶:۱ افس ۳:۹ و ۳:۱	
۶:۱	برادران عزیز که در شهر روم هستید و این نامه را می‌خوانید، شما نیز جزو کسانی هستید که مورد مهر و محبت خدا می‌باشند، زیرا شما هم بوسیلهٔ عیسی
اقرن ۳:۱ قرن ۲:۱ غلا ۳:۱ افس ۱:۱ و ۲:۱	

۱:۱ پولس با فروتنی، خود را غلام عیسی مسیح می‌نامد. یک شهروند رومی که پولس هم یکی از آنها بود، غیرممکن بود که بردگی را به آزادی ترجیح دهد، اما پولس دوست داشت که کاملاً مطیع استاد محبوبش باشد و متکی به او. نگرش شما نسبت به استادان مسیح چیست؟ اگر تسلیم او باشیم، می‌توانیم مفید واقع شویم و خادمینی باشیم برای انجام کارهای مهم.

۲:۱ بعضی از پیشگویی‌ها درباره انجیل عیسی مسیح عبارتند از: پیدایش ۳:۱۲؛ مزمور ۱۰:۱۶؛ ۴۰:۶-۱۰؛ ۱۱۸:۲۲؛ اشعیا ۱:۱۱؛ زکریا ۹:۹-۱۱؛ ۱۲:۱-۱۰؛ ملاکی ۱:۴-۶)

۳-۵:۱ در این آیات، پولس انجیل عیسی مسیح را به این شکل خلاصه می‌کند که (۱) عیسی انسان بود، (۲) او از نسل خاندان سلطنتی یهودیان بود، (۳) مُرد و قیام کرد، و (۴) او راه را برای جاری شدن محبت خدا بر هر یک از ما گشود. کتاب رومیان، بسط این موضوعات می‌باشد. وقتی این کتاب را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که انجیل برای پولس چه معنایی داشت.

۳:۱ پولس ایمان داشت که عیسی، پسر خدا، مسیح موعود، و خداوند قیام کرده است. پولس، عیسی را از نسل داود پادشاه معرفی می‌کند تا تأکید کند که حقیقتاً پیشگویی‌های کتاب مقدس، مبنی بر اینکه مسیحا از نسل داود خواهد بود، در عیسی به انجام رسیده است. پولس با این جمله که حاکی از ایمان است، موافقت خود را با تعلیم عهدعتیق و تعلیم رسولان اعلام می‌دارد.

۵:۱ مسیحیان مسؤولیت و امتیازی دارند. پولس و شاگردان از امتیاز آمرزش (فیض خدا) برخوردار شدند، گرچه استحقاق آن را نداشتند. اما مسؤولیت رساندن پیام

آمرزش خدا به بشر نیز بر دوش ایشان نهاده شد. خدا به‌خاطر محبتی که دارد، گناهان کسانی را که با ایمان، عیسی را به‌عنوان خداوند می‌پذیرند، می‌آمرزد. وقتی ما ایمان می‌آوریم، آمرزش را دریافت می‌کنیم. بعد از ایمان آوردن، وارد زندگی جدیدی می‌شویم. زندگی جدید پولس که عطایی از جانب خدا بود، شامل دعوت و مسؤولیتی از سوی خدا می‌شد؛ او موظف بود تا به‌عنوان مبشر، به مردم دنیا شهادت بدهد. ممکن است خدا شما را برای کار بشارت در خارج از دیار خودتان دعوت کند یا نکند، اما به‌هرحال همه ایمانداران قطعاً این دعوت را دارند تا شاهد مسیح باشند، نمونه‌ای باشند از شخصی که زندگی‌اش در اثر کار مسیح تغییر کرده است.

۷:۱ شهر روم، پایتخت امپراطوری روم بود که قسمت اعظم اروپا، آفریقای شمالی، و خاورمیانه را زیر سلطه داشت. در زمان عهدجدید، روم دوران طلایی خود را پشت سر می‌گذاشت. مردم این شهر، ثروتمند و اهل ادب و هنر بودند. روم، مرکز فرهنگ بود، اما از نظر معیارهای اخلاقی، از بسیاری جهات رو به انحطاط بود. رومی‌ها بت‌های زیادی را می‌پرستیدند. حتی بعضی از امپراطورها را مانند خدایان می‌پرستیدند. برخلاف رومی‌ها، پیروان مسیح، فقط به یک خدا ایمان داشتند و مطابق اصول اخلاقی زندگی می‌کردند.

۷:۱ مسیحیت از بسیاری از جهات، با فرهنگ رومی در تضاد بود. (۱) رومی‌ها بر قدرت نظامی خود برای حفظ خود در برابر دشمنان، متکی بودند. لازم بود به مسیحیان یادآوری شود که خدا تنها منبع دائمی نجات و ایمنی آنهاست. (۲) اکثر رومی‌ها، اهل عمل بودند یعنی هر وسیله‌ای که منجر به انجام کار خاصی می‌شد، از نظر

مسیح دعوت شده‌اید تا قوم مقدس خدا و از آن او باشید. پس، از پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح، طالب رحمت و آرامش برای شما می‌باشم.

پولس قدرت انجیل را اعلان می‌کند

^۸پیش از هر چیز، باید بگویم که خبر ایمانتان به تمام دنیا رسیده و همه جا صحبت از شماست. از اینرو، برای این خبر و برای وجود هر یک از شما، خدا را بوسیله عیسی مسیح شکر می‌کنم. ^۹خدا شاهد است که من پیوسته برای شما دعا می‌کنم، و روز و شب احتیاجاتان را به حضور او می‌برم، به حضور خدایی که با تمام توانم او را خدمت می‌کنم و مژده انجیل او را که در باره فرزندش عیسی مسیح است، به دیگران اعلام می‌نمایم.

^{۱۰}دعای دیگرم اینست که اگر خدا بخواهد، پس از این همه انتظار، سعادت دیدار شما نصیبم شود. ^{۱۱}زیرا بسیار مشتاق دیدارتان هستم تا بتوانم شما را از

۸:۱

روم ۱۹:۱۶

فیل ۳:۱

اتسا ۸:۱

۹:۱

افس ۱۶:۱

فیل ۳:۱

اتسا ۲:۱

۲ تیمو ۳:۱

فلیم ۷-۴

۱۰:۱

روم ۳۲:۱۵

یعقو ۱۵:۴

۱۱:۱

روم ۲۹:۱۵

مسیح، شکرگزاری خود را به حضور خدا می‌آوریم (به اول تیموتاؤس ۵:۲ مراجعه کنید).

۸:۱ مسیحیان روم در مرکز قدرت سیاسی جهان غرب، کاملاً در معرض دید قرار داشتند. اما خوشبختانه، آنها به نیکی شهرت یافته بودند: ایمان قوی آنها در سرتاسر دنیا شناخته شده بود. وقتی مردم درباره کلیسای شما صحبت می‌کنند، چه می‌گویند؟ آیا به درستی اظهار نظر می‌کنند؟ یا شاید دلتان می‌خواهد که آنها به جنبه‌های دیگری از کلیسایان توجه کنند؟ بهترین راه برای اینکه مردم ایمانتان را بپذیرند، چیست؟

۹:۱ و ۱۰ وقتی به‌طور مداوم برای موضوعی دعا می‌کنید، از پاسخ خدا شگفت‌زده نشوید. پولس دعا کرد تا سفری به روم داشته باشد تا بتواند مسیحیان آنجا را تعلیم دهد. اما سرانجام همچون یک زندانی به روم رفت (مراجعه کنید به اعمال ۱۶:۲۸). پولس دعا کرد تا سفر بی‌خطری داشته باشند، و سالم هم به مقصد رسید، اما بعد از سختی‌های فراوان؛ او را دستگیر کردند، به صورتش سیلی زدند، شکسته کشتی شد، و مار او را گزید. راههای خدا برای پاسخگویی به دعاها، اغلب خیلی با آنچه که ما انتظار داریم، فاصله دارد. وقتی دعا می‌کنید، منتظر جواب خدا باشید، حتی اگر این جواب از راهی که انتظارش را ندارید بیاید.

۱۱:۱ و ۱۲ پولس دعا می‌کرد که فرصتی برای دیدن مسیحیان روم به‌دست آورد تا بتواند آنان را تشویق کند و متقابلاً مورد تشویق آنان قرار گیرد. او به عنوان خادم خدا می‌توانست ایشان را کمک کند تا معنای انجیل عیسی را

آنها خوب بود. و از نظر رومی‌ها، هیچ‌چیز به اندازه قدرت فیزیکی کارآیی نداشت. ضرورت داشت که مسیحیان ارزش محدودیت‌های اخلاقی را در ایمان جدیدشان دریابند، محدودیت‌هایی که جامعه خشن رومی آن را مهمل می‌انگاشت.

۹-۶:۱ پولس با بیان محبت خدا نسبت به مسیحیان روم، و شکرگزاری و دعاهایی که برای آنان می‌کند، صمیمیت خود را با کلیسای روم نشان می‌دهد. برای اینکه بر زندگی مردم تأثیر بگذارید، باید آنها را دوست خود بدانید و آنان را باور داشته باشید. شوقی که پولس برای تعلیم به این مردم و دوستی با آنها داشت، با محبت کردن به آنان شروع شد. خدا را برای برادران و خواهران مسیحی‌تان شکر کنید، و بگذارید آنها پی به عمق علاقه شما ببرند (برای مثال، به توصیه‌های پولس به فیلمون در ۷:۱، رجوع کنید).

۷:۱ پولس می‌گوید مسیح ایمانداران را دعوت کرده است تا (۱) جزو خانواده خدا شوند، (۲) اشخاص مقدسی باشند (یا به معنای دقیق کلمه، «دعوت شده‌اند تا جزو مقدسین باشند»). این گفته چه زیبا معنای مسیحی بودن را توصیف می‌کند. با تولد مجدد در خانواده مسیحی، بزرگترین محبت و بزرگترین ارث، از آن ما می‌شود. از آنجا که خدا کارهای بزرگی برای ما کرده است، باید بکوشیم تا مقدس باشیم.

۸:۱ پولس جمله «خدا را به وسیله عیسی مسیح شکر می‌کنم» را به کار می‌برد تا بر این نکته تأکید بگذارد که مسیح تنها واسطه بین خدا و انسان است. خدا از طریق مسیح، برکاتش را به ما ارزانی می‌دارد؛ ما از طریق

برکات خدا برخوردار سازم، و باعث تقویت ایمانتان شوم.^{۱۲} از این گذشته، من خود نیز نیاز به کمک شما دارم تا بوسیله ایمانتان تقویت شوم. به این ترتیب، هر یک از ما باعث تقویت ایمان یکدیگر می‌گردیم.

^{۱۳} اما برادران عزیز، مایلم بدانید که بارها خواسته‌ام نزد شما بیایم، اما هر بار مانعی پیش آمده است. قصد من از آمدن، این بود که خدمتی در میان شما انجام دهم و عده‌ای را بسوی مسیح هدایت کنم، همانطور که در جاهای دیگر نیز کرده‌ام.^{۱۴} زیرا من خود را مدیون می‌دانم که این خبر خوش را به همه برسانم، چه به اشخاص متمدن و چه به اشخاص بی‌تمدن، چه به تحصیلکرده‌ها و چه به

۱۳:۱

روم ۲۲:۱۵ و ۲۳

۱۴:۱

مز ۹:۴۰

اقرن ۱۶:۹

ایمان

ایمان معانی زیادی دارد. ایمان می‌تواند به معنای وفاداری باشد (متی ۲۴:۴۵). ایمان می‌تواند به معنای اعتماد کامل باشد، همان چیزی که در بعضی از افرادی که برای شفا نزد مسیح می‌آمدند، دیده می‌شد (لوقا ۷:۲-۱۰). ایمان می‌تواند به معنای امید توأم با اطمینان باشد (عبرانیان ۱:۱). یا همانطور که یعقوب بیان می‌کند، ایمان حتی می‌تواند به معنای اعتقادات خشکی باشد که به اعمال نیک منجر نمی‌شود (یعقوب ۲:۱۴-۲۶). پولس وقتی در رومیان از ایمان نجات‌بخش سخن می‌گوید، آن را چگونه معنا می‌کند؟

وقتی پولس کلمه ایمان را به کار می‌برد، باید خیلی دقت کنیم تا مقصودش را بفهمیم، چون او ایمان را بسیار به نجات نزدیک می‌کند. ایمان عملی برای کسب نجات نیست، چون در غیر اینصورت، ایمان عملی می‌شد اضافه بر کارهای دیگر، و پولس به وضوح بیان می‌کند که اعمال انسانی نمی‌تواند ما را نجات دهد (غلاطیان ۲:۱۶). ایمان هدیه‌ای است که خدا به ما می‌دهد چون اوست که ما را نجات می‌بخشد (افسیان ۲:۸). فیض خداست که ما را نجات می‌دهد نه ایمان ما. اما خدا به‌خاطر رحمتش، وقتی ما را نجات می‌دهد، ایمان یعنی برقرار شدن رابطه با پسرش را نیز به ما ارزانی می‌دارد، تا به این وسیله شبیه او شویم. از طریق ایمانی که او به ما می‌بخشد، ما از موت گذشته، وارد حیات می‌شویم (یوحنا ۵:۲۴).

حتی در دوره عهد عتیق، فیض، پایه نجات بود و نه اعمال. چنانکه نویسنده عبرانیان خاطر نشان می‌سازد: «زیرا محال است که خون گاو و بز آنطور که باید و شاید لکه‌های گناه را پاک کند» (۴:۱۰). منظور خدا این بود که قومش، و رای قربانی حیوانات، به او چشم بدوزند. اما همه آنها اغلب، به انجام فرایض شریعت اتکا می‌کردند، یعنی انجام فرایض مربوط به قربانی. مسیح با پیروزی بر مرگ، اتهامات و جرم‌های ما را محو کرد و راه را بسوی خدای پدر گشود (کولسیان ۲:۱۲-۱۵). از آنجا که خدا رحیم است، ایمان را به ما عطا می‌کند. چقدر غم‌انگیز خواهد بود که ما مفهوم ایمان را به چیزی در سطح عمل تنزل دهیم و سعی کنیم با تلاش خودمان آن را رشد دهیم! ما از طریق ایمان خودمان نمی‌توانیم نزد خدا برویم، همانطور که امت خدا در عهدعتیق نمی‌توانستند از طریق قربانی‌های خودشان این کار را بکنند. در عوض، ما باید با شکرگزاری، هدیه گرانهای او را بپذیریم و اجازه بدهیم تا بذر ایمان را در ما بکارند.

بهتر درک کنند. مسیحیان روم، در مقام قوم مقدس خدا، می‌توانستند به او محبت کنند و وسایل آسایش او را فراهم آورند. وقتی مسیحیان گرد هم جمع می‌شوند، هریک باید دهنده و گیرنده باشند.
^{۱۳:۱} پولس طی سفر سوم بشارتی‌اش، از سوریه، غلاطیه، آسیا، مکادونیه، و اخائیه گذشت. کلیساهای این مناطق، کلیساهای غیریهودی خوانده می‌شدند، چون مؤمنین این کلیساها اکثراً غیریهودی بودند.
^{۱۴:۱} پولس چه قرض و دینی داشت؟ بعد از تجربه ملاقات با مسیح در راه دمشق (اعمال فصل ۹)، تمامی زندگی او صرف اعلان مژده انجیل شد. پولس به مسیح مدیون بود چون او نجات دهنده‌اش بود، و او این دین را می‌بایست به تمام دنیا ادا کند. او دین خود را با اعلام پیام نجات مسیح به همه مردم ادا کرد، یعنی به هر کس، چه یهودی چه غیریهودی، از هر طبقه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و از هر نژادی. ما هم چنین دینی به مسیح داریم چون او مجازات گناهان ما را که مستحق آن بودیم، بر خود گرفت. ما چگونه می‌توانیم این «دین» را به او ادا کنیم؟

بهرتر درک کنند. مسیحیان روم، در مقام قوم مقدس خدا، می‌توانستند به او محبت کنند و وسایل آسایش او را فراهم آورند. وقتی مسیحیان گرد هم جمع می‌شوند، هریک باید دهنده و گیرنده باشند.

^{۱۳:۱} پولس طی سفر سوم بشارتی‌اش، از سوریه، غلاطیه، آسیا، مکادونیه، و اخائیه گذشت. کلیساهای این مناطق، کلیساهای غیریهودی خوانده می‌شدند، چون مؤمنین این کلیساها اکثراً غیریهودی بودند.

^{۱۴:۱} پولس چه قرض و دینی داشت؟ بعد از تجربه ملاقات

بی سوادان.^{۱۵} پس تا آنجا که در توان دارم، خواهم کوشید که به «روم»، نزد شما بیایم و مژده انجیل را در میان شما اعلام نمایم.^{۱۶} زیرا من به انجیل عیسی مسیح افتخار می‌کنم چون قدرت خداست برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند. پیغام انجیل در ابتدا فقط به یهودیان اعلام می‌شد، اما اکنون همه می‌توانند با ایمان آوردن به آن، به حضور خدا راه یابند.^{۱۷} این پیغام اینست که خدا فقط در یک صورت از سر تقصیرات ما می‌گذرد و به ما شایستگی آن را می‌دهد که به حضور او برویم؛ و آن وقتی است که به عیسی مسیح ایمان آوریم. بلی، فقط و فقط ایمان لازم است. همانطور که کتاب آسمانی می‌فرماید: «فقط کسی نجات پیدا می‌کند که به خدا ایمان داشته باشد.»

۱۵:۱
روم ۲۰:۱۵
۱۶:۱
اعما ۲۶:۳
اقرن ۱۸:۱
آتیمو ۱۲-۸:۱
۱۷:۱
حب ۴:۲
یو ۳۶:۳
روم ۲۱:۳
غلا ۱۱:۳
فیل ۹:۳
عبر ۳۸:۱۰

غضب خدا بر گناه

^{۱۸} اما از سوی دیگر، خدا خشم و غضب خود را بر تمام اشخاص گناهکار و

۱۸:۱
روم ۹:۵
افس ۶:۵
کول ۶:۳

باینحال، آنها از ارث گرانهایی برخوردار بودند که همانا ایمان و اطاعت از خدای واحد حقیقی بود. یهودیان می‌بایست بیش از ملل دیگر، آماده استقبال از مسیحا می‌بودند و بیش از دیگران خدمت و پیام او را درک می‌کردند. البته بعضی از آنها چنین بودند (مراجعه کنید به لوقا ۲:۲۵، ۳۶-۳۸). مطمئناً حواریون مسیح و رسول بزرگ، پولس، یهودیان وفاداری بودند که عیسی مسیح را به‌عنوان بزرگترین هدیه خدا به نسل بشر، پذیرفتند.

۱۷:۱ پولس از حقوق ۴:۲ نقل قول می‌کند. احتمال دارد وقتی حقوق از زنده ماندن سخن می‌گوید، منظورش فقط زندگی در این دنیا باشد، اما پولس، آن را به زندگی ابدی ربط می‌دهد. ما با ایمان به خدا، نجات می‌یابیم: یعنی اینکه هم در این دنیا و هم در ابدیت، از حیات برخوردار می‌شویم.

۱۸:۱ رومیان ۱۸:۱ تا ۲۰:۳ اختصاص دارد به استدلال پولس در باره این موضوع که هیچکس نمی‌تواند در حضور خدا «بی‌گناه» به‌حساب بیاید، نه مردم عادی، نه رومی‌ها و نه حتی یهودیان. تمام مردم، درهرجا که هستند، تحت محکومیت خدا قرار دارند.

۱۸:۱ چرا خدا نسبت به گناهکاران خشمگین است؟ چون با اینکه خدا مقدس و دور از هر شرارت است، و با اینکه او انسانها را خلق کرد تا او را دوست داشته باشند و او را جلال دهند، اما بشر، از زمان آدم و حواء، بر علیه او عصیان کرده و به راه خود رفته است. اکنون همه گرفتار گناهند. هیچکس، به جز عیسی قادر نبوده است زندگی کاملی داشته باشد. خدای قدوس، که منبع حیات و امید است، نمی‌تواند با گناه که منتهی به موت می‌شود، سازش

۱۶:۱ یهودیان و مسیحیان، هر دو در برابر مذاهب بت‌پرستی رومیها ایستادند؛ به همین دلیل، مقامات رومی اغلب این دو گروه را با هم اشتباه می‌کردند، مخصوصاً که کلیسای روم، در ابتدا از مسیحیان یهودی‌نژاد تشکیل شده بود. این یهودیان احتمالاً همان کسانی بودند که در عید پنطیکاست در اورشلیم حضور داشتند و به مسیح ایمان آوردند (مراجعه کنید به اعمال ۱۰:۲).

۱۶:۱ و ۱۷ پولس افتخار می‌کرد به اینکه پیامش *انجیل* است. پیام او پر از قدرت بود؛ پیام او برای همه بود؛ پیام او بخشی از نقشه آشکارشده خدا بود. اگر زمانی وسوسه به سراغ شما بیاید که احساس کنید انجیل مایه سرافکنده‌گی شما است، پیام انجیل را به یاد آورید. اگر شما به جای توجه به بی‌کفایتی‌های خود، به خدا و کاری که او در جهان انجام می‌دهد بیندیشید، خیلی زود اضطرابها و نگرانی‌هایتان از بین می‌رود.

۱۶:۱ چرا پیام انجیل اول برای یهودیان بود؟ یهودیان، از زمانی که خدا ابراهیم را برگزید و برکات فراوان را به نسل او وعده داد، قوم خاص خدا بودند (پیدایش ۱۲:۱-۳). خدا آنها را به‌خاطر شایستگی خودشان برگزید (تثنیه ۷:۷ و ۸:۹-۶)، بلکه چون می‌خواست ایشان را آماده کند تا به هنگام ظهور مسیحا در این دنیا، از او استقبال کنند. خدا این قوم را برگزید تا نورچشمی او باشند، بلکه تا نقشه نجات‌بخش را به دنیا اعلام کنند.

قرنها بود که یهودیان با اطاعت از شریعت خدا، نگاه داشتن اعیاد، و زندگی کردن طبق اصول اخلاقی، خدا را در زندگی خود گرامی می‌داشتند. آنها اغلب برکات خدا را فراموش می‌کردند؛ به همین دلیل، اغلب تنبیه می‌شدند؛

۱۹:۱
یو ۹:۱
اعما ۱۷:۱۴

۲۰:۱
مز ۱:۱۹
اعما ۲۴:۱۷

نادرست که از حقیقت گریزانند، نازل می‌کند.^{۱۹} برای آنان حقیقت وجود خدا کاملاً روشن است، زیرا خدا وجدانهایشان را از این حقیقت آگاه ساخته است.^{۲۰} انسان از ابتدا، آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده، دیده است و با دیدن آنها می‌تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او که نادیدنی هستند پی ببرد. پس وقتی در روز داوری در حضور خدا می‌ایستد، برای بی‌ایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد.

مهم‌ترین این است که مردم باید پیام عیسی را بشنوند. وظیفه مبشرین اینست که پیام انجیل عیسی مسیح را به گوش مردم برسانند. (۵) عیسی به ما امر کرد تا مردم سراسر دنیا را شاگرد بسازیم (متی ۲۸:۱۹ و ۲۰). مبشرین باید به کلیسا کمک کنند تا مأموریت بزرگ خداوند را به انجام برسانند.

اعتقاد صرف به وجود خدا کافی نیست. انسان باید بداند که خدا محبت است. او باید درک کند که خدا برای نشان دادن محبتش، دست به چه اثری زده است. او باید آموزش خدا را بپذیرد و زندگی خود را صرف خدمت به او بکند (مراجعة کنید به ۱۰:۱۴ و ۱۵).

۲۰:۱ طبیعت چه نوع خدایی را آشکار می‌سازد؟ از مشاهده طبیعت، به وجود خدایی پی می‌بریم که قادر، قدرتمند و نظام‌مند است و در خلقت بس پیچیده خود، پدیده‌هایی شگفت‌انگیز آفریده است؛ در طبیعت، خدای محبت و زیبایی را می‌بینیم، خدایی که همه چیز را کنترل می‌کند. اما اکثر مردم، به جای اینکه تسلیم این خدای یگانه شوند که کنترل همه چیز را در دست دارد، ترجیح می‌دهند خدایی خلق کنند که تحت کنترل خودشان قرار داشته باشد.

۲۰:۱ طبیعت با اینکه در اثر سقوط انسان، از شکل و حالت زیبای اولیه خود در آمده، اما هنوز هم خدا را آشکار می‌سازد. گناه آدم منجر به لعنت کل نظام طبیعت شد (پیدایش ۳:۱۷-۱۹)؛ خار و خس، ثمره مستقیم آن لعنت بود، و امراض طبیعی از زمان آدم تا بحال گریبانگیر بشر شده است. اگر ما بخواهیم چیزی درباره خدا بدانیم، می‌توانیم به طبیعت بنگریم. اما اگر لازم باشد خدا را بطور کامل درک نماییم و رابطه درستی با او برقرار کنیم، به چیزی بیشتری از طبیعت نیاز داریم، یعنی به مکاشفه خدا در کتاب مقدس و در فرزندش عیسی مسیح. پولس در رومیان ۱:۹-۲۱ می‌فرماید که خود طبیعت هم با اشتیاق در انتظار رهایی از نتایج گناه است (مراجعة کنید به مکاشفه ۳:۲۲).

خدا می‌خواهد گناه را پاک سازد و گناهکار را به وضعیت اول برگرداند، به این شرط که شخص گناهکار در برابر راستی نایستد. اما خشم خدا بر کسانی نازل خواهد شد که دست از زندگی گناه‌آلود نمی‌کشند و به ادامه چنین زندگی‌ای اصرار می‌ورزند.

۱۸:۱-۲۰ در این آیات، پولس به اعتراض بسیاری از مردم پاسخ می‌دهد: خدای محبت، چگونه انسان را به جهنم می‌فرستد، مخصوصاً کسی را که هرگز چیزی درباره انجیل مسیح نشنیده است؟ پولس می‌گوید که درحقیقت خدا خود را به‌طور کامل به تمام مردم آشکار کرده است. همه می‌دانند خدا چه انتظاری از انسان دارد، اما هیچکس موافق خواست او زندگی نمی‌کند. به عبارت دیگر، معیارهای اخلاقی ما همیشه بهتر از رفتار ما هستند. اگر مردم حقیقت وجود خدا را پس بزنند تا مطابق میل خود زندگی کنند، هیچ عذری نخواهند داشت. آنها حقیقت را می‌دانند و باید عواقب نادیده گرفتن آن را نیز متحمل شوند.

۱۸:۱-۲۰ آیا کسی عذری برای ایمان نداشتن به خدا دارد؟ کتاب مقدس با تأکید پاسخ منفی می‌دهد. خدا وجود خود را در خلقتش آشکار کرده است. از اینرو هرکس می‌تواند او را بپذیرد و یا او را رد کند. خود را فریب ندهید! در روز داوری، هیچ عذری برای بی‌ایمانی‌تان نخواهید داشت. امروز حق خدا را به او ادا کنید، یعنی عشق و پرستش خود را.

۱۸:۱-۲۰ برخی می‌گویند که «اگر مردم می‌توانند از طریق طبیعت (خلقت) خدا را بشناسند، چه نیازی به مبشرین هست؟» ما به وجود مبشرین نیاز داریم، چون (۱) اگرچه مردم می‌دانند که خدا وجود دارد، اما این حقیقت را با شرارت خود، سرکوب می‌کنند و بدین ترتیب منکر او می‌شوند. (۲) گرچه ممکن است که مردم به خدا ایمان داشته باشند، اما واکنش مثبتی نسبت به او نشان نمی‌دهند. (۳) کسانی که خدا را رد می‌کنند، به وسیله عواقب اعمال خود محکوم می‌شوند. (۴) از همه

^{۲۱}بلی، درست است که مردم این حقایق را می‌دانند، اما هیچگاه حاضر نیستند به آن اعتراف کنند و خدا را عبادت نمایند و یا حتی برای برکاتی که هر روز عطا می‌کند، او را شکر گویند. در عوض درباره وجود خدا و اراده او، عقاید احمقانه‌ای ابداع می‌کنند. به همین علت ذهن نادانشان، تاریک و مغشوش شده است. ^{۲۲}خود را دانا و خردمند می‌پنداشتند، اما همگی، نادان و بی‌خرد شدند. ^{۲۳}بجای اینکه خدای بزرگ و ابدی را بپرستند، بتهایی از چوب و سنگ به شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان ساختند و آنها را پرستیدند. ^{۲۴}بنابراین، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده تا هر چه می‌خواهند بکنند و در آتش شهوات گناه‌آلود خود بسوزند و با بدنهای خود مرتکب گناهان شرم‌آور شوند. ^{۲۵}ایشان بجای اینکه به حقیقت وجود خدا ایمان بیاورند، عمداً عقاید باطل را پذیرفته‌اند و مخلوق خدا را بجای خالق که تا ابد مورد ستایش است، می‌پرستند و خدمت می‌کنند. ^{۲۶}به همین دلیل است که خدا مردم را به حال خود رها کرده است تا خویشتر را

۲۱:۱
۲ یاد ۱۵:۱۷
مز ۱۳:۱۰۶
افس ۱۸ و ۱۷:۴

۲۲:۱
ار ۱۴:۱۰
۲۰:۱
۲۳:۱
مز ۲۰:۱۰۶
اش ۱۸:۴۰
ار ۱۱:۲
۲۴:۱
لاو ۲۲:۱۸

۲۶:۱
اتسا ۵:۴
یهو ۱

ورطه گمراهی گرفتار می‌شوند، نمی‌توانند خود را از آن بیرون بکشند. گناهکاران باید تنها به مسیح اعتماد کنند تا راه گریز را به آنها نشان دهد. **۲۴:۱-۳۲** اینان خدا را رد کردند و خدا این اجازه را به آنها داد. خدا معمولاً مانع آزادی ما در انجام اعمالی برخلاف اراده‌اش نمی‌شود. خدا به ما اجازه می‌دهد تا بی‌نیازی ظاهری خود را اعلام کنیم، با اینکه او می‌داند که با گذشت زمان، اسیر سرکشی‌ها و آزادی عمل خود خواهیم شد - یعنی اختیار گناه نکردن را از دست خواهیم داد. آیا زندگی بدون خدا برای شما آزادی است؟ کمی بیشتر دقت کنید. هیچ بردگی، بدتر از بردگی گناه نیست. **۲۵:۱** مردم تمایل دارند به دروغهایی که اعتقادات شخصی و خودخواهانه آنان را استحکام می‌بخشد، ایمان داشته باشند. امروز بیش از هر وقت دیگری باید مراقب داده‌هایی باشیم که اعتقادات ما را تشکیل می‌دهند. تلویزیون، موسیقی، فیلم و بقیه رسانه‌های گروهی، اغلب چیزهایی عرضه می‌کنند که صد در صد مفید نیست؛ ما دائماً در معرض حمله نظریات و فلسفه‌هایی هستیم که در تضاد آشکار با کتاب مقدس قرار دارند. مواظب چیزهایی که عقاید شما را تشکیل می‌دهند، باشید. کتاب مقدس تنها معیار راستی است. به سایر عقاید فقط در پرتو تعالیم کتاب مقدس توجه کنید.

۲۶:۱ و ۲۷ نقشه طبیعی خدا برای خلقتش، بهترین نقشه او است. اما متأسفانه، آنچه که برای انسان طبیعی جلوه می‌کند، گناه است. غالباً گناه نه تنها به معنای انکار خدا

۲۱:۱-۲۴ یک انسان منطقی چگونه ممکن است به بت‌پرستی روی بیاورد؟ بت‌پرستی از لحظه‌ای آغاز می‌شود که انسان حقیقت خدا را رد می‌کند. به جای اینکه خدا را خالق و تکیه‌گاه زندگی بداند، خود را در مرکز هستی می‌بیند. آنها خیلی زود «خدایانی» را اختراع می‌کنند که تصویری از نقشه‌ها و خواسته‌های خودخواهانه خودشان است. این خدایان گرچه ممکن است پیکره‌ای چوبین باشند، اما نهایتاً بازتاب آرزوهای سازندگانشان هستند، آرزوهایی چون پول، قدرت، لذت، یا آسایش. همچنین، اگر در ذهن خود تصویری نادرست از خدا بسازیم، این نیز بت‌پرستی است. چیز مشترکی که بین تمام بت‌پرست‌ها هست، این است که بجای اینکه خود خدا را بپرستند، مخلوق او را می‌پرستند. اولویت‌های شما چیست؟ رؤیاهای، نقشه‌ها، امیدهای شما در کجاها سیر می‌کنند؟ آیا شما خدا را می‌پرستید یا بت‌های ساخته و پرداخته خود را؟

۲۱:۱-۳۲ پولس به وضوح مسیر اجتناب‌ناپذیر سقوط در گناه را توصیف می‌کند. ابتدا مردم خدا را رد می‌کنند؛ سپس عقایدی در مورد وجود خدا و وظایف او می‌سازند. بعد در گناه می‌افتند، از جمله گناهان جنسی، حسادت، نفرت، طمع، قتل، جدال، دروغ‌گویی، سوءنیت، شایعه‌پردازی. عاقبت، از خدا متنفر می‌شوند و دیگران را نیز تشویق می‌کنند تا چنین باشند. خدا مسبب این فرایند سقوط نیست. بلکه، وقتی مردم او را رد می‌کنند، او اجازه می‌دهد تا در امیال خود زندگی کنند. همین که در

به گناهان زشت آلوده سازند، بطوری که حتی زنها بجای روابط جنسی طبیعی، با زنان دیگر مرتکب اعمال قبیح می گردند،^{۲۷} و مردها نیز بجای اینکه با زنان خود روابط طبیعی زناشویی داشته باشند، با مردهای دیگر مرتکب گناهان شرم آور می شوند. بنابراین، سزای کارهای کثیف خود را در روح و بدن خود می بینند.

^{۲۸} پس همانطور که ایشان خدا را ترک کرده اند و حتی حاضر نیستند به وجود او اعتراف کنند، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده است تا هر آنچه به ذهن ناپاکشان خطور می کند، به عمل آورند.^{۲۹} زندگی آنان پر است از هر نوع شرارت و بدی، طمع و نفرت و حسادت، قتل و جدال، دروغ و کینه و سخن چینی.^{۳۰} غیبت از زبانشان دور نمی شود. ایشان دشمنان خدا هستند. با غرور و گستاخی، خودستایی می کنند. همیشه بدنبال راه های تازه می گردند تا بیشتر گناه ورزند. هرگز مطیع والدین خود نمی شوند.^{۳۱} بی احساسند و بدقول و بی عاطفه و بی رحم.^{۳۲} با اینکه می دانند خدا برای چنین اعمالی، مجازات مرگ

۲۷:۱

لاو ۱۸:۲۲؛ ۱۳:۲۰

اقرن ۶:۱۰ و ۹

۲۸:۱

افس ۵:۴

۳۰:۱

۲ تیمو ۳:۲

۳۱:۱

۲ تیمو ۳:۳

۳۲:۱

روم ۲۱:۲۳-۲۳

فیض و رحمت خدا بسپارید؛ از او بخواهید راه خارج شدن از گناه و داخل شدن به نور آزادی و محبت خود را به شما نشان دهد. دعا، مطالعه کلام و دوستی کردن با یک مسیحی قوی در یک کلیسای معتقد به کتاب مقدس، می تواند به شما قدرت بخشد تا در برابر این وسوسه های جذاب، ایستادگی کنید. اگر در این گناه گرفتار هستید، لازم است از یک مشاور قابل اعتماد و با تجربه و آگاه به امور شبانی کمک بگیرید.

۲۲:۱ این اشخاص چگونه دانستند که خدا مرگ را به عنوان مجازات مقرر کرده است؟ انسان به شکل خدا آفریده شده و دارای وجدان، و بطور ذاتی دارای طبیعتی اخلاقی است. این حقیقت خارج از محافل مذهبی نیز پذیرفته شده است. برای مثال روان شناسان می گویند که عده معدودی از انسانها فاقد وجدان هستند. این عده دچار اختلال شخصیتی می باشند که معالجه آن بسیار دشوار است. اما اکثر مردم به طور ذاتی می فهمند چه وقت کار نادرستی انجام می دهند، اما ممکن است توجهی به این موضوع نکنند. بعضی از مردم، به خاطر بی بند و باری، پیش از موقع به پایان زندگی خود می رسند، چون در امیال خود افراط می کنند. بعضی از آنها می گویند: «می دانم که این کار درست نیست، اما واقعاً دوست دارم که این کار را بکنم.» یا می گویند: «می دانم که خطرناک است، اما به امتحانش می ارزد.» چنین اشخاصی زندگی بر خلاف شریعت خدا، معیارهای اخلاقی جامعه، عرف عمومی، یا خلاف وجدان اخلاقی را نوعی تفریح و سرگرمی

است، بلکه حالت طبیعی انسان نیز هست. وقتی جامعه ما می گوید که تا زمانی که کسی صدمه نبیند، هر نوع عمل جنسی قابل قبول است، این یک خودفریبی بیش نیست. گناه دیر یا زود به مردم صدمه می رساند، یعنی به خود فرد، به خانواده او، و به کل جامعه. چقدر غم انگیز است که آنانی که چیزهای آفریده شده را به جای آفریدگار می پرستند، بسیاری از اوقات، همان چیزها را نابود و خدشه دار می سازند. اما درک نقشه طبیعی خدا، بدون شناخت خود خالق، غیر ممکن است.

۲۷:۱ همجنس بازی در کتاب مقدس، بطور جدی منع شده است (لاویان ۱۸:۲۲). همجنس بازی را بسیاری در دنیای امروز و حتی بعضی از کلیساها، عملی قابل قبول می انگارند. بسیاری از همجنس بازان معتقدند که امیال آنها طبیعی است و حق دارند آن را علنی کنند. اما خداوند گاه حتی ما را به ارضای غرایز طبیعی مان نیز تشویق نمی کند، تا چه رسد به امیال و غرایز غیر طبیعی. امیالی که قوانین خدا را زیر پای می گذارند، درست نیستند و باید از آنها پرهیز کرد. اگر شما چنین امیالی دارید، لازم است بر علیه آنها بایستید و خدا قدرت آن را به شما خواهد داد. به طور آگاهانه، از انجام کارها و رفتن به مکانهایی که می دانید این نوع امیال را در شما شعله ور می سازد، اجتناب ورزید. اگر خود را بر سر راه چنین وسوسه هایی قرار دهید، بدانید که شیطان نیز شما را تشویق خواهد کرد که تسلیم وسوسه شوید. به خاطر داشته باشید، خدا همانطور که دیگر گناهان را می بخشد، قادر است و می خواهد گناهان جنسی را نیز ببامرزد. خود را به

تعیین کرده است، نه فقط خودشان مرتکب آنها می گردند، بلکه دیگران را نیز به انجام این کارها تشویق می کنند!

کیفر گناه

۲ شاید کسی پیش خود فکر کند این مردم چقدر پست هستند که دست به چنین کارهایی می زنند. اما کسی که چنین فکر می کند، خودش نیز بهتر از آنها نیست. هرگاه کسی بگوید که این اشخاص بدکار باید مجازات شوند، در حقیقت خودش را محکوم می کند، چون او نیز همان گناهان را مرتکب می شود. ^۲ اما می دانیم که خدا هرکسی را که مرتکب چنین اعمالی شود، عادلانه و به سختی مجازات خواهد کرد. ^۳ ای آدمی، آیا تصور می کنی که خدا دیگران را برای این گناهان مجازات خواهد کرد، اما از گناهان تو چشم پوشی خواهد نمود؟ ^۴ اگر خدا تابحال نسبت به تو صبر و تحمل نشان داده است، آیا این را نتیجه ضعف او می دانی؟ آیا متوجه نیستی که خدا در تمام این مدت که تو را مجازات نکرده، در واقع به تو فرصت داده تا از گناهانت دست بکشی؟ بلی، مهربانی خدا برای این بوده است که تو توبه کنی. ^۵ اگر دل خودت را سخت کنی و توبه نکنی برای خود مجازات وحشتناکی فراهم

۱:۲
۲ سمو ۵:۱۲-۹
مقی ۱:۷

۲:۲
۲ تسا ۶:۱
۳:۲
امث ۲۱:۱۱

۴:۲
خرو ۵:۳۴
روم ۲۲:۹ و ۲۳:۱۱
افس ۷:۱
۲ پتر ۹:۳
۵:۲
مز ۵:۱۱۰
یعقو ۳:۵

می دهیم که عصبانی شویم، باید مراقب باشیم. ما باید بی پرده علیه گناه سخن بگوییم، اما باید این کار را با فروتنی انجام دهیم. اغلب، گناهایی که آشکارا در دیگران می بینیم، گناهایی هستند که در ما نیز ریشه دوانیده اند. اگر با دقت به خودمان بنگریم، ممکن است متوجه بشویم که ما مرتکب همان گناهان می شویم اما به شکلی که برای جامعه خوشایندتر است. مثلاً کسی که از دیگران بدگویی می کند، ممکن است از کسانی که درباره خودش بدگویی می کنند، انتقاد کند.

۴:۲ ممکن است صبر خدا اشتباهاً به منزله رضایت او از روش غلط زندگی ما تلقی شود. ارزیابی شخصی کار دشواری است، و دشوارتر از این، قرار دادن زندگی خود در اختیار خدا است تا او به ما بگوید در چه قسمتی باید تغییر کنیم. اما ما به عنوان مسیحی باید مرتب دعا کنیم تا خدا گناهان ما را به ما نشان دهد، و به این ترتیب ما را از آنها شفا بخشد. متأسفانه، ما بیشتر دوست داریم همراه دیگران نسبت به صبر خدا، حیران بمانیم، بجای اینکه همراه با دیگران، در برابر فیض خدا فروتن شویم.

۵:۲-۱۱ اگرچه ما معمولاً برای هر گناه، فوراً مجازات نمی شویم، اما داوری نهایی خدا حتمی است. ما نمی دانیم که دقیقاً چه وقت داوری صورت خواهد گرفت، اما

می دانند. اما آنها در اعماق وجود خود می دانند که سزای گناه، مرگ است (رومیان ۶:۲۳).

۱:۲ هیچ شکی نیست که وقتی نامه پولس در کلیسای روم خوانده می شد، بسیاری از اینکه پولس پرستش بتها، همجنس بازی و خشونت را محکوم می کند، سر خود را به علامت تأیید می جنبانند. اما شنوندگان چقدر تعجب می کردند وقتی پولس پس از این سخنان، خطاب به آنها می گفت: «شما هم به همین بدی هستید.» پولس می خواست نکته ای را تأکید کند که مهم ترین اصل برای درک انجیل است، یعنی اینکه هیچکس آنقدر نیک نیست که بتواند خود را نجات دهد. همه ما در کل نسل بشری، اگر بخواهیم از مجازات در امان باشیم و تا ابد با مسیح زندگی کنیم، باید کاملاً به فیض خدا اتکا داشته باشیم. اتکا به فیض خدا شامل حال همه می شود، چه قاتل و دزد باشیم چه شهروندان درستکار، سخت کوش و خالص. قصد پولس این نیست که بگوید بعضی گناهان بدتر از بقیه گناهانند. او به سادگی می گوید که هر نوع گناهی باعث می شود که ما برای دستیابی به نجات و زندگی ابدی به مسیح متکی شویم. برای نجات از گناه، هیچ راهی به غیر از مسیح وجود ندارد.

۱:۲ وقتی با مشاهده گناهان رایج در جامعه، به خود حق

۶:۲ متی ۲۷:۱۶
۷:۲ متی ۴۶:۲۵
لو ۱۵:۸
قرن ۱۷:۴
عبر ۳۶:۱۰
یهو ۲۱
مکا ۷:۲
۸:۲ اش ۱۱:۳
تسا ۱۲:۲

۱۱:۲ ایو ۱۹:۳۴
۱۵-۱۲:۲ متی ۲۶-۲۱:۷
یو ۱۷:۱۳
اعما ۳۵:۱۰
یعقو ۲۲:۱

می آوری، زیرا بزودی روز خشم و غضب خدا فرا می رسد روزی که در آن خدا تمام مردم جهان را عادلانه محکوم خواهد کرد، و به هر کس مطابق کارهایش پاداش یا کیفر خواهد داد.^۷ او زندگی جاوید را به کسانی می بخشد که با صبر و تحمل آنچه راست است به عمل می آورند و خواستار جلال و بزرگی و بقایی هستند که خدا عطا می کند.^۸ اما آنانی را که با حقیقت وجود خدا ضدیت می کنند و به راه های گناه آلود خود می روند، بشدت مجازات خواهد کرد. بلی، ایشان مورد خشم و غضب خدا واقع خواهند شد.^۹ رنج و عذاب گریبانگیر همه کسانی خواهد گردید که گناه می ورزند، از یهودی گرفته تا غیر یهودی.^{۱۰} اما جلال و سربلندی و آرامش الهی نصیب همه آنانی خواهد شد که از خدا اطاعت می کنند، چه یهودی و چه غیر یهودی،^{۱۱} زیرا خدا تبعیض قائل نمی شود.

۱۵:۱۴، ۱۳:۱۲ خدا شخص گناهکار را، هر که باشد، مجازات خواهد کرد. بعنوان مثال، مردم وحشی و از همه جا بی خبر که در جنگلها زندگی می کنند اگر مرتکب گناه شوند، خدا مجازاتشان خواهد کرد، چون ایشان با اینکه هیچگاه کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا را نخوانده اند، اما در عمق وجدانشان، خوب را از بد تشخیص می دهند. پس در حقیقت احکام خدا در وجدانشان نوشته شده است و به همین دلیل، وقتی کاری نیک انجام می دهند، وجدانشان آرام

شاهراه نجات

رومیان ۲۳:۳	همه گناه کرده اند
رومیان ۲۳:۶	مزد گناه موت است
رومیان ۸:۵	عیسی مسیح برای گناهان ما مرد
رومیان ۸:۱۰-۱۰	برای آمرزش گناهان، باید به عیسی ایمان بیاوریم و اقرار کنیم که او خداوند است. نجات از طریق مسیح حاصل می شود.

او را می دانند، بوسیله شریعت داوری می شوند. کسانی که هرگز کتاب مقدس را نخوانده اند اما می توانند درست را از نادرست تشخیص دهند، داوری خواهند شد، چون حتی طبق معیارهایی که می شناسند، عمل نمی کنند.

۱۵-۱۲:۲ اگر به دور دنیا سفر کنید، در هر جامعه و فرهنگی، آثاری از قانون اخلاقی خدا خواهید یافت. مثلاً در تمام فرهنگها، حتی در تمامی جوامعی که قانون خدا زیر پا گذاشته می شود، قتل منع شده است. ما متعلق به نژاد سرکشی هستیم. می دانیم چه چیزی درست است، اما در انجام کارهای نادرست اصرار داریم. کافی نیست که بدانیم چه چیزی درست است؛ باید به آن عمل هم بکنیم. در برابر خودتان و خدا اعتراف کنید که الگوهای بشری را امتحان کرده اید و بارها خواسته اید طبق معیارهای خودتان زندگی کنید اما شکست خورده اید (چه رسد به معیارهای خدا). این اولین قدم برای آمرزش و شفاست.

می دانیم که هیچکس نمی تواند از رویارویی نهایی با خالق بگریزد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره داوری، مراجعه کنید به یوحنا ۴۸:۱۲ و مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵.

۷:۲ پولس می فرماید که آنانی که اراده خدا را به **انجام می رسانند**، صاحب حیات جاودانی خواهند شد. او جمله قبلی خود را مبنی بر اینکه نجات تنها به وسیله ایمان حاصل می شود، نقص نمی کند (۱۶:۱ و ۱۷). ما با اعمال نیک نجات نمی یابیم، اما وقتی زندگی خود را کاملاً به خدا می سپاریم، تمایل پیدا می کنیم که او را خشنود سازیم و اراده او را به انجام برسانیم. بدین ترتیب، اعمال نیک ما، پاسخ تشکر آمیزی است به آنچه خدا انجام داده است، نه برای کسب فیض او.

۱۵-۱۲:۲ مردم به خاطر آنچه نمی دانند، محکوم نمی شوند، بلکه به خاطر آنچه می دانند و عمل نمی کنند. کسانی که کلام نوشته شده خدا و شریعت

می گیرد و هرگاه عمل بدی مرتکب می شوند، وجدانشان ایشان را سرزنش می کند. از طرف دیگر، اشخاصی که دارای دین و مذهب هستند نیز اگر گناه کنند، خدا مجازاتشان خواهد کرد. چون ایشان با اینکه دارای کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا هستند و آنها را می خوانند، اما از آنها اطاعت نمی کنند. ایشان راه راست را می دانند اما در آن قدم نمی زنند. بنابراین، باید گفت که دانستن احکام خدا سبب نجات نمی شود، بلکه اجرای آنها.^{۱۶} مسلماً آن روز خواهد آمد که عیسی مسیح به حکم خدا، افکار و انگیزه های مخفی همه را مورد داوری قرار دهد. همه اینها، بخشی از نقشه عظیم خداست که من اعلام می کنم.

شریعت خدا زیر پا گذاشته شده است

^{۱۷} و اما شما یهودیان، تصور می کنید که چون خدا شریعت و احکام خود را به شما عطا کرده است، بنابراین از شما خشنود است، و می بایلد به اینکه برگزیدگان خدا هستید.^{۱۸} شما اراده و خواست خدا را می دانید و خوب را از بد تشخیص می دهید، چون احکام او را از کودکی آموخته اید،^{۱۹} شما یقین کامل دارید که راه خدا را بخوبی می شناسید؛ به همین جهت خود را راهنمای نابینایان می دانید، و خویشان را چراغهایی می پندارید که راه خدا را به آنانی که در تاریکی گمراه شده اند، نشان می دهند.^{۲۰} شما گمان می کنید که راهنمای مردم نادان هستید و می توانید امور الهی را حتی به کودکان نیز بیاموزید، زیرا تصور می کنید احکام خدا را که پر از معرفت و راستی است، می دانید.

^{۲۱} حال، شما که دیگران را تعلیم می دهید، چرا خودتان نمی آموزید؟ به دیگران می گوید که دزدی نکنید؛ آیا خودتان دزدی نمی کنید؟^{۲۲} می گوید که زنا کردن گناه است؛ آیا خودتان زنا نمی کنید؟ می گوید که نباید بت پرستی کرد؛

۱۶:۲

یو ۵:۲۲

اعما ۱۰:۴۲

روم ۱۶:۲۵ و ۲۶

مکا ۲۰:۱۲

۱۷:۲

میکا ۳:۱۱

۱۸:۲

تث ۴:۸

۲۰:۲

۲ تیمو ۳:۵

۲۱:۲

متی ۲۳:۳

۲۲:۲

ملا ۳:۸

^{۱۷:۲} پولس سخن خود را ادامه می دهد و می فرماید که همه در نظر خدا گناهکار هستند. بعد از اینکه از سرنوشت بی ایمانان و غیریهودیان بت پرست سخن می گوید، درباره سرانجام کسانی بحث می کند که مذهبی هستند. این گروه با وجود شناختی که از اراده خدا دارند، گناهکارند، چون طبق اعتقاداتشان زندگی نمی کنند. کسانی که در خانواده های مسیحی بزرگ شده اند، در زمره کسانی هستند که از امتیاز مذهبی بودن برخوردارند. اینان اگر مطابق دانسته های خود زندگی نکنند، جزو کسانی خواهند بود که پولس محکومشان می کند.

^{۲۱:۲-۲۷} در این آیات به شدت از ریاکاری انتقاد شده است. خیلی آسانتر است به دیگران بگوئیم چگونه رفتار کنند تا اینکه خودمان رفتار مناسبی داشته باشیم. گفتگو در باره رفتار درست بسی ساده تر از عمل کردن به آن

است. در هر حال، شناخت اراده خدا، به معنی انجام آن نیست. آیا تابحال پندی به کسی داده اید که خودتان قادر به انجامش نبوده اید؟ کردارتان را با گفتارناتان یکی کنید. ^{۲۱:۲ و ۲۲} پولس یهودیان را ترغیب می کند که به وسیله شریعت، خود را داوری کنند نه دیگران را. آنان با آگاهی ای که از شریعت داشتند، می دانستند چطور از دیگران انتقاد کنند و خود را توجیه. اما شریعت، فراتر از یک «نامه» است. شریعت راهنمایی است تا به کمک آن، مطابق اراده خدا زندگی کنیم. شریعت به ما یادآوری می کند که بدون ایجاد رابطه با خدا، نمی توانیم درستکارانه زندگی کنیم. همانطور که عیسی خاطرنشان کرد، حتی ادا نکردن حقوق دیگران، دزدی محسوب می شود (مرقس ۹:۷-۱۳)، و نگاه از روی شهوت و داشتن نیت شهوانی، زناست (متی ۵:۲۷ و ۲۸). قبل از اینکه دیگران را

۲۳:۲
 یو ۴:۵
 روم ۴:۹
 ۲۴:۲
 سمو ۱۴:۱۲
 اش ۵:۵۲
 حز ۲۰:۳۶
 ۲۵:۲
 غلا ۳:۵
 ۲۶:۲
 اعما ۳۴:۱۰

۲۸:۲
 متی ۹:۳
 یو ۳۹:۸
 غلا ۱۵:۶
 مکا ۹:۲
 ۲۹:۲
 یو ۴۷:۱
 روم ۶:۷
 ۲۹:۲
 قری ۶:۳
 فیل ۳:۳
 کول ۱۱:۲
 ۱ پطر ۴:۳
 ۲:۳
 تث ۸:۴
 مز ۱۹:۱۴۷
 اعما ۳۸:۷

آیا خودتان مادیات را همچون بت نمی‌پرستید؟^{۲۳} شما به داشتن کتاب آسمانی افتخار می‌کنید؛ ولی آیا با زیر پا گذاشتن دستورات آن، به خدا توهین نمی‌کنید؟^{۲۴} همانطور که کتاب آسمانی می‌فرماید: «مردم دنیا بخاطر شما یهودیان، به نام خدا بی‌احترامی می‌کنند!»

^{۲۵} یهودی بودن شما، در صورتی ارزش دارد که از دستورات خدا اطاعت کنید. در غیر اینصورت، از بت پرستان هم بدترید.^{۲۶} زیرا اگر بت پرستان احکام خدا را اطاعت کنند، آیا خدا تمام امتیازات و افتخاراتی را که قصد داشت به شما یهودیان بدهد، به ایشان نخواهد داد؟ یقیناً خواهد داد.^{۲۷} در این صورت وضع بت پرستان نامختون که احکام خدا را اطاعت می‌کنند، در پیشگاه خدا از وضع شما یهودیان خیلی بهتر خواهد بود، زیرا شما با وجود اینکه ختنه شده‌اید و صاحب کتاب آسمانی هستید، باز احکام خدا را اطاعت نمی‌کنید.

^{۲۸} فراموش نکنید که هر که پدر و مادرش یهودی باشند و خود نیز ختنه شده باشد، یهودی نیست.^{۲۹} بلکه یهودی واقعی کسی است که دلش در نظر خدا پاک باشد. زیرا ختنه بدنی، خدا را راضی نمی‌سازد؛ خدا از کسانی راضی و خشنود می‌شود که آرزوها و افکارشان ختنه و دگرگون شده باشد. هر که زندگی‌اش به اینصورت تغییر یافته باشد، اگر هم شما او را تحسین نکنید، خدا او را تحسین خواهد کرد.

خدا همچنان وفادار است

۳ پس برتری یهودیت در چیست؟ آیا خدا امتیاز بخصوصی برای یهودیان قائل است؟ آیا ختنه ارزشی دارد؟^۲ بلی، خدا برای یهودیان امتیازات بسیاری قائل شده است.

۱:۳ پولس در این فصل موضوع گناهکار بودن همه انسانها را مورد بحث قرار می‌دهد. پولس دلایل مردم را برای توجیه گناهان خود بر می‌شمارد؛ مردم می‌گویند: (۱) «خدایی وجود ندارد» یا «من از وجدانم پیروی می‌کنم» (۱۸:۱-۳۲)؛ (۲) «من به بدی دیگران نیستم» (۱:۲-۱۶)؛ (۳) «من عضو کلیسا هستم» یا «من آدمی مذهبی هستم» (۱۷:۲-۲۹). هیچکس از داوری خدا، معاف نیست. همه باید بپذیرند که گناهکارند و از نظر خدا محکوم. تنها در این صورت است که هدیه پریهای نجات خدا قابل فهم و قابل قبول می‌شود.

۱:۳ پولس چه تصویر غم‌انگیزی ارائه می‌دهد؛ همه ما، چه مذهبی باشیم، چه منکر خدا، و چه پیرو افکار انسان‌گرایانه، با اعمال خودمان محکوم می‌شویم. خدا شریعت را داد تا روش زندگی کردن را به ما نشان دهد. همین شریعت، اعمال بد ما را در برابر عموم آشکار

محکوم نماییم، باید به خودمان نگاه کنیم که آیا این گناه، به هر شکلی که باشد، در ما وجود دارد یا نه؟

۲۴:۲ اگر در اثر ایمان به مسیح، به قوم خدا تعلق دارید، زندگی‌تان باید بازتابی از خدا باشد. وقتی از خدا ناطاعتی می‌کنید، نام او را بی‌حرمت می‌سازید، و حتی مردم به‌خاطر شما، ممکن است به خدا ناسزا بگویند. وقتی مردم به شما نگاه می‌کنند، درباره خدا چه فکر می‌کنند؟

۲۸:۲ و ۲۹ یهودی بودن یعنی جزو خانواده خدا بودن، یعنی وارث تمام وعده‌های خدا بودن. پولس تا اینجا روشن می‌سازد که جزو خانواده خدا شدن، بر مبنای خصوصیات درونی است و نه ظاهری. تمام کسانی که با خدا صادقند، یهودیان واقعی هستند، یعنی جزو خانواده خدا می‌باشند (همچنین به غلاتیان ۷:۳ مراجعه کنید). همانطور که برای یهودیان کافی نبود که فقط ختنه شوند، برای ما نیز حضور یافتن در کلیسا یا تعمید گرفتن و عضویت در کلیسا کافی نیست.

یکی از مهم‌ترین این امتیازات، اینست که خدا احکام و کلام خود را به ایشان سپرد، تا آنان خواست و اراده او را بدانند و آن را اجرا کنند.^۳ اما اگر بعضی از ایشان ایمان خود را از دست دادند و نسبت به خدا پیمان‌شکنی کردند، آیا خدا نیز عهد و پیمان خود را خواهد شکست؟^۴ هرگز! اگر همه مردم دنیا هم دروغ بگویند، خدا هرگز دروغ نمی‌گوید. در کتاب آسمانی در این باره آمده که هر چه خدا می‌فرماید، همیشه راست و درست است، و در هر داوری پیروزی با اوست.

^۵ اما بعضی چنین استدلال می‌کنند: «خوب است که ما بی‌ایمان بمانیم! گناهان ما نتیجه خوبی دارد! زیرا وقتی مردم ببینند که ما چقدر بد هستیم، بهتر پی خواهند برد که خدا چقدر نیکوست! پس، در اینصورت آیا انصاف است که خدا ما را مجازات کند، درحالی‌که گناهان ما به جلال او کمک می‌کند؟»^۶ به هیچ وجه چنین نیست! زیرا چنین خدایی دیگر شایسته نخواهد بود کسی را داوری کند.^۷ چون اگر نادرستی من در مقایسه با راستی خدا باعث بزرگی و جلال او گردد، دیگر او نمی‌تواند مرا بعنوان یک گناهکار، داوری و محکوم کند.^۸ اگر بخواهید چنین استدلال کنید، به این نتیجه خواهید رسید که «هر چه ما بدتر باشیم، خدا بیشتر خشنود می‌گردد.» بعضی به من اقترا می‌زنند و می‌گویند که من این را وعظ می‌کنم. محکومیت چنین اشخاص قطعی است.

همه گناه کرده‌اند

^۹ خوب، چه نتیجه می‌گیریم؟ آیا ما یهودیان از دیگران بهتریم؟ نه، به هیچ وجه!

می‌طلبید. از این جهت مایه تسلی است که زندگی خود را بر چیزی بنا می‌کنیم که استوار و تغییرناپذیر است. از سوی دیگر ما را به مبارزه می‌خواند تا خود را تبدیل به آن چیزی بکنیم که کلام خدا از ما می‌خواهد. اگر با عادت‌ها، عملکردها یا افکاری که در تضاد با کلام خدا هستند، در کشمکش هستیم، شناخت جدیدی از حقیقت تغییرناپذیر خدا، ما را در این راه کمک خواهد کرد.

۵:۳ بعضی تصور می‌کنند که لازم نیست نگران گناهان خود باشند، چون (۱) کار خدا آمرزیدن است؛ (۲) محبت خدا بیش از آن است که بخواهد بر ما داوری کند؛ (۳) گناه خیلی هم بد نیست، چون درسهای باارزشی به ما می‌دهد؛ یا (۴) ما باید همرنگ جماعت شویم. این نوع طرز فکر، نگرشی افراطی به فیض خدا دارد. خدا نمی‌تواند نسبت به گناه بی‌توجه باشد. گناهکاران هرچقدر هم بخواهند گناه خود را توجیه کنند، باید به‌خاطر گناهانشان به خدا پاسخگو باشند.

می‌کند. آیا امیدی برای ما وجود دارد؟ پولس می‌گوید، بله. درست است که شریعت ما را محکوم می‌کند، اما شریعت اساس امید ما را تشکیل نمی‌دهد. امید ما خود خدا است. او به‌خاطر عدالت و محبت عجیبش، حیات جاودانی را به ما عطا می‌کند. ما نجات را از طریق شریعت دریافت نمی‌کنیم، بلکه بوسیله ایمان به عیسی مسیح.

۲:۳ قوم یهود امتیازات زیادی داشتند: (۱) شریعت خدا به آنان سپرده شده بود (خروج ۱۹ و ۲۰؛ تثنیه ۸:۴)؛ (۲) مسیح موعود می‌بایست از نسل آنان به دنیا آید (اشعیا ۱۰:۱-۱۱)؛ (۳) آنان وارث عهد خدا بودند (پیدایش ۱۷:۱-۱۶؛ خروج ۳:۱۹-۶). اما این امتیازات باعث برتری آنان نمی‌شد (مراجعه کنید به ۹:۳). در واقع، به‌خاطر این امتیازات، یهودیان مسؤولیت بیشتری داشتند تا مطابق ضوابط خدا زندگی کنند.

۴:۳ این وعده که حتی اگر همه انسانها دروغگو باشند، خدا راستگو است، هم مایه تسلی است و هم ما را به مبارزه

۳:۳

اعد ۱۹ و ۲۳

۴:۳

مز ۴:۵۱؛ ۹:۶۲

۵:۳

روم ۸:۵؛ ۷:۷

غلا ۱۵:۳

۶:۳

ایو ۱۷:۳۴

۷:۳

روم ۱۹:۹ و ۲۰

۸:۳

روم ۲:۵

۹:۳

روم ۱۸:۱-۳۲؛ ۱۰:۲-۲۹

غلا ۲۲ و ۲۱:۳

۱۰:۳ مز ۳:۱۴-۱:۵۳-۴	زیرا قبلاً بیان کردیم که همه بطور یکسان گناهکارند، چه یهودی باشند، چه غیریهودی.^{۱۰} کتاب آسمانی نیز در این باره می‌فرماید: هیچکس نیکوکار نیست، در تمام عالم، یک بی‌گناه هم یافت نمی‌شود. ^{۱۱}هیچکس فهم ندارد، کسی واقعاً طالب خدا نیست. ^{۱۲}همه از او روی برگردانیده‌اند؛ همه به راه خطا رفته‌اند؛ حتی یک نفر هم نیست که نیکوکار بوده باشد.
۱۳:۳ مز ۹:۵۵-۳:۱۴۰	^{۱۳}سخنان ایشان کثیف و متعفن است، همچون بوی تعفنی که از قبر به مشام می‌رسد. زبان‌شان را برای فریب دادن بکار می‌برند. سخنانشان همچون نیش مار کشنده است.
۱۴:۳ مز ۷:۱۰	^{۱۴}دهانشان پر از لعنت و تلخی است.

خدا فرد یا یک گروه را برای هدف یا مقصود خاصی برمی‌گزیند.	برگزیدگی رومیان ۱۰:۹-۱۳	مفاهیم مهم در رساله رومیان
خدا ما را به‌خاطر گناهانمان مجرم نمی‌شمارد.	عادل شمرده‌شدگی رومیان ۲۵:۴-۱۸:۵	
خدا به‌واسطه یک قربانی بی‌عیب، عیسی مسیح، گناه را مجازات نمی‌کند.	کفار / فدیّه رومیان ۲۵:۳	
عیسی مسیح، بها را پرداخت، از این جهت ما آزادیم. تاوان گناه موت است؛ عیسی تاوان آن را پرداخت.	فدیّه رومیان ۲۴:۳-۲۳:۸	
از طریق کار روح‌القدس در ما، بیشتر و بیشتر شبیه عیسی مسیح می‌شویم.	تقدیس رومیان ۲:۵-۱۶:۱۵	
این بیانگر وضعیت نهایی ایماندار پس از مرگ است، یعنی وقتی که شبیه مسیح می‌شود (اول یوحنا ۴:۴).	جلال رومیان ۱۸:۸ و ۱۹	

دهد که بشریت بطور کلی در وضعیت گناه‌آلود کنونی‌اش، مقبول خدا نیست. بعضی‌ها پیش خود فکر می‌کنند و می‌گویند: «خوب، من آدم خیلی بدی هم نیستم.» آیه‌های مورد اشاره را بخوانید و ببینید کدامیک از آنها به شما مربوط می‌شود. آیا تابه‌حال دروغ گفته‌اید؟ آیا کسی را با سخنان یا لحن بد خود آزرده‌اید؟ آیا با کسی با طعنه صحبت کرده‌اید؟ آیا نسبت به کسانی که بشدت با شما مخالفند، خشمگین نیستید؟ مانند سایر مردم دنیا، افکار و رفتار و سخنان شما در نظر خدا گناه‌آلود است. نباید فراموش کنیم که در نظر خدا، ما گناهکاران	۱۲-۱۰:۳ پولس به مزمور ۱:۱۴-۳ اشاره می‌کند. «هیچکس نیکوکار نیست» یعنی «هیچکس بی‌گناه نیست». در نظر خدا همه ارزش دارند، چون خدا ما را به شکل خود آفرید و ما را دوست دارد؛ اما هیچکس عادل نیست (یعنی کسی نمی‌تواند خود را در حضور خدا، عادل سازد). اگر چه ما ارزش داریم، اما در گناه سقوط کرده‌ایم. اما خدا ما را به‌واسطه پسرش عیسی از گناه آزاد کرده است؛ اگر با ایمان بسوی او بازگشت کنیم، آمرزش گناهان را به ما هدیه خواهد کرد. ۱۸-۱۰:۳ پولس با مراجعه به عهدعتیق، می‌خواهد نشان
---	--

^{۱۵} پایهایشان برای خون ریختن شتابان است.
^{۱۶} به هر جا برسند، پریشانی و ویرانی بجا می گذارند.
^{۱۷} از آرامش الهی نصیبی ندارند.
^{۱۸} احترام و ترس خدا، جایی در قلبشان ندارد.
^{۱۹} بنابراین، خدا یهودیان را خیلی شدیدتر داوری و مجازات خواهد کرد، زیرا ایشان می بایست بجای اینکه مرتکب چنین گناهانی شوند، دستورات و احکام خدا را بجا آورند. به همین علت هیچیک از ایشان نخواهد توانست برای بی ایمانی و گناهان خود، عذر و بهانه ای بیاورد. در حقیقت، تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری خدای قادر مطلق، مقصر و محکومند.
^{۲۰} پس ملاحظه می کنید که با اجرای شریعت، کسی هرگز نمی تواند رضایت خدا را حاصل کند. در واقع هر چه بیشتر شریعت را بدانیم، بیشتر پی می بریم که آن را زیر پا گذارده ایم. شریعت فقط چشمان ما را باز می کند تا گناهان خود را ببینیم.

۱۵:۳
امث ۱۶:۱
اش ۷:۵۹

۱۸:۳
مز ۱۳:۶
۱۹:۳
روم ۱۲:۲

۲۰:۳
مز ۲:۱۴۳
اعما ۳۹:۱۳
روم ۷:۷
غلا ۱۶:۲
۱۱:۳

۲- آمرزش گناه به واسطه مسیح مسیح مجازات ما را بر خود گرفت

^{۲۱} اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تا بحال سعی می کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما

۲۱:۳
روم ۳۰:۹
۲۲:۳
روم ۱۶:۴
غلا ۱۶:۲
کول ۱۱:۳
عبر ۴:۱۱
۱ پتر ۱۰:۱
۲ پتر ۱:۱

نیاز داریم. دوم اینکه ضوابط اخلاقی مکتوب در شریعت، می تواند اعمال ما را مطابق با معیارهای اخلاقی خدا شکل دهد. ما از طریق بجا آوردن شریعت، نجات را کسب نمی کنیم (هیچکس به جز عیسی مسیح نتوانسته است شریعت را بطور کامل بجا آورد)، اما وقتی مطابق با اراده خدا که آن را برای ما مکشوف ساخت، زندگی کنیم، او را خشنود می سازیم.

۲۹-۲۱:۳ بعد از بحث درباره گناهکار بودن و محکومیت ما، پولس نکات امیدبخشی را مطرح می سازد. او می فرماید که اگر بخواهیم مجرم بحساب نیاییم، راهی وجود دارد؛ این راه، ایمان آوردن به عیسی مسیح است؛ او گناهان ما را بر می دارد. ایمان یعنی اعتماد داشته باشیم که او گناهان ما را می بخشد، ما را در حضور خدا عادل می سازد، و این قدرت را به ما می دهد که به طریقی که خدا می خواهد زندگی کنیم. این راهی است که خدا مهیا کرده است و شامل حال همه ما می شود، بدون در نظر گرفتن افکار و اعمال گذشته مان.

بی پناهی هستیم. گناهکار بودن خود را انکار نکنید، بلکه بگذارید این حقیقت، شما را بسوی مسیح رهنمون گردد.
۱۹:۳ آخرین باری که شخصی شما را به خاطر عمل اشتباهتان سرزنش کرد، چه عکس العملی نشان دادید؟ زیر بار نرفتید؟ جر و بحث کردید؟ عذر و بهانه آوردید؟ کتاب مقدس به ما می گوید که تمام دنیا در برابر خدای قادر مطلق ملزم و مسؤول است. در این صورت، جای هیچ گونه عذر و بهانه ای باقی نمی ماند. آیا به جایی رسیده اید که دست از دفاع از خود در برابر خدا کشیده، منتظر حکم خدا باشید؟ اگر به این مرحله نرسیده اید، باز ایستید و بپذیرید که نسبت به خدا گناه کرده اید. اگر این کار را نکنید، پنج آیه بعدی خبر خوشی برایتان دارد!
۲۱ و ۲۰:۳ در این آیات، می بینیم که خدا از اعطای شریعت دو هدف داشته است. یکی اینکه اشکال کار ما را به ما نشان می دهد. از شریعت می فهمیم که گناهکار و بدون امید هستیم، و برای دریافت آمرزش به عیسی مسیح

از زمانهای گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً «بی گناه» بحساب آورد. همه انسانها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابقشان، می توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسی مسیح» نجات یابند.^{۲۳} زیرا همه گناه کرده اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پر جلالی که خدا انتظار دارد، نرسیده است.^{۲۴} اما اکنون اگر به عیسی مسیح ایمان آوریم، خدا ما را کاملاً «بی گناه» به حساب می آورد، چون عیسی مسیح به لطف خود بطور رایگان گناهان ما را برداشته است.

^{۲۵} خدا عیسی مسیح را فرستاد تا مجازات گناهان ما را متحمل شود و خشم و غضب خدا را از ما برگرداند. خدا خون مسیح و ایمان ما را وسیله ای ساخت برای نجات ما از غضب خود. به این ترتیب او عدالت خود را ظاهر نمود. اگر او کسانی را که در زمانهای گذشته گناه کرده بودند مجازات نکرد، این هم کاملاً عادلانه بود، زیرا او منتظر زمانی بود که مسیح بیاید و گناهان آنان را نیز پاک سازد.^{۲۶} در زمان حاضر نیز خدا از همین راه گناهکاران را به حضور خود می پذیرد، زیرا عیسی مسیح گناهان ایشان را برداشته است.

اما آیا این بی انصافی نیست که خدا گناهکاران را بی گناه بشمارد؟ نه، زیرا خدا این کار را بر اساس ایمانشان به عیسی مسیح انجام می دهد، یعنی ایمان به کسی که با خون خود گناهانشان را پاک کرده است.

۲۳:۳

روم ۹:۳
غلا ۲۲:۱۳ و ۲۲

۲۴:۳

افس ۷:۱ : ۸:۲
عبر ۱۲:۹
۱ پتر ۱:۱۸ و ۱۹

۲۵:۳

لاو ۱۵:۱۶
اعما ۳۰:۱۷
عبر ۱۴:۱۳ و ۱۴
۱ پتر ۱۹:۱
۱ یو ۲:۲ : ۴:۱۰

^{۲۳:۳} بعضی از گناهان، بزرگتر از بقیه گناهان به نظر می رسند، چون عواقب وخیم تری به دنبال دارند. برای مثال، بنظر می آید که قتل بدتر از نفرت، و زنا بدتر از شهوت است. اما این به آن معنا نیست که بعضی از گناهان، مجازات کمتری بدنبال خواهند داشت. هر نوع گناه ما را گناهکار می سازد، و هر نوع گناه ما را از خدای قدوس دور می سازد. بنابراین، هر گناهی چه بزرگ بنظر آید و چه کوچک، به موت منتهی می شود (چون گناه شایستگی زندگی کردن در حضور خدا را از ما سلب می کند). گناهان «کوچک» را دست کم نگیرید و گناهان «بزرگ» را بیش از اندازه بزرگ نکنید. هر نوع گناه ما را از خدا جدا می سازد، اما همه گناهان قابل بخشایش است.

^{۲۴:۳} وقتی قاضی در دادگاه متهم را بی گناه اعلام می کند، همه اتهامات موجود در پرونده متهم باطل می شود. از نظر قضایی درست مثل اینست که هرگز متهم

نشده است. وقتی خدا گناهان ما را می بخشد، پرونده ما کاملاً پاک می شود. از دید خدا، درست مثل این است که ما هرگز مرتکب گناه نشده ایم.

^{۲۵:۳} تکلیف کسانی که پیش از ظهور و کفار شدن مسیح زندگی می کردند، چیست؟ آیا بی انصافی نیست که خدا آنها را محکوم کند؟ اگر خدا آنها را نجات داده باشد، آیا قربانی مسیح غیر ضروری نیست؟ پولس نشان می دهد که خدا گناه تمام انسانها را در صلیب مسیح می آمرزد. ایمانداران در عهدعتیق، با ایمان انتظار آمدن مسیح را می کشیدند، به همین دلیل نیز نجات یافتند، اگرچه اطلاعی از نام عیسی یا از جزئیات زندگی او بر روی زمین نداشتند. ایمانداران در عهد جدید، با ایمان به منجی مصلوب خود می نگرند. برخلاف ایمانداران عهدعتیق، شما می دانید که خدا اینقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را داد (یوحنا ۳:۱۶). آیا به خدا اعتماد دارید؟

۲۷ آیا حالا دیگر کسی می‌تواند به خود ببالد و تصور کند که با پرهیزکاری و اعمال نیک خود، نجات یافته و مقبول خدا گشته است؟ هرگز! چرا؟ زیرا نجات، نه از کارهای نیک ما و انجام تشریفات مذهبی، بلکه از کارهایی که عیسی مسیح برای ما انجام داد و از ایمانی که ما به او داریم، بدست می‌آید. ۲۸ پس ما بوسیله ایمان به عیسی مسیح نجات می‌یابیم و در حضور خدا بی‌گناه به حساب می‌آییم، نه بسبب کارهای خوب خود یا انجام تشریفات مذهبی. ۲۹ آیا خدا فقط یهودیان را از این راه نجات می‌دهد؟ نه، غیریهودیان نیز می‌توانند از همین راه به حضور خدا راه یابند. ۳۰ زیرا در نظر خدا همه یکسانند. همه، چه یهودی و چه غیریهودی، بوسیله ایمان بی‌گناه محسوب می‌شوند. ۳۱ حال که بوسیله ایمان نجات می‌یابیم، آیا دیگر لازم نیست شریعت و احکام خدا را اطاعت نماییم؟ نه، درست برعکس است! زیرا فقط زمانی می‌توانیم احکام خدا را اطاعت کنیم که به عیسی مسیح ایمان آوریم.

۲۷:۳

روم ۱۷:۲ ؛ ۲:۴

اقرن ۱:۲۹

افس ۲:۹

۲۸:۳

اعما ۱۳:۳۹

۲۹:۳

روم ۲۴:۹ ؛ ۱۲:۱۰ ؛ ۹:۱۵

غلا ۳:۲۸

۳۱:۳

متی ۵:۱۷

لو ۲۰:۱۶

ابراهیم از طریق ایمان عادل شمرده شد

۴ حال ببینیم خدا جَدّ ما ابراهیم را بر چه اساس بی‌گناه بحساب آورد؛ آیا بخاطر اعمال نیک او و انجام تشریفات مذهبی بود، یا بخاطر ایمانش؟

۲:۴

اقرن ۱:۳۱

روم ۴:۱۶

مسیحیان یهودی‌نژاد و غیریهودی در روم، اختلافاتی وجود داشت. مسیحیان یهودی‌نژاد که نگران تورات و شریعت بودند، از پولس می‌پرسیدند: «آیا ایمان، هرچیز مربوط به مذهب یهود را باطل می‌کند؟ آیا کتب عهدعتیق از درجه اعتبار ساقط می‌شود؟ آیا دیگر نباید مراسم را انجام داد؟ آیا ایمان به این معناست که دیگر خدا از طریق ما کار نمی‌کند؟» (این سؤال، علت نگارش فصل ۳ است). پولس می‌گوید: «مسلماً نه!» وقتی ما نجات از طریق ایمان را درک کنیم، مذهب یهود را بهتر درک خواهیم کرد. ما می‌دانیم که چرا ابراهیم انتخاب شد، چرا شریعت موسی داده شد، چرا خدا قرن‌ها با بردباری با قوم اسرائیل کار می‌کرد. ایمان، عهدعتیق را باطل نمی‌سازد، بلکه کاری را که خدا برای قوم یهود انجام داد، برای ما قابل فهم می‌سازد. در فصل چهارم، پولس این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد (برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، مراجعه کنید به ۲۱:۲۰ ؛ ۴:۳۸ ؛ ۱۳:۹و۱۰ ؛ غلاطیان ۳:۲۴-۲۹ ؛ و اول تیموتائوس ۱:۸).

۱:۴ یهودیان به دلیل اینکه فرزندان ابراهیم نامیده می‌شدند، به خود می‌بالیدند. پولس از ابراهیم به‌عنوان نمونه کسی یاد می‌کند که بوسیله ایمان نجات یافت.

۲۷و۲۸ اکثر مذاهب، برای مقبول شدن شخص در برابر خدا، تکالیف خاصی را برای او مقرر می‌دارند. مسیحیت تعلیم می‌دهد که ما با کارهای خوبمان در برابر خدا عادل شمرده نمی‌شویم؛ و این تعلیمی است منحصربه‌فرد. هر قدر هم انسان در روند تکاملی شخصیت پیشرفت و ترقی کند، نخواهد توانست فاصله زیادی را که بین کاملیت اخلاقی خدا و اعمال ناقص روزانه او وجود دارد، کاهش دهد. اعمال نیک خوب است، اما نمی‌تواند حیات ابدی را برای ما فراهم سازد. ما تنها با اعتماد به آنچه که خدا برای ما انجام داده است، نجات پیدا می‌کنیم (مراجعه کنید به افسسیان ۲:۸-۱۰).

۲۸:۳ چرا خدا ما را تنها بوسیله ایمان نجات می‌دهد؟ (۱) ایمان غرور انسانی را از بین می‌برد؛ (۲) ایمان خدا را جلال می‌دهد، نه انسان را؛ (۳) ایمان، نجات را برای همه امکان‌پذیر می‌سازد؛ (۴) ایمان می‌پذیرد که ما نمی‌توانیم شریعت را بجا بیاوریم یا با معیارهای خدا زندگی کنیم، بلکه می‌پذیرد که ما به کمک احتیاج داریم؛ (۵) اساس ایمان بر رابطه با خدا استوار است، نه بر به نمایش گذاشتن اعمال. ۳۱:۳ این آیه را می‌توان به این شکل ترجمه کرد: «آیا در این صورت، با ایمان، شریعت را از میان بر می‌داریم؟ به هیچ وجه! بلکه برعکس آن را استوار می‌سازیم.» بین

اگر بخاطر اعمال نیکش بود، پس جا داشت که بخود ببالد. اما از دیدگاه خدا، ابراهیم هیچ علتی برای بالیدن نداشت.^۳ زیرا کتاب آسمانی ما می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد، به همین دلیل خدا از خطایای او چشم پوشید و او را «بی‌گناه» به شمار آورد.»

^۴ اما آیا اعمال نیک ابراهیم در نجات او هیچگونه تأثیری نداشت؟ نه! به این دلیل که نجات و رستگاری، هدیه‌ی خداوند است. اگر کسی می‌توانست نجات و آمرزش گناهان خود را با انجام کارهای خوب بدست آورد، نجات هدیه نمی‌بود. اما نجات هدیه‌ی خداوند است و به کسانی عطا می‌شود که برای بدست آوردن آن، به اعمال نیک خود تکیه نمی‌کنند. بلی، خدا در صورتی گناهکاران را بی‌گناه به حساب می‌آورد که به عیسی مسیح ایمان بیاورند.

^۵ داود نبی در بیان همین حقیقت، شادی یک شخص گناهکار را توصیف می‌کند که بدون آنکه لایق باشد، خدا او را «بی‌گناه» اعلام می‌دارد.^۷ حضرت داود می‌گوید: «خوشابه حال کسی که خدا گناهانش را بخشیده و از خطایای او چشم پوشیده باشد! ^۸ چه سعادتى که خداوند دیگر گناهی علیه او بحساب نیاورد!»

^۹ حال ممکن است این سؤال مطرح شود که این سعادت نصیب چه کسانی می‌گردد؟ آیا فقط نصیب اشخاصی می‌شود که ضمن ایمان به عیسی مسیح، مطابق شریعت ختنه نیز می‌شوند؟ یا نصیب آنانی هم می‌شود که بدون ختنه، فقط به عیسی مسیح ایمان دارند؟ درمورد ابراهیم چطور بود؟ دیدیم که ابراهیم

۳:۴

پیدا ۶:۱۵

غلا ۶:۳

یعقو ۲۳:۲

۵:۴

یو ۲:۲۴

اعما ۳۸:۱۳ و ۳۹

روم ۶:۱۱

غلا ۱۶:۲

۶:۴

اقرن ۳۰:۱

قرن ۱۹:۵

۷:۴

مز ۲۱:۳۲ و ۲۱

۸:۴

مز ۳۲:۲ و ۲۱

قرن ۱۹:۵

۹:۴

پیدا ۶:۱۵

روم ۳:۳

نتیجه‌بخش است، چه بزرگ باشد چه کوچک، چه با ترس همراه باشد و چه با دلیری.

۶:۴ تکلیف ما در برابر گناهانمان چیست؟ داود پادشاه، مرتکب گناهان فاحشی از جمله زنا، قتل و دروغ شد، اما با این حال، شادی بخشش گناهان را چشید. ما هم می‌توانیم این شادی را داشته باشیم به شرط اینکه (۱) اقرار کنیم که خطاکاریم و تشخیص دهیم که گناه کرده‌ایم؛ (۲) بپذیریم که نسبت به خدا خطا کرده‌ایم و بخشش او را بطلبیم؛ (۳) دست از خطاهای خود بکشیم و ایمان داشته باشیم که خدا ما را بخشیده است. اگر گناهی سالها در زندگی ما ریشه دوانده باشد، یا اگر گناه بزرگی باشد، و یا اگر دیگران را هم گرفتار کرده باشد، برداشتن این قدم‌ها مشکل خواهد بود؛ اما ما باید به‌خاطر داشته باشیم که عیسی می‌خواهد و قادر است هر نوع گناهی را ببخشد. با توجه به بهای گزافی که مسیح بر روی صلیب پرداخت، بسیار خودبینانه خواهد بود که فکر کنیم گناهان ما بزرگتر از آن است که مسیح بتواند ببخشد.

منظور پولس از تأکید بر ایمان، این نیست که شریعت خدا را بی‌اهمیت جلوه دهد (۱۳:۴)، بلکه می‌خواهد بگوید که اطاعت از شریعت، راه نجات یافتن نیست. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ابراهیم، مراجعه کنید به شرح حال او در پیدایش فصل ۱۷.

۵:۴ بعضی‌ها وقتی می‌شنوند که تنها راه نجات، ایمان به مسیح است، دچار نگرانی می‌شوند و از خود می‌پرسند: «آیا ایمان من کافی است؟ آیا ایمان من به اندازه کافی قوی هست که مرا نجات دهد؟» این اشخاص، به اصل مطلب توجه نمی‌کنند. عیسی مسیح است که ما را نجات می‌دهد، نه احساسات یا اعمال ما. مهم نیست ایمان ما چقدر نیرومند باشد؛ مهم این است که او به اندازه کافی نیرومند هست که ما را نجات دهد. عیسی نجات را به ما هدیه می‌کند، چون ما را دوست دارد. ما نجات را به‌واسطه ایمان قوی بدست نمی‌آوریم. پس، ایمان چه نقشی دارد؟ ایمان، اعتماد و اعتقاد به عیسی مسیح است؛ دست دراز کردن برای گرفتن هدیه‌ی عالی نجات است. ایمان

خشنودی خدا را از راه ایمان بدست آورد و خدا او را «بی گناه» دانست. اما آیا فقط از راه ایمان بود یا به دلیل ختنه نیز بود؟

^{۱۰} برای پاسخ به این سؤال، من از شما سؤال دیگری می کنم: چه موقع خدا ابراهیم را «بی گناه» به شمار آورد؟ پیش از انجام مراسم ختنه، یا بعد از آن؟ واقعیت اینست که پیش از آن بود. ^{۱۱} در واقع او زمانی ختنه شد که مدتها از ایمان آوردن او به خدا و دریافت وعده برکت الهی می گذشت. مراسم ختنه، نشانه و علامتی بود از این واقعیت که ابراهیم از قبل، یعنی قبل از ختنه شدن، به خدا ایمان داشته و خدا نیز او را از مدتها پیش نیک و بی گناه به شمار آورده است. در نتیجه ابراهیم از لحاظ روحانی، پدر کسانی است که بدون ختنه شدن و انجام سایر تشریفات شریعت، به خدا ایمان دارند و نجات یافته اند. پس ملاحظه می کنیم که خدا کسانی را که ختنه شده اند ولی به او ایمان می آورند نیز «بی گناه» و نیک بحساب می آورد. ^{۱۲} در ضمن، ابراهیم از لحاظ روحانی پدر کسانی است که ختنه شده اند، اما با توجه به زندگی ابراهیم، پی برده اند که نجات و لطف خدا، از راه ایمان بدست می آید، نه در اثر مراسم ختنه. زیرا ابراهیم تنها از راه ایمان توانست رضایت خدا را حاصل کند، پیش از آنکه ختنه شود.

^{۱۳} خدا به ابراهیم و به نسل او وعده داد که جهان را به ایشان ببخشد. واضح است که این وعده خدا به این دلیل نبود که ابراهیم تشریفات و احکام شریعت را اجرا می کرد، بلکه فقط بخاطر ایمان او بود، ایمان و اعتماد به اینکه خدا وعده های خود را وفا خواهد نمود. خدا نیز در برابر این ایمان، ابراهیم را «بی گناه» شناخت. ^{۱۴} پس اگر هنوز هم ادعا می کنید که برکات خدا نصیب کسانی می شود که احکام و تشریفات یهود را نگاه می دارند، در واقع منظورتان اینست که وعده های خدا به صاحبان ایمان، بی اعتبار است و ایمان به خدا نیز کار احمقانه ای است. ^{۱۵} اما حقیقت امر اینست که هرگاه بکشیم نجات و سعادت الهی را از راه انجام احکام شریعت بدست آوریم، همیشه نتیجه اش این می شود که مورد خشم و غضب خدا قرار می گیریم؛ زیرا هیچگاه موفق نمی شویم آن

۱۰:۴
پیدا ۶:۱۵؛ ۱۷:۱۰ و ۱۱

۱۱:۴
پیدا ۱۱-۱۷
لو ۹:۱۹
یو ۳۹:۸
روم ۱۶:۴

۱۳:۴
پیدا ۳:۱۲؛ ۴:۱۷-۶؛
۱۷:۲۲ و ۱۸
روم ۸:۹
غلا ۲۹، ۱۶:۳

۱۴:۴
غلا ۱۸:۳

۱۵:۴
روم ۲۰:۳؛ ۷:۷
اقرن ۱۵:۵ و ۵۶
غلا ۱۰:۳

ابراهیم در سن ۷۵ سالگی سخن می گوید؛ مراسم ختنه زمانی که او ۹۹ ساله بود، معمول شد (پیدایش ۱۷:۱-۱۴). مراسم و تشریفات مذهبی، یادآور ایمان ما است. مراسم و تشریفات به خودی خود مهم نیست و نباید فکر کنیم که انجام آنها باعث می شود که در حضور خدا شایستگی پیدا می کنیم. آنها، نشانه های ظاهری هستند که تبدیل درونی در قلب و تغییر روش زندگی ما را نشان می دهند. ایمان ما باید بر مسیح و عمل رهایی بخش او متمرکز باشد نه بر اعمال خودمان.

۱۰:۴ ختنه، علامتی ظاهری بود که نشان می داد یهودیان قوم خاص خدا هستند. ختنه پسرهای نوزاد یهودی، قوم یهود را از ملت های بت پرست متمایز می ساخت؛ از این جهت، ختنه کردن رسم بسیار مهمی بود. خدا به ابراهیم دستور داد تا این رسم را بجا آورد و برکت حاصل از انجام آن را نیز به او داد (پیدایش ۱۷:۹-۱۴).

۱۲-۱۰:۴ تشریفات مذهبی هیچ برکتی برای ابراهیم به ارمان نیاورد؛ او مدتها پیش از آغاز مراسم ختنه، برکت را از خدا یافته بود. پیدایش ۱۲:۱-۴ درباره دعوت خدا از

احکام را کاملاً رعایت کنیم. ما تنها زمانی می‌توانیم قانون شکنی نکنیم که اصلاً قانونی وجود نداشته باشد.

^{۱۶}پس نتیجه می‌گیریم که خدا برکات خود را از راه ایمان به ما عطا می‌کند، همچون یک هدیه. حال، چه مراسم مذهبی را رعایت کنیم و چه نکنیم، اگر ایمانی مانند ایمان ابراهیم داشته باشیم، بی‌شک آن برکات نصیب ما نیز خواهد شد، چون از لحاظ ایمان، ابراهیم پدر همگی ماست.^{۱۷} کتاب آسمانی می‌فرماید: «خدا ابراهیم را پدر اقوام بسیاری ساخته است.» معنی این آیه اینست که خدا هر کسی را که مانند ابراهیم به خدا ایمان داشته باشد، از هر قومی نیز که باشد، به حضور خود می‌پذیرد. این قول خود خداست، خدایی که مرده‌ها را زنده می‌کند و به دستور او موجودات از نیستی به هستی می‌آیند.

^{۱۸}بنابراین، زمانی که خدا به ابراهیم فرمود که به او پسری خواهد بخشید و از نسل او اقوام بسیاری بوجود خواهند آمد، ابراهیم به وعده خدا ایمان آورد، اگر چه چنین امری عملاً محال بود.^{۱۹} زیرا در آن زمان ابراهیم صد سال داشت و همسرش سارا نود سال، و هیچیک قادر نبودند صاحب فرزند شوند. باوجود این، چون ایمان ابراهیم قوی بود، به وعده خدا شک نکرد.^{۲۰} بلی، او هیچگاه شک ننمود. او به خدا ایمان داشت و ایمانش روزبروز قوی‌تر می‌شد، و حتی قبل از اینکه خدا به وعده‌اش عمل کند، او را سپاس می‌گفت،^{۲۱} زیرا یقین داشت که خدا قادر است به همه وعده‌های خود عمل کند.^{۲۲} بخاطر همین ایمان، خدا او را بخشید و «بی‌گناه» به شمار آورد.

^{۲۳}اما اگر در کتاب آسمانی آمده که ابراهیم از راه ایمان مورد قبول خدا واقع شد، این امر فقط درباره ابراهیم نوشته نشده است.^{۲۴} بلکه برای این نوشته شد که ما اطمینان بیابیم که خدا ما را نیز از همان راه به حضور خود می‌پذیرد، یعنی از راه ایمان به وعده خدا، خدایی که خداوند ما عیسی را پس از مرگ زنده کرد.

۱۶:۴

روم ۸:۹
کول ۱۱:۳

۱۷:۴

پیدا ۵:۱۷
اش ۲:۵۱
یو ۲۱:۵
اقرن ۳۰-۲۸:۱

۱۸:۴

پیدا ۵:۱۵

۱۹:۴

پیدا ۱۷:۱۷ ؛ ۱۱:۱۸
عبر ۱۱:۱۱ و ۱۲

۲۲:۴

روم ۳:۴

۲۳:۴

اعما ۳۰:۱۳
روم ۴:۱۵
اقرن ۱۱:۱۰
۲ تیمو ۱۶:۳

^{۱۶:۴} پولس توضیح می‌دهد که ابراهیم تنها به‌وسیله ایمان برکت یافت، آن‌هم زمانی که مطلقاً نمی‌دانست روزی تشریفات مذهبی آنقدر برای یهودیان اهمیت خواهد یافت. ما نیز تنها به‌وسیله ایمان نجات می‌یابیم. ما نه به‌وسیله عشق به خدا و اعمال نیک، و نه به‌وسیله ایمان همراه با عشق، یا ایمان همراه با اعمال نیک، نجات می‌یابیم. ما تنها به‌وسیله ایمان به مسیح و اطمینان به اینکه او تمامی گناهان ما را می‌بخشد، نجات می‌یابیم.

^{۱۷:۴} وعده (یا عهدی) که خدا به ابراهیم داد، این بود که او پدر قوم‌های بسیار خواهد بود (پیدایش ۱۷:۲-۴) و تمام جهان از طریق او برکت خواهند یافت (پیدایش ۳:۱۲). این وعده در عیسی مسیح به انجام رسید.

عیسی از نسل ابراهیم بود، و حقیقتاً تمام جهان به‌وسیله او برکت یافت. پولس اشاره می‌کند که وعده‌ای که به ابراهیم داده شد تا پدر قوم‌های بسیار باشد، از قوم اسرائیل فراتر می‌رود و تمامی ملل جهان را شامل می‌گردد.
^{۲۰:۴-۲۲} ابراهیم هیچگاه به تحقق وعده خدا شک نکرد. زندگی او، همانطور که با حکمت و پاکی همراه بود، اشتباه، گناه و شکست هم داشت. اما او همواره به خدا اعتماد می‌کرد. زندگی او نمونه‌ای است از ایمان عملی. اگر او فقط در فکر افزایش دارایی یا غلبه بر کتعیان و ایجاد ملتی از نسل خود بود، کارش به یأس می‌کشید. اما او به خدا که خارج از ادراکش بود نظر کرد، و منتظر شد تا خدا کلام خود را به انجام برساند.

۲۵:۴ عیسی مسیح بخاطر گناهان ما تسلیم مرگ گردید و دوباره زنده شد تا ما در پیشگاه خدا «بی گناه» بحساب آییم.

۲۵:۴
اش ۵:۵۳
روم ۳:۲۸-۳۴
قرن ۱۵:۱۲-۲۰
قرن ۱۵:۵
عبر ۲۸:۹
۱ پط ۲۱:۱ : ۱۸:۳
۱:۵
افس ۱۴:۲
کول ۲۰:۱

۲:۵
افس ۱۸:۲ : ۱۲:۳
عبر ۱۹:۱۰ : ۶:۳

ایمان، شادی به ارمغان می آورد

۵ پس چون بوسیله ایمان به عیسی مسیح در نظر خدا پاک و بی گناه محسوب شده ایم، از رابطه مسالمت آمیزی با خدا بهره مند هستیم. این رابطه زمانی ایجاد شد که خداوند ما عیسی مسیح جاننش را روی صلیب در راه ما فدا کرد. ^۲ بسبب همین ایمان است که عیسی مسیح ما را در چنین مقام و موقعیت عالی و ممتازی قرار داده است، مقام و موقعیتی که اکنون نیز در آن

آنچه به فرزندان تعلق دارد	آنچه که به ما، در مقام فرزندان آدم، تعلق دارد	آنچه که به ما، در مقام فرزندان خدا، تعلق دارد
تباهی (۹:۵)	نجات (۸:۵)	
گناه (۲۱،۱۵،۱۲:۵)	عادل شمردگی (۱۸:۵)	
مرگ (۲۱،۱۶،۱۲:۵)	حیات ابدی (۲۱،۱۷:۵)	
جدایی از خدا (۱۸:۵)	رابطه با خدا (۱۹،۱۱:۵)	
ناطاعتی (۱۹،۱۲:۵)	اطاعت (۱۹:۵)	
داوری (۱۸:۵)	رهایی (۱۱،۱۰:۵)	
شریعت (۲۰:۵)	فیض (۲۰:۵)	

مشکلات مایوس نخواهیم شد، بلکه فرا می گیریم که متکی به قدرتی باشیم که توسط مسیح برای ما مهیا شده از طریق روح القدس که در ما ساکن است.

۱:۵ ما حالا با خدا صلح داریم، صلحی که با احساس امنیت، اعتماد و اطمینان خاطر تفاوت دارد. صلح با خدا به معنی آشتی کردن با اوست، یعنی اینکه دیگر نه خصومتی بین ما و خدا هست، و نه گناهی که رابطه ما را با او برهم زند. صلح با خدا امکان پذیر است، فقط به این دلیل که مسیح توسط مرگش بر روی صلیب، تاوان گناهان ما را پرداخت.

۲:۵ پولس بیان می کند که درحال حاضر، ما ایمانداران از امتیاز بزرگتری برخورداریم. خدا نه تنها ما را عادل می شمارد، بلکه ما را به خود نزدیک می سازد. به جای دشمنی با خدا، ما دوست او و فرزندان خاص او شده ایم (یوحنا ۱۵:۱۵ : غلاطیان ۵:۴).

۵-۲:۵ همانطور که پولس در اول قرنیتان ۱۳:۱۳ بیان می کند، ایمان، امید و محبت، قلب زندگی مسیحی هستند. با ایمان رابطه ما با خدا شروع می شود، ایمانی که به ما کمک می کند تا درک نماییم که با مرگ مسیح، از

۲۵:۴ وقتی ایمان می آوریم، مبادله ای صورت می گیرد. ما گناهان خود را به مسیح می دهیم، و او محبت و بخشش را به ما ارزانی می دارد (مراجعه کنید به دوم قرنیتان ۵:۲۱). برای به دست آوردن محبت و بخشش خدا، ما هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم. تنها به وسیله مسیح می توانیم محبت خدا را نصیب خود سازیم. چه معامله عجیبی! با این حال، بسیاری آن را رد می کنند تا لذت جویی در گناه را ادامه دهند. ۵-۱:۵ این آیات، سرآغاز بخشی است که مفاهیم مشکلی را در بردارد. برای درک چهار بخش بعدی، دو جنبه از واقعیت زندگی مسیحی را باید به خاطر داشت. از یک سو، ما در مسیح کامل هستیم (مسیح ما را یقیناً مورد تأیید قرار داده است)؛ از سوی دیگر، ما در مسیح رشد می کنیم (بیشتر و بیشتر شبیه او می شویم). در عین حال که مقام پادشاهی داریم، وظایف غلامی نیز بر دوش داریم. هم حضور مسیح را احساس می کنیم و هم فشار گناه را. در پی عادل شمردن شدن، از صلح و سلامتی برخورداریم؛ اما باز هم با مشکلات روزانه روبرو هستیم که به ما کمک می کنند تا رشد کنیم. اگر این دو جنبه از زندگی مسیحی را به خاطر بسپاریم، به هنگام رویارویی با

قرار داریم؛ و با اطمینان و شادی فراوان، مشتاق هستیم بصورتی در آییم که خدا برای ما در نظر گرفته است.

۳:۵
متی ۱۱:۵
فیل ۱۷:۲

اما نه تنها از این بابت شادیم، بلکه وقتی با مشکلات زندگی و سختی‌های روزگار نیز روبرو می‌شویم، باز خوشحال هستیم زیرا می‌دانیم این سختی‌ها به خیر و صلاح ما هستند چون به ما می‌آموزند که صبر و تحمل داشته باشیم.^۴ صبر و تحمل نیز باعث رشد و استحکام شخصیت ما می‌شود و به ما یاری می‌کند تا ایمانمان به خدا روز بروز قوی‌تر گردد. چنین ایمانی سرانجام امید ما را نیز نیرومند و پایدار می‌سازد،^۵ تا بتوانیم در برابر هر مشکلی بایستیم و اطمینان داشته باشیم که هر پیش‌آمدی به خیر و صلاح ماست، زیرا می‌دانیم که خدا چقدر نسبت به ما مهربان است. ما این محبت گرم او را در سراسر وجود خود احساس می‌کنیم، زیرا او روح القدس را به ما عطا فرموده تا دل‌های ما را از عشق و محبتش لبریز سازد.

۵:۵
قرن ۲: ۲۲:۱
غلا ۶:۴
افس ۱۳:۱
فیل ۲۰:۱

پس ملاحظه می‌کنید که در آن هنگام که ما درمانده و ذلیل بودیم، درست در زمان مناسب، مسیح آمد و در راه ما گناهکاران جان خود را فدا کرد!^۶ حتی اگر ما انسان‌هایی خوب و پرهیزکار می‌بودیم، کمتر کسی ممکن بود حاضر شود جانش را در راه ما فدا کند، هرچند ممکن است کسی پیدا شود که بخواهد در راه یک انسان خوب و نجیب جانش را فدا کند.^۸ اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود اینکه گناهکار بودیم، مسیح را فرستاد تا در راه ما فدا

۶:۵
غلا ۲: ۲۰:۲ : ۴:۴
افس ۲:۵

۸:۵
یو ۱۶:۳ : ۱۳:۱۵
۱ پط ۱۸:۳

خدای پدر آنقدر ما را دوست داشت که پسرش را فرستاد تا پلی باشد بین ما و خدا (یوحنا ۱۶:۳). روح القدس را پدر و پسر می‌فرستند تا زندگی ما را لبریز از محبت سازد و ما را قدرت دهد تا با قدرت خدا زندگی کنیم (اعمال ۸:۱).

۶:۵ ما درمانده بودیم چون نمی‌توانستیم خودمان کاری برای نجات خود بکنیم. کسی باید می‌آمد و ما را رهایی می‌داد. مسیح نه تنها در بهترین زمان تاریخی، بلکه درست در وقت تعیین شده، مطابق با برنامه خود خدا، به این جهان آمد. خدا بر کل تاریخ کنترل دارد. او بر اوقات، روش زندگی، و نتایج مرگ مسیح نظارت داشت.

۸:۵ با وجود اینکه گناهکار بودیم - این کلمات حیرت‌انگیزند. خدا عیسی مسیح را فرستاد تا برای ما بمیرد، نه چون ما خوب بودیم، بلکه چون او ما را خیلی دوست داشت. هرگاه که در مورد محبت خدا نسبت به خودتان شک کردید، به‌خاطر بیاورید که او شما را حتی پیش از اینکه به‌سوی او بازگشت کنید، دوست داشت.

زندگی گذشته خود رهایی یافته‌ایم. وقتی به همه چیزهایی که خدا برای ما در نظر گرفته پی می‌بریم، امید افزون می‌شود؛ امید، آینده را به ما وعده می‌دهد. و محبت خدا زندگی ما را پر می‌سازد و به ما قدرت می‌دهد تا به دیگران بشارت دهیم.

۴ و ۳:۵ پولس می‌فرماید که ما در آینده پیروز خواهیم شد، اما تا آن موقع باید بر بسیاری از مشکلات غالب آییم. ما باید مشکلات و تجربیات سختی را پشت سر بگذاریم، و این کمکی برای رشد ما خواهد بود. رویارویی با مشکلات، بردباری ما را افزایش می‌دهد. افزایش بردباری باعث می‌شود که شخصیت ما قوی و توکل ما به خدا ریشه‌دارتر شود و نسبت به آینده مطمئن‌تر گردیم. ممکن است بردباری شما هر روز به طرق مختلف در بوته آزمایش قرار گیرد. خدا را شکر برای فرصت‌هایی که می‌دهد تا رشد کنیم و با قدرت او از عهده همه آزمایشها بر آییم.

۵:۵ هر سه شخصیت تثلیث در نجات دخیل هستند.

شود.^۹ اگر آن زمان که گناهکار بودیم، مسیح با ریختن خون خود این فداکاری را در حق ما کرد، حالا که خدا ما را بی گناه بحساب آورده، چه کارهای بزرگتری برای ما انجام خواهد داد و ما را از خشم و غضب آینده خدا رهایی خواهد بخشید.^{۱۰} هنگامی که دشمنان خدا بودیم، او بوسیله مرگ فرزندش ما را با خود آشتی داد؛ پس اکنون که دوستان خدا شده ایم و عیسی مسیح هم در قلب ما زندگی می کند، چه برکات عالی و پرشکوهی به ما عطا خواهد کرد.^{۱۱} حال، چقدر از رابطه عالی و جدیدی که با خدا داریم، شادیم! اینها همه از برکت وجود خداوند ما عیسی مسیح است که در راه گناهکاران، جان خود را فدا کرد تا ما را دوستان خدا سازد.

مقایسه آدم با مسیح

^{۱۲} وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه، همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسانها همه گناه کردند.^{۱۳} (یقین داریم که گناه آدم تمام این مسایل را بوجود آورد، زیرا اگر چه مردم از زمان آدم تا موسی گناه می کردند، اما خدا در آن زمان ایشان را بسبب زیر پا گذاشتن احکام خود محکوم نمی کرد، چون هنوز احکام و دستورات خود را به ایشان عطا نکرده بود.^{۱۴} باوجود این، آنها نیز همه مردند، اما نه به همان علتی که آدم مرد، زیرا ایشان مانند او از میوه درخت ممنوع نخورده بودند.)

۹:۵

روم ۱۸:۱

اتسا ۱۰:۱

ایو ۷:۱

۱۰:۵

روم ۳:۸

۱۸:۵ قرن ۲

افس ۳:۲

۱۲:۵

پیدا ۱۷:۲

جز ۴:۱۸

روم ۲۳:۶

۱۵ و ۲۱ و ۲۲ و ۵۶ قرن ۱

۱۳:۵

ایو ۴:۳

۱۴:۵

هو ۷:۶

۱۵ و ۴۵ قرن ۱

۱۲:۵ ما چطور می توانیم به خاطر کاری که آدم هزاران سال پیش انجام داده، گناهکار محسوب شویم؟ بسیاری تصور می کنند که در شأن خدا نیست که ما را به خاطر گناه آدم محکوم کند. اما گناهانی که خود ما مرتکب می شویم، ثابت می کند که چه تنگاتنگ با آدم و طبیعت او همسان هستیم. سرشت همه ما یکی است؛ ما همه مستعد نافرمانی هستیم، و خدا ما را برای گناهانی که مرتکب می شویم، زیر حکم می برد. از آنجایی که گناهکاریم، به بخشش نیاز داریم نه به جستجوی حکم عادلانه در خصوص وضعیت خودمان.

۱۴ و ۱۳:۵ پولس مکرراً تأکید می کند که نگاه داشتن تشریفات و مناسک شریعت، به نجات منتهی نمی شود. در اینجا او اضافه می کند که شریعت موسی، مرگ را به ارمغان نمی آورد. مرگ پیامد گناه آدم و گناهان همه ما است، حتی اگر این گناهان شبیه گناه آدم نباشند. پولس به خوانندگان نامه یادآوری می کند که در دوره ای که هنوز شریعت موسی عطا نشده بود، باز مردم می مردند. در آیه ۲۰:۵، او توضیح می دهد که شریعت داده شد تا مردم را متوجه گناهانشان

۱۰ و ۹:۵ محبتی که باعث شد مسیح برای ما بمیرد، درست مانند محبتی است که روح القدس را می فرستد تا در ما ساکن شود و هر روز ما را برکت دهد. قدرتی که مسیح را از مردگان قیام داد، همان قدرتی است که شما را نیز نجات بخشد. این قدرت در زندگی روزانه نیز در اختیاران قرار دارد. خاطر جمع باشید! وقتی زندگی با مسیح را شروع می کنید، منبعی عظیم از قدرت و محبت در اختیار شما است تا هر روزه شما را در هر مبارزه یا آزمایش مدد کند. همانطور که برای بخشش گناهان دعا می کنید، می توانید برای داشتن قدرت و محبت خدا نیز دعا کنید، چون به آنها نیاز دارید.

۱۱:۵ چگونه مرگ مسیح ما را دوستان خدا می سازد؟ خدا قدوس است و نمی تواند گناه را تحمل کند. همه گناهکارند، و هر گناهی مستحق مجازات است. اگرچه ما مستحق مجازات مرگ بودیم، اما مسیح گناهان ما را بر خود گرفت و با مرگ خود، تاوان گناهان ما را پرداخت. حال راه دوستی با خدا باز شده است. با ایمان به کار او، به جای دشمنی و سرگردانی، ما دوستان خدا می شویم.

چه تفاوت بزرگی است میان آدم و مسیح موعود که می‌بایست ظهور کند! ^{۱۵} و چه فرق بزرگی است میان گناه آدم و بخشش خدا!

آدم با گناه خود، باعث مرگ عدهٔ بسیاری شد؛ اما عیسی مسیح از روی لطف خدا، سبب بخشش گناهان بسیاری گشت. ^{۱۶} یک گناه آدم موجب شد که عدهٔ بسیاری محکوم به مرگ گردند، در حالی که مسیح گناهان بسیاری را به رایگان پاک می‌کند و باعث می‌شود خدا ایشان را «بی‌گناه» بشناسد. ^{۱۷} در نتیجهٔ گناه یک انسان یعنی آدم، مرگ و نابودی همه چیز را در چنگال خود گرفت؛ اما تمام کسانی که هدیهٔ خدا یعنی آمرزش و پاکی کامل از گناه را می‌پذیرند، از آن پس شریک حیات و سلطنت یک انسان دیگر یعنی عیسی مسیح می‌گردند. ^{۱۸} بلی، گناه آدم برای همه محکومیت به همراه آورد، ولی عمل شایسته و مقدسی که مسیح انجام داد، همه را از محکومیت رهایی می‌دهد و به ایشان زندگی می‌بخشد. ^{۱۹} آدم باعث شد که عدهٔ زیادی گناهکار شوند، اما مسیح باعث شد که خدا بسیاری را «بی‌گناه» بحساب آورد، زیرا از خدا اطاعت کرد و بر روی صلیب کشته شد.

^{۲۰} پس ده فرمان موسی چه نقشی در نجات انسان از گناه دارد؟ ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلم شود که تا چه حد احکام خدا را زیر پا گذاشته‌اند. اما هر چه بیشتر به طبیعت گناهکار خود پی می‌بریم، بیشتر لطف و بخشش بی‌پایان خدا را درک می‌کنیم. ^{۲۱} قبلاً گناه بر انسان حکومت می‌کرد و باعث مرگ می‌شد، اما اکنون لطف و مهربانی خدا حکومت می‌کند تا نه تنها ما را در نظر او شایسته سازد، بلکه بوسیلهٔ خداوند ما عیسی مسیح، ما را به زندگی جاوید برساند.

۱۵:۵

اش ۱۱:۵۳

۱۷:۵

پیدا ۱۷:۲ ؛ ۱۹:۳۳

اقرن ۲۱:۱۵

۱۸:۵

روم ۲۵:۴

عبر ۹:۲

۱۹:۵

روم ۲۵:۴

فیل ۸:۲

۲۰:۵

لو ۴۷:۷

یو ۲۲:۱۵

روم ۲۰:۳ ؛ ۱۵:۴ ؛ ۸:۷

غلا ۱۹:۳

۱ تیمو ۱۴:۱

۲۱:۵

یو ۱۷:۱

روم ۲۳:۶

الهی و حیات ابدی را به ارمغان می‌آورد. اگر دست به کار نشویم، مرگ از طریق آدم شامل حال ما می‌شود. اما اگر با ایمان نزد خدا برویم، به واسطهٔ مسیح حیات خواهیم داشت. شما به کدام خانواده تعلق دارید؟

۲۰:۵ شخص گناهکاری که از خدا جدا زندگی می‌کند، شریعت خدا را مثل نردبانی می‌بیند که خودش در پایین آن قرار دارد و برای رسیدن به خدا باید از آن بالا برود. شاید بارها سعی کرده‌اید از آن بالا بروید، اما هر وقت که یکی دو پله بالا رفته‌اید، سقوط کرده‌اید. یا شاید هم بالا رفتن از نردبان با آن ارتفاع بلند و عمودی، بقدری توانفرسا می‌نماید که هرگز فکر بالا رفتن از آن به ذهنتان خطور نکرده است. در هر دو مورد، چه آسودگی و آرامشی خواهید داشت اگر بفهمید که عیسی با آغوش باز، حاضر است شما را به بالای نردبان شریعت، یعنی مستقیماً نزد خدا ببرد! همین که عیسی شما را به حضور خدا برد، آزادانه می‌توانید از او اطاعت کنید، چون راه

سازد، تا و خامت گناهان آنان را نشان دهد، و آنها را به‌سوی عفو و بخشش خدا سوق دهد. این اصل در زمان موسی حقیقت داشت، و هنوز هم حقیقت دارد. گناه شکاف عمیقی است بین آنچه که ما هستیم و آنچه که برای آن خلق شده بودیم. شریعت، گناهان ما را به ما خاطرنشان می‌سازد و مسئولیت سنگینی را که در قبال گناهان داریم، به ما نشان می‌دهد، اما هیچ درمانی را ارائه نمی‌دهد. وقتی به‌خاطر گناهانمان محکوم می‌شویم، باید به‌سوی مسیح بازگشت کنیم تا شفا بیابیم.

۱۹-۱۵:۵ همه ما از نظر جسمانی از خانواده آدم هستیم، خانواده‌ای که قطعاً به‌سوی مرگ پیش می‌رود. همه ما محصول گناه آدم را درو می‌کنیم. ما گناه آدم، تمایل به گناه کردن، و مجازات خدا را به ارث برده‌ایم. اما به واسطهٔ عیسی، می‌توانیم مجازات را با بخشش الهی معاوضه کنیم. می‌توانیم گناه را با پاکی عیسی عوض کنیم. عیسی این فرصت را به ما می‌دهد تا در خانواده خدا متولد شویم، خانواده‌ای که بخشش

۳- آزادی از چنگال گناه قدرت گناه درهم شکسته شد

خوب، اکنون چه باید کرد؟ آیا باید به زندگی گذشته و گناه آلود خود
 ۶ ادامه دهیم تا خدا نیز لطف و بخشش بیشتری به ما نشان دهد؟
 ۲وهرگز! مگر نمی دانید که وقتی به مسیح ایمان آوردیم و غسل تعمید گرفتیم،
 جزئی از وجود پاک او شدیم و با مرگ او، طبیعت گناه آلود ما نیز مرد؟ پس، حال،
 که قدرت گناه در ما نابود شده است، چگونه می توانیم باز به زندگی گناه آلود سابق
 خود ادامه دهیم؟^۱ هنگامی که مسیح مرد، طبیعت کهنه ما هم که گناه را دوست
 می داشت، با او در آب تعمید دفن شد؛ و زمانی که خدای پدر با قدرت پر جلال خود،
 مسیح را به زندگی بازگرداند، ما نیز در آن زندگی تازه و عالی شریک شدیم.

۱:۶
روم ۸:۵:۳ ؛ ۱۵:۶

۲:۶
کول ۲:۲۰ ؛ ۳:۳
۳:۶
غلا ۳:۲۷

۴:۶
افس ۴:۲۲
کول ۲:۱۲ ؛ ۳:۱۰

کاری که خدا علیه گناه انجام داده است	چیزهایی که خدا به ما داده است:		
	زندگی جدید	۳و۲:۶	قدرت گناه درهم شکسته شده است. ما می توانیم اطمینان داشته باشیم که قدرت گناه درهم شکسته شده است.
		۴:۶	طبیعت گناه آلود مدفون شده است.
		۶:۶	شما دیگر زیر کنترل گناه نیستید.
	طبیعت جدید	۵:۶	در حیات تازه مسیح شریک هستید.
		۱۱:۶	خود را نسبت به طبیعت گناه آلود مرده انگارید و در عوض نسبت به خدا زنده بدانید.
	آزادی جدید	۱۲:۶	دیگر نباید گناه بر شما حاکم باشد.
		۱۳:۶	خود را کاملاً به خدا تسلیم کنید.
		۱۴:۶	شما آزادید.
		۱۶:۶	شما آزادانه می توانید ارباب خود را انتخاب کنید.

کنیم؟ پولس با قطعیت جواب منفی می دهد. چنین نگرشی، یعنی تصمیم به سوءاستفاده از محبت خدا، گناهان ما را بیشتر می سازد. بخشش خدا، وخامت گناه را کمتر نمی کند. ما نباید هرگز بهایی را که عیسی برای گناهان ما پرداخت، سبک بگیریم. عادت کنید که مرتب به گناهان خود اعتراف کنید و تقاضای بخشش نمایید. ۱-۴:۶ در کلیسای روزگار پولس، رسم بر این بود که برای تعمید کسانی که تازه مسیحی می شدند، آنها را کاملاً در آب فرو می بردند. آنها این شکل از تعمید را مظهری از مرگ و دفن زندگی سابق و قیام با عیسی مسیح می دانستند. اگر ما زندگی سابق و گناه آلود خود را مرده و دفن شده بینگاریم، درون مایه ای قوی برای مقابله با گناه خواهیم داشت. اگر نخواهیم که زندگی زشت گذشته

محبت، با جبر همراه نیست. شما به قدرت خودتان بالا کشیده نمی شوید، بلکه به قدرت خدا. خواهید دانست که اگر استحکام داشته باشید، سقوط نخواهید کرد، بلکه در آغوش پر محبت عیسی جای خواهید داشت.

۱-۳۹:۸ موضوع بحث این سه فصل، تقدس است، تقدس به معنی تغییری که خدا در زندگی ما پس از مسیحی شدن بوجود می آورد. فصل ۶ می گوید که ایمانداران از کنترل گناه آزادند. فصل ۷ درباره تنش دائمی که ایمانداران با گناه دارند، بحث می کند. فصل ۸ توضیح می دهد که چطور می توانیم بر گناه پیروز شویم. ۱-۱۶:۶ اگر خدا دوست دارد ما را ببخشد، چرا کاری نکنیم که ما را بیشتر بیمارزد؟ اگر بخشش گناهان ما تضمین شده است، آیا ما آزاد هستیم تا هرچقدر بخواهیم گناه

- ۵:۶ بنابر این، ما جزئی از وجود مسیح شده‌ایم. عبارت دیگر، هنگامی که مسیح بر روی صلیب مرد، در واقع ما نیز با او مردیم؛ و اکنون که او پس از مرگ زنده شده است، ما نیز در زندگی تازه او شریک هستیم و مانند او پس از مرگ زنده خواهیم شد. ۶ آن خواسته‌های پیشین و ناپاک ما با مسیح بر روی صلیب میخکوب شد. آن قسمت از وجود ما که خواهان گناه بود، درهم شکسته شد، بطوری که بدن ما که قبلاً اسیر گناه بود، اکنون دیگر در چنگال گناه نیست و از اسارت و بردگی گناه آزاد است. ۷ زیرا وقتی نسبت به گناه می‌میریم، از کشش و قدرت آن آزاد می‌شویم؛ ۸ و از آنجا که طبیعت کهنه و گناهکار ما با مسیح مرد، می‌دانیم که باید در زندگی جدید مسیح نیز شریک باشیم.
- ۹:۶ مسیح پس از مرگ زنده شد و دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ بر او تسلطی ندارد. ۱۰ مسیح مرد تا قدرت گناه را در هم بکوبد و اکنون تا ابد زنده است تا با خدا رابطه ابدی داشته باشد. ۱۱ به همین ترتیب، شما هم طبیعت کهنه و گناهکار خود را برای گناه مرده بدانید، اما بوسیله عیسی مسیح خود را برای خدا زنده تصور کنید.
- ۱۲ خلاصه دیگر اجازه ندهید که گناه بر این بدن فانی شما حکمرانی کند و به هیچ وجه تسلیم خواهشهای گناه‌آلود نشوید. ۱۳ اجازه ندهید هیچ عضوی از بدن شما وسیله‌ای باشد برای گناه کردن، بلکه خود را کاملاً به خدا بسپارید و سراسر وجود خود را به او تقدیم کنید؛ زیرا شما از مرگ به زندگی بازگشته‌اید و باید وسیله‌ای مفید در دست خداوند باشید تا هدفهای نیکوی او را تحقق بخشید.

می‌کند که ما دیگر نباید زیر کنترل گناه زندگی کنیم. خدا ما را از دنیا خارج نمی‌سازد یا ما را به آدم آهنی تبدیل نمی‌کند. به همین جهت، ما هنوز احساس می‌کنیم که گناه را دوست داریم، و بعضی اوقات نیز مرتکب گناه می‌شویم. اختلاف در این است که بیشتر ما غلام و برده طبیعت گناه‌آلودمان بودیم، اما حالا می‌توانیم تصمیم بگیریم که برای مسیح زندگی کنیم (مراجعه کنید به غلاطیان ۲:۲۰).

۹:۶-۱۱ این آیات اطمینان خاطر عجیبی به ما در مقام ایماندار به عیسی مسیح می‌دهد. با وجود عیسی مسیح، هرگز نباید از مرگ ترسی داشته باشید. عدم ترس از مرگ، باعث می‌شود که اراده او را بجا آوریم و برای خدا زندگی کنیم. به این ترتیب همه فعالیت‌های ما، از جمله کار و پرستش، استراحت، مطالعه کتاب مقدس، اوقات سکوت، و اوقات دستگیری از دیگران، همه تحت الشعاع قرار می‌گیرد. زمانی که بدانید از قدرت مرگ رهایی یافته‌اید، نیروی تازه‌ای در زندگی خواهید یافت.

دوباره بر ما مسلط شود، می‌توانیم همچنان آن را مرده بینگاریم. به این ترتیب می‌توانیم به زندگی عالی و جدید با عیسی مسیح ادامه دهیم و از آن لذت ببریم (برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، مراجعه کنید به غلاطیان ۲:۷ و کولسیان ۳:۱-۴).

۵:۶ ما می‌توانیم از زندگی جدید با مسیح لذت ببریم چون در مرگ و قیام او شریک شده‌ایم. امیال گناه‌آلود و علاقه ما به گناه، با مسیح مصلوب شد. حالا که در قیام او شریک شده‌ایم، از گناه آزادیم و برای خدا زندگی می‌کنیم. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اختلاف بین زندگی جدید در مسیح و طبیعت گناه‌آلود سابقمان، افسسیان ۴:۲۳ و ۲۴ و کولسیان ۳:۳-۱۵ را مطالعه کنید.

۶:۶ قدرتی که گناه بر زندگی ما داشت، با مسیح روی صلیب میخکوب شد و مسیح جریمه گناهان را پرداخت. پولس پیش از این بیان داشت که با ایمان به مسیح، ما عادل شمرده می‌شویم. و حالا پولس بر این موضوع تأکید

^{۱۴} پس گناه دیگر ارباب شما نباشد، زیرا اکنون دیگر در قید شریعت نیستید تا گناه شما را اسیر خود سازد بلکه به فیض و لطف خدا از قید آن آزاد شده‌اید.

غلامان نیکی مطلق

^{۱۵} اما اگر نجات ما از راه اجرای شریعت و احکام خدا بدست نمی‌آید، بلکه خدا آن را بخاطر فیض و لطف خود به ما عطا می‌کند، آیا این بدان معناست که می‌توانیم باز هم گناه کنیم؟ هرگز! ^{۱۶} مگر نمی‌دانید که اگر اختیار زندگی خود را بدست کسی بسپارید و مطیع او باشید، شما برده او خواهید بود، و او ارباب شما؟ شما می‌توانید گناه و مرگ را بعنوان ارباب انتخاب کنید، و یا اطاعت از خدا و زندگی جاوید را. ^{۱۷} اما خدا را شکر که اگر چه در گذشته با میل خود اسیر و برده گناه بودید، اما اکنون با تمام وجود مطیع تعلیمی شده‌اید که خدا به شما سپرده است؛ ^{۱۸} و از بردگی گناه آزاد شده‌اید تا از این پس، برده پاکی و صداقت باشید.

^{۱۹} این مسایل را بطور ساده در قالب روابط ارباب و برده بیان می‌کنم تا آن را بهتر درک کنید: منظورم اینست که همانطور که در گذشته برده همه نوع گناه بودید، اکنون نیز به خدمت آن اموری کمر ببندید که راست و مقدس هستند. ^{۲۰} در آن روزها که برده گناه بودید، در قید و بند نیکی و راستی نبودید. ^{۲۱} اما فایده چنین زندگی چه بود؟ خودتان اکنون از آن کارها شرمگین هستید، زیرا نتیجه‌ای جز هلاکت ابدی نداشتند. ^{۲۲} اما الان شما از قدرت گناه آزاد شده‌اید و در خدمت خدا هستید؛ بنابراین، او نیز شما را هر روز پاکتر و شایسته‌تر می‌سازد

۱۴:۶

روم ۶:۴۰؛ ۱۲:۲۸

غلا ۱۸:۵

تیط ۱۴:۲

۱۶:۶

یو ۳۴:۸

اقرن ۱۵:۹، ۱۵:۶

۲ پطر ۱۹:۲

۱۷:۶

۲ تیمو ۱۳:۱

۱۸:۶

اقرن ۲۲:۷

غلا ۱:۵

۱ پطر ۱۶:۲

۱۹:۶

متی ۲۴:۶

۲۱:۶

ار ۱۳:۱۲

روم ۳۲:۱؛ ۶:۸

غلا ۸:۶

۲۲:۶

یو ۳۲:۸

روم ۲:۸

اقرن ۲۲:۷

۱ پطر ۹:۱؛ ۱۶:۲

و طریق ملکوت را بشناسیم. آیا هنوز گناه استاد شماست؟ یا کارآموز خدا هستید؟

۱۷:۶ با تمام دل اطاعت کردن یعنی تسلیم کامل به خدا و عشق ورزیدن به خدا با تمام دل، جان و فکر (متی ۲۲:۳۷). اما با این حال، بعضی اوقات تلاش ما برای شناخت و اطاعت از دستورات خدا، با نوعی بی‌میلی و اجبار توأم است. تا چه اندازه از دل مطیع خدا هستید؟ اراده خدا این است که به شما قدرت بدهد تا با تمامی دل او را اطاعت کنید.

۱۷:۶ «تعلیمی» که به آنها سپرده شده است، همان پیام انجیل است؛ محتوای این پیام این است: عیسی برای گناهان ما مرد و برخاست تا حیاتی نو داشته باشیم.

۱۹:۶-۲۲ خنثی بودن غیر ممکن است. هرکس صاحب و اربابی دارد: یا خدا یا گناه. مسیحی کسی نیست که قادر نباشد گناه کند، بلکه کسی است که دیگر برده گناه نیست. او به خدا تعلق دارد نه به گناه.

۱۴:۶ و ۱۵ آیا چون دیگر تابع شریعت نیستیم، اجازه داریم گناه کنیم؟ پولس می‌گوید: «البته که نه.» تا زمانی که تابع شریعت هستیم، گناه بر ما حاکم است؛ به این معنی که شریعت ما را تبرئه نمی‌کند یا به ما کمک نمی‌کند تا بر گناه غالب آییم. اما حالا که در بند مسیح هستیم، او ارباب ماست، و او به ما قدرت می‌دهد تا بجای بدی، نیکی کنیم.

۱۶:۶-۱۸ در بعضی صنایع دستی، کارآموز از استاد خود آموزش می‌بیند. استاد کارآموز خود را در قسمتهای ظریف و مهم کار آموزش می‌دهد. ما به‌عنوان افراد روحانی، استادی برای خود انتخاب می‌کنیم و او را الگوی خود قرار می‌دهیم. بدون عیسی ما حق انتخابی نخواهیم داشت جز اینکه کارآموز گناه باشیم که نتیجه‌اش ارتکاب جرم، تحمل رنج، و جدایی از خدا خواهد بود. اما خدا را شکر! حالا می‌توانیم خدا را به‌عنوان استاد خود انتخاب کنیم. با پیروی از او، می‌توانیم از زندگی جدید لذت ببریم

۲۳:۶

متی ۲۵:۴۶

یو ۱۶:۳ : ۱۰:۴ : ۲:۱۷

روم ۲۱:۵

غلا ۸:۶

تا سرانجام زندگی جاوید نصیبتان گردد.^{۲۳} زیرا هر که گناه کند، تنها دستمزدی که خواهد یافت، مرگ است؛ اما هر که به خداوند ما عیسی مسیح ایمان آورد، پاداش او از خدا زندگی جاوید است.

دیگر در قید شریعت نیستیم

ای برادران عزیز، شما که از اصول شریعت آگاهی دارید، یقیناً می‌دانید که وقتی شخصی می‌میرد، اصول شریعت دیگر بر او حاکم نیست. ^{۲۴} بعنوان مثال زنی که ازدواج کرده، تا زمانی که شوهرش زنده است، شرعاً به شوهرش تعلق دارد و مجاز نیست با مرد دیگری ازدواج کند. اما اگر شوهرش فوت کند، آزاد است و می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند. آن زن در صورتی که پیش از فوت شوهر دست به چنین عملی بزند، زناکار خوانده می‌شود، اما پس از مرگ شوهرش، اشکالی در این کار وجود ندارد.

اُدمورد شما نیز همین امر صادق است، به این ترتیب که شریعت یهود در گذشته همچون شوهر و صاحب اختیار شما بود. اما شما همراه مسیح بر روی صلیب مردید، از اینرو از قید «ازدواج و تعلق به شریعت یهود» آزاد شده‌اید و شریعت دیگر بر شما تسلط و حکمرانی ندارد. سپس همانطور که مسیح زنده شد، شما هم زنده شدید و اکنون شخص جدیدی هستید. حال، می‌توان گفت که شما با آن کسی که از مردگان برخاست و زنده شد، «ازدواج کرده‌اید»، و از اینرو می‌توانید برای خدمت خدا مفید باشید و ثمر بیاورید.^{۲۵} هنگامی که هنوز

۲:۷

متی ۵:۱۹

اقرن ۷:۳۹

۳:۷

متی ۵:۳۲

مر ۱۰:۱۲

لو ۱۶:۱۸

اقرن ۶:۹

عبر ۱۳:۴

۴:۷

روم ۲:۶

غلا ۵:۲۸

۱بطر ۲:۲۴

۵:۷

روم ۲۱:۶ : ۸:۸

غلا ۵:۱۹-۲۱

۲۳:۶ هریک از این دو ارباب، دستمزد خاص خود را می‌دهد. دستمزدی که گناه می‌دهد مرگ است و دستمزدی که مسیح می‌دهد، حیات ابدی است، یعنی زندگی با خدا که از این دنیا شروع می‌شود و تا ابد ادامه خواهد داشت. ^{۱:۷} موضوع فصل هفتم در امتداد موضوع سه فصل اول قرار دارد. پولس نشان می‌دهد که شریعت در نجات بت‌پرستان (۷:۷-۱۴)، در نجات کسانی که شریعت را نگاه می‌دارند (۷:۱۵-۲۲)، و حتی در نجات کسانی که طبیعت تازه دارند (۷:۲۳-۲۵) ناتوان است. شریعت، بت‌پرستان را محکوم می‌کند؛ کسانی که شریعت را نگاه می‌دارند، نمی‌توانند کاملاً مطابق با دستورات شریعت زندگی کنند؛ و کسانی که طبیعت تازه دارند، در می‌یابند که اثرات طبیعت کهنه، آنها را دچار اشکال می‌سازد. پس این فصل، خلاصه‌ای است از آنچه پیشتر گذشته؛ در اینجا یک بار دیگر پولس ابراز می‌دارد که نجات با اطاعت از شریعت به دست نمی‌آید. فرقی نمی‌کند چه کسی هستیم؛ فقط عیسی مسیح می‌تواند ما را آزاد سازد.

۳:۷-۶ پولس از تمثیل ازدواج برای نشان دادن رابطه ما با شریعت استفاده می‌کند. وقتی زن یا شوهر کسی می‌میرد، از آن پس دیگر قانون ازدواج بر او حاکم نیست. از آنجا که ما با مسیح مردیم، دیگر شریعت نمی‌تواند ما را محکوم کند. شریعت، قدرتی برای زندگی پاک به ما نمی‌دهد، اما روح‌القدس ما را قادر می‌سازد تا ثمراتش از ما جاری شود. ما که به قدرت روح‌القدس زندگی تازه‌ای داریم، باید در بند مسیح باشیم و با قلب و فکر خود او را خدمت کنیم. ^{۴:۷} «شخص جدید» یعنی چه؟ وقتی مسیح را بعنوان خداوند می‌پذیرید، زندگی شما برای همیشه عوض می‌شود. برای شخص بی‌ایمان، خوشی و لذت محور فکر و ذهن او را تشکیل می‌دهد. منبع قدرت او استقلال و عدم وابستگی او است. برخلاف شخص بی‌ایمان، مرکز و محور زندگی شخص مسیحی، خدا است. این خدا است که قدرت زندگی روزانه را به او می‌دهد. بسیاری از ایمانداران در می‌یابند که وقتی نزد مسیح می‌آیند، نگرش آنها به جهان عوض می‌شود.

طبیعت کهنه شما بر وجودتان مسلط بود، شریعت و احکام دین یهود باعث می شد خواهشهای گناه آلود در شما بیدار شوند و وادارتان سازند تا اعمالی را انجام دهید که خدا نهی کرده است؛ به این ترتیب به سوی تباهی و مرگ می رفتید. ^{۶:۷} اما اکنون دیگر وظیفه ای نسبت به احکام دین یهود ندارید، زیرا در همان زمان که اسیر آنها بودید، «مردید» و حال می توانید خدا را بطور حقیقی خدمت کنید، نه به روش سابق یعنی اطاعت از تعدادی امر و نهی، بلکه به روش نوین یعنی بوسیله روح القدس.

۶:۷

قرن ۶:۳

غلا ۲۲:۵

فیل ۳:۳

شریعت خدا گناه را آشکار می سازد

^{۷:۷} پس آیا منظور اینست که شریعت بد است؟ هرگز! شریعت بد نیست، اما

۷:۷

خرو ۱۷:۲۰

روم ۲۰:۳ ± ۱۵:۴ ± ۲۰:۵

در زمان لوتر، وضعیتی مشابه بوجود آمده بود: مردم فکر می کردند که با شرکت در مراسم عشاءربانی در کلیسای کاتولیک نجات پیدا می کنند. آنها فکر می کردند با گرفتن عشاءربانی، تعمید و اعتراف نزد کشیش، نجات پیدا می کنند. اما لوتر مانند پولس، قلباً می دانست که اینها کافی نیست. کلیسا مانند نظام قربانی های یهود، نمی توانست گناه را بردارد: تنها خدا قادر است این کار را بکند، و او این کار را تنها در پاسخ به ایمان انجام می دهد.

^{۶:۷} انجام شماری از اصول و تشریفات اغلب چندان هم سخت نیست. اما نگاه داشتن قوانین ما را نجات نمی دهد. حتی اگر اعمال خود را پاک نگه داریم (که نمی توانیم این کار را بکنیم)، باز هم می دانیم که از نظر خدا محکوم هستیم چون قلب ما پاک نیست. مانند پولس تا وقتی که برای نجات خود تنها به عیسی مسیح نگاه نکنیم، هیچ آرامشی در کنیسه یا کلیسا نخواهیم یافت. مسیح ما را آزاد می سازد، چه یهودی باشیم، چه مسیحی اسمی. اما اگر نزد مسیح بیاییم، سعادت درون خواهیم یافت. آیا در این صورت قوانین را بهتر نگاه نخواهیم داشت؟ ما باید تلاش خودمان را بکنیم، به خصوص اگر می بینیم که لازم است اخلاقیات خود را بهبود بخشیم. اما ممکن است پس از نجات، باز هم در مورد بعضی از گناهان دچار مشکل باشیم. اما نگاه داشتن شریعت، هدف مسیح نیست، بلکه مسیح، هدف شریعت است. وقتی ما می فهمیم که او ما را نجات می دهد و نه شریعت، کمتر روی آنچه باید یا نباید انجام دهیم، متمرکز می شویم و بیشتر بر این متمرکز می شویم که چگونه می توانیم او را به بهترین شکل محبت و خدمت کنیم.

^{۶:۷} بعضی از مردم سعی می کنند با نگاه داشتن اصول اخلاقی، خودشان راهی به سوی خدا بیابند. البته، تنها چیزی که آنها از تلاش خود بدست می آورند، ناامیدی و ناکامی است. این اشخاص چقدر آسوده خاطر می شوند وقتی درمی یابند که با قربانی شدن مسیح، راه به سوی خدا باز شده است و به سادگی و با ایمان به او، می توانند فرزند خدا شوند. همین که به محبت خدا اطمینان پیدا می کنند، بطور شگفت آوری رفتارشان دگرگون و متحول می شود. با اینکه دیگر سعی نمی کنند با نگاه داشتن اصول اخلاقیات به خدا برسند، مع هذا بیشتر و بیشتر شبیه مسیح می شوند، چون هر روز با او زندگی می کنند. اما شاید روی هم رفته خیلی هم عجیب نباشد. وقتی روح القدس چشمان ما را از اعمالمان به سوی محبت عیسی بر می گرداند، زندگی ما دیگر مانعی در برابر نور خدا نخواهد بود، بلکه همچون آینه ای شفاف و پاک، آن را منعکس خواهد کرد.

^{۶:۷} تعداد زیادی از مسیحیان فکر می کنند که شریعت تنها به معنای «یک سلسله اصول اخلاق و رفتار» است. اما در زمان پولس، شریعت غالباً به معنای «کل نظام زندگی یهود» بود. خوانندگان یهودی نامه پولس، فکر نمی کردند که حیات ابدی را به دست خواهند آورد فقط به این علت که سبت را نگاه می دارند، قتل نمی کنند، شهادت دروغ نمی دهند، و نظایر آن. آنها فکر می کردند که حیات ابدی را بدست آورده اند چون به روش یهودی زندگی می کنند، روشی که شامل ختنه، شرکت در مراسم و اعیاد مذهبی، و دوری از بی عفتی های مرسوم آن زمان بود. هم مردان و هم زنان فکر می کردند که به وسیله شریعت نجات پیدا می کنند؛ یعنی با داشتن مذهب یهود و زندگی کردن به روش نیاکان خود، تصور می کردند که حیات جاودانی را به دست آورده اند.

همین شریعت بود که بدی و گناهان مرا به من نشان داد. بعنوان مثال اگر در احکام و شریعت، گفته نشده بود که «نباید در قلب خود خواهشهای ناپاک داشته باشید»، من هیچگاه به وجود چنین خواهشهایی در خود پی نمی‌بردم.^۸ پس شریعت علیه خواهشهای ناپسند من بود؛ گناه نیز با استفاده از این امر، نادرستی این قبیل خواهشها و امیال را به یاد من می‌آورد و آنها را در من بیدار می‌کرد! درواقع انسان فقط زمانی گناه نمی‌کند که هیچ شریعت و حکمی وجود نداشته باشد.

^۹ به همین دلیل، من تا زمانی که از احکام شریعت آگاهی نداشتم، از زندگی آسوده‌ای برخوردار بودم. اما وقتی از این احکام آگاهی یافتم، متوجه شدم که آنها را زیر پا گذاشته‌ام، و به همین علت گناهکار و محکوم به مرگ هستم. ^{۱۰} همان احکام نیکو که انتظار می‌رفت راه زندگی را به من نشان دهند، سبب محکومیت و مرگ من شدند. ^{۱۱} گناه مرا فریب داد و با استفاده از احکام پاک الهی، مرا محکوم به مرگ کرد. ^{۱۲} اما باوجود این مسایل، هیچ شکی نیست که شریعت، بخودی خود کاملاً خوب و مقدس و منصفانه است. ^{۱۳} اما چگونه چنین چیزی ممکن است؟ اگر شریعت موجب محکومیت و هلاکت من شد، چگونه می‌تواند خوب باشد؟ واقعیت اینست که شریعت نیکوست، اما این گناه بود که از وسیله‌ای نیکو سوءاستفاده کرد تا باعث محکومیت من گردد. پس ملاحظه می‌کنید که گناه چقدر فریبنده و مرگبار و سزاوار لعنت است که برای رسیدن به هدف خود یعنی نابودی من، از احکام و شریعت خوب خدا سوءاستفاده می‌کند.

۸:۷

روم ۲۰:۳؛ ۱۵:۴
قرن ۵۶:۱۵

۱۰:۷

حز ۱۳:۲۰

روم ۱۵:۱۰

قرن ۷:۳

غلا ۱۲:۳

۱۱:۷

پیلا ۱۳:۳

۱۲:۷

مز ۸:۱۹

اتیو ۸:۱

(پیدایش فصل ۳)، مار، فکر حوا را از آزادی که خدا در اختیارش قرار داده بود، منحرف ساخت و در عوض او را متوجه محدودیت‌هایش کرد. به این ترتیب، از آن زمان به بعد، ما همه جزو عاصیان بوده‌ایم. از نظر ما گناه خوب است، دقیقاً به‌خاطر اینکه خدا می‌گوید گناه بد است. بجای اینکه به خطاها یا او که در شریعت آمده توجه کنیم، شریعت را مجموعه‌ای از امر و نهی‌ها می‌دانیم. وقتی می‌فهمیم که نامطیع هستیم، باید تسلیم شویم و با دید بازتری به شریعت نگاه کنیم، یعنی شریعت را زیر فیض و محبت خدا ببینیم. اگر ما توجه خود را معطوف محبت عظیم بسازیم، خواهیم فهمید که چرا او از ما می‌خواهد که رفتارمان را تحت کنترل داشته باشیم. او تنها ما را در مورد چیزهایی محدود می‌کند که در نهایت به ما ضرر می‌رساند.

۹:۷-۱۱ اگر مردم بدون شریعت زندگی آسوده‌ای دارند، پس چرا خدا آن را عطا کرد؟ چون گناه حقیقت دارد و خطرناک است. یک روز آفتابی را در ساحل دریا تصور کنید. مجسم کنید که در چنین حالت فرح‌بخشی، قدم به داخل آب دریا می‌گذارید، اما ناگهان متوجه اعلانی در اسکله می‌شوید که روی آن نوشته شده است: «شنا کردن ممنوع! خطر کوسه!» روز شما خراب می‌شود. آیا تقصیر از اعلان است؟ آیا نسبت به کسانی که اعلان را آنجا نصب کرده‌اند، خشمگین می‌شوید؟ شریعت مانند این اعلان است. شریعت ضروری است، و ما به‌خاطر آن ممنوعیم، اما ما را از دست کوسه‌ماهی خلاصی نمی‌دهد.

۱۱:۷ گناه همواره با سوءاستفاده از شریعت، مردم را فریب می‌دهد. وقتی حوا در باغ عدن، با مار روبرو شد

تنش درونی

^{۱۴}پس، شریعت خوب است و اشکالی در آن وجود ندارد. اشکال در من است که همچون یک برده به گناه فروخته شده‌ام.^{۱۵} بنابراین، من اختیار عمل خود را ندارم، زیرا هر چه می‌کوشم کار درست را انجام دهم نمی‌توانم، بلکه کاری را انجام می‌دهم که از آن متنفرم!^{۱۶} من بخوبی می‌دانم که آنچه می‌کنم، اشتباه است و وجدان ناراحت من نیز نشان می‌دهد که خوب بودن شریعت را تصدیق می‌کنم.^{۱۷} اما کاری از دستم بر نمی‌آید، زیرا کننده این کارها من نیستم. این گناه درون من است که مرا وادار می‌کند مرتکب این اعمال زشت گردم، زیرا او از من قوی‌تر است.

^{۱۸} اکنون دیگر برای من ثابت شده است که وجود من بخاطر این طبیعت نفسانی، از سر تا پا فاسد است. هر چه تلاش می‌کنم، نمی‌توانم خود را به انجام اعمال نیکو وادارم. می‌خواهم خوب باشم، اما نمی‌توانم.^{۱۹} می‌خواهم کار درست و خوب انجام دهم، اما قادر نیستم. سعی می‌کنم کار گناه‌آلودی انجام ندهم، اما بی‌اختیار گناه می‌کنم.^{۲۰} پس اگر کاری را انجام می‌دهم که نمی‌خواهم، واضح است که اشکال در کجاست: گناه هنوز مرا در چنگال خود اسیر نگاه داشته است.

۱۴:۷

روم ۹:۳؛ ۶:۶

۱۵:۷

۱ پاد ۲۱:۲۰-۲۵

غلا ۱۷:۵

۱۶:۷

ا تیمو ۸:۱

۱۸:۷

پیدا ۲۱:۸

یو ۶:۳

روم ۳:۸

۱۵:۷ آنچه که این آیه اعلام می‌کند، تنها فریاد دل یک شخص نیست، بلکه بیان‌کننده تجربه هر مسیحی است در مبارزه با گناه. ما هرگز نباید قدرت گناه را دست‌کم بگیریم. شیطان اغواگری حيله‌گر است؛ خودمان نیز توانایی زیادی در توجیه اشتباهاتمان داریم. ما به‌جای اینکه با قدرت اراده انسانی بر گناه غالب بیاییم، باید به قدرت عظیم مسیح امید بندیم که برای ما مهیا شده است. این چیزی است که خدا برای پیروزی بر گناه تدارک دیده است؛ او روح‌القدس را می‌فرستد تا در ما ساکن شود و به ما قدرت ببخشد. وقتی می‌اقتیم او با محبت دست خود را برای کمک به‌سوی ما دراز می‌کند و ما را بلند می‌کند.

۱۷:۷ «این گناه درون من است که مرا وادار می‌کند مرتکب این اعمال زشت گردم.» این جمله به‌نظر، بهانه موجهی نیست، اما ممکن است حقیقت داشته باشد. بدون کمک مسیح، گناه قوی‌تر از ماست، و بعضی اوقات نمی‌توانیم در مقابل حملات آن از خود دفاع کنیم. به همین دلیل است که ما هرگز نباید به تنهایی در برابر گناه ایستادگی کنیم. عیسی مسیح که یک بار برای همیشه گناه را شکست داد، وعده داده است تا در کنار ما بجنگد. اگر از او کمک بخواهیم، در برابر گناه از پا نخواهیم افتاد.

۱۵:۷ پولس در رویارویی با خواهشهای گناه‌آلود گذشته‌اش، سه درس آموخته است که آنها را بیان می‌کند: (۱) آگاهی و دانش نمی‌تواند پاسخ مشکلات باشد (۹:۷). پولس تا زمانی که نمی‌دانست شریعت چه چیزی مطالبه می‌کند، با آسودگی زندگی می‌کرد. اما وقتی پی به حقیقت برد، دانست که زیر محکومیت قرار دارد. (۲) آزادی و اختیار در انجام هرکاری، نتیجه‌بخش نیست (۱۵:۷). پولس دریافت که مرتکب گناهانی می‌شود که حتی وسوسه‌انگیز نیستند. (۳) حتی تجربه عمیق مسیحی نیز نمی‌تواند در یک آن همه گناهان را از زندگی ایماندار بزداید (۷:۲۲-۲۵). شبیه مسیح شدن، روندی تدریجی است در تمام طول زندگی؛ پولس رشد مسیحی را به مسابقه و جدالی توان‌فرسا تشبیه می‌کند (اقرنتیان ۹:۲۴-۲۷؛ ۲ تیموتاؤس ۴:۷). بنابراین، همانطور که پولس از ابتدای نامه‌اش به رومیان تأکید می‌کند، **هیچکس** بدون گناه نیست؛ هیچکس استحقاق نجات را ندارد؛ نه بت‌پرستی که اطلاعی از شریعت خدا ندارد، نه یهودی یا مسیحی که از شریعت مطلع است و سعی می‌کند آن را نگاه دارد. همه ما برای نجات خود، باید متکی به کار مسیح باشیم. ما نمی‌توانیم نجات را با اعمال خوب خود کسب کنیم.

۲۱:۷
روم ۲:۸
۲۲:۷
مز ۲:۱
۲۵-۲۳:۷
روم ۲:۸
اقرن ۵۷:۱۵
غلا ۱۷:۵
کول ۱۱:۲
یعقو ۱:۴
اپطر ۱۱:۲

^{۲۱}به نظر می‌رسد که در زندگی، این یک واقعیت است که هرگاه می‌خواهیم کار نیک انجام دهیم، بی‌اختیار کار بد از ما سر می‌زند. ^{۲۲}البته طبیعت تازه‌ام مایل است خواست خدا را انجام دهد، ^{۲۳}و ^{۲۴}اما چیزی در عمق وجودم، در طبیعت نفسانی من هست که با فکرم در جنگ و جدال می‌باشد و در این مبارزه پیروز می‌شود و مرا برده گناه می‌سازد، گناهی که هنوز در درون من وجود دارد. در فکرم اراده می‌کنم که خدمتگزار از جان گذشته خدا باشم، اما می‌بینم که هنوز اسیر گناه هستم.

پس می‌بینید که من در چه حال زاری هستم: طبیعت جدید من به من امر می‌کند که اعمالم پاک و خوب باشد، اما آن طبیعت کهنه که هنوز در من است، بسوی گناه کشیده می‌شود. وای که در چه تنگنای وحشتناکی گرفتار شده‌ام! چه کسی می‌تواند مرا از چنگ این طبیعت مرگبار آزاد کند؟ خدا را شکر، این کار را خداوند، عیسی مسیح انجام می‌دهد.

روح‌القدس ما را از گناه آزاد می‌سازد

بنابراین، چون به عیسی مسیح تعلق داریم، هیچ محکومیت و مجازاتی در انتظار ما نیست. ^۱ زیرا قدرت حیات‌بخش روح‌القدس که به لطف مسیح به ما عطا شده، ما را از سلطه گناه و مرگ آزاد کرده است. ^۳ درواقع، ما با دانستن احکام مذهبی از چنگال گناه نجات پیدا نکردیم، زیرا قادر به رعایت

۱:۸
روم ۳:۴، ۳:۸
۲:۸
روم ۱۱:۸
اقرن ۲:۶
غلا ۱۹:۲ : ۱:۵
۳:۸
اعما ۱۳:۳۹
اقرن ۲:۲۱
فیل ۷:۲
عبر ۱۴:۲ : ۱۵:۴

داوری خدا خواهند ایستاد؛ از آنجا که همه شریعت مقدس خدا را زیر پا گذارده‌اند، محکومیتشان متصفانه خواهد بود. بدون عیسی، هیچ امیدی برای ما نیست. اما خدا را شکر! او ما را عادل شمرده و آزادی را به ما هدیه کرده است و به ما قدرت می‌دهد تا اراده او را بجا آوریم. ^{۲:۸} این «قدرت حیات‌بخش» روح‌القدس است. او در خلقت جهان حضور داشت (پیدایش ۱:۲)، و قدرت او در تولد تازه هر مسیحی نمایان است. او به ما قدرت می‌دهد تا زندگی مسیح‌گونه‌ای داشته باشیم. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره روح‌القدس، توضیحات مربوط به یوحنا ۳:۶؛ اعمال ۴:۱؛ ۵:۱ را مطالعه کنید.

^{۳:۸} عیسی خود را برای گناهان ما قربانی کرد. در زمان عهدعتیق، حیوانات همواره برای قربانی شدن در معبد به خدا تقدیم می‌شدند. قربانی‌ها و خامت گناه را به اسرائیلی‌ها نشان می‌داد: برای بخشش گناهان، می‌بایست خون ریخته می‌شد (مراجعه کنید به لاویان ۱۷:۱۱). اما خون حیوانات نمی‌تواند گناه را پاک کند (عبرانیان ۴:۱۰). این قربانی‌ها فقط به قربانی کامل عیسی اشاره داشت که جرمه تمام گناهان را پرداخت.

^{۲۵-۲۳:۷} گناهی که در اعماق وجود ما است، گاه «نفس» یا «طبیعت نفسانی» خوانده می‌شود. این ضعف ما است نسبت به گناه؛ این اصطلاحات به تمام نیروهای دورن ما اشاره دارند که ما را به‌سوی دنیا و لذات آن سوق می‌دهند. ^{۲۵-۲۳:۷} تنش و کشمکش که ما بعضی اوقات در درون خود نسبت به گناه احساس می‌کنیم، همانطور که برای پولس واقعیت داشت، برای ما هم واقعی است. پولس به ما می‌آموزد که با این حالت چه کنیم. زمانی که پولس دچار کشمکش می‌شد، شروع زندگی روحانی‌اش را به‌خاطر می‌آورد. او به خود یادآوری می‌کرد که مسیح او را آزاد کرده است. هر وقت که دچار کشمکش درونی می‌شوید، از پولس الگو بگیرید: خدا را شکر کنید که به‌وسیله مسیح شما را آزاد کرده است. بگذارید واقعیت قدرت مسیح شما را در پیروزی واقعی بر گناه قرار دهد.

^{۱:۸} مجسم کنید که در مقابل تخت داوری خدا ایستاده‌اید و منتظر رأی دادگاه الهی هستید؛ ناگاه خطابی می‌رسد که می‌گوید: «تو عادل شمرده شده‌ای و آزاد هستی!» این کلمات چه معنایی برای شما خواهد داشت؟ حقیقت این است که همه انسانها روزی در مقابل تخت

آنها نیستیم. به همین علت خدا طرح دیگری برای نجات ما تهیه دید. او فرزند خود عیسی مسیح را در بدنی مانند بدن انسانی ما به این جهان فرستاد، با این تفاوت که بدن او مثل بدن ما تحت سلطه گناه نبود. او آمد و جانش را در راه آمرزش گناهان ما قربانی کرد، تا ما را نیز از سلطه گناه آزاد سازد. ^{۴:۸} پس حال، قادریم احکام و دستورات خدا را اطاعت کنیم، زیرا عنان زندگی ما در دست روح خداست نه در دست طبیعت کهنه و گناه آلود ما.

۴:۸
غلا ۲۵:۱۶-۵

^۵ آنانی که عنان زندگی خود را بدست طبیعت کهنه شان می دهند، چیزی جز ارضای شهوات خود نمی جویند. اما آنانی که تابع روح خدا هستند، اعمالی را بجا می آورند که خدا را خشنود می سازد. ^۶ اگر از روح خدا پیروی کنیم، حیات و آرامش نصیبمان می گردد؛ اما اگر از طبیعت کهنه خود پیروی کنیم، چیزی جز مرگ و هلاکت بدست نخواهیم آورد. ^۷ زیرا طبیعت گناه آلود ما، برضد خداست و هرگز از احکام خدا اطاعت نکرده و نخواهد کرد. ^۸ از اینرو، آنانی که عنان زندگی شان در دست طبیعت کهنه گناه آلودشان است و هنوز در پی خواهشهای ناپاک سابق خود هستند، نمی توانند خدا را راضی کنند.

۵:۸
غلا ۱۹:۵-۲۲

۶:۸
غلا ۸:۶

^۹ البته شما چنین نیستید. چنانچه روح خدا در وجود شما ساکن باشد، عنان زندگی تان در دست طبیعت تازه تان خواهد بود. به یاد داشته باشید که اگر روح مسیح در وجود کسی ساکن نباشد، او اصلاً مسیحی نیست. ^{۱۰} با اینحال، اگر چه مسیح در وجود شما زندگی می کند، اما سرانجام بدنتان در اثر عواقب گناه خواهد مرد، ولی روحتان زنده خواهد ماند، زیرا مسیح روحتان را آمرزیده است.

۹:۸
یو ۱۷:۱۴ و ۲۳:۱۸ ؛
۵:۱۵ ؛ ۲۶:۲۳:۱۷
غلا ۶:۴
فیل ۱۹:۱
۱ پتر ۱۱:۱
۱۰:۸
یو ۲۰:۱۴ ؛ ۵:۱۵
۲۶:۲۳:۱۷
قرن ۱۳:۵
کول ۲۶:۱ و ۲۷

این سؤال فکرتان را مشغول کرده است؟ مسیحی کسی است که روح خدا در او ساکن باشد. اگر شما صادقانه برای دریافت نجات، به مسیح اعتماد کرده اید و او را به عنوان خداوند پذیرفته اید، روح القدس در شما ساکن است و شما مسیحی هستید. اگر انتظار دارید که آمدن روح القدس، احساس بخصوصی را در شما ایجاد کند، متوجه آمدن او نخواهید شد؛ از این خواهید فهمید که روح القدس آمده است چون مسیح وعده داده است. اگر روح القدس در شما کار کند، ایمان خواهید آورد که عیسی مسیح، پسر خدا است و حیات ابدی از او صادر می شود (اول یوحنا ۵:۵-۸)؛ طبق دستورات مسیح عمل خواهید کرد (رومیان ۵:۸ ؛ غلاطیان ۲۲:۵ و ۲۳)؛ در خواهید یافت که در مشکلات روزانه و در دعا، یآوری دارید (رومیان ۲۶:۸ و ۲۷)؛ خواهید توانست خدا را خدمت کنید و اراده او را بجا آورید (اعمال ۸:۱)؛ رومیان ۱۲:۶)؛ و قسمتی از نقشه خدا برای بنای کلیسایش خواهید شد (افسیان ۱۲:۴ و ۱۳).

۶:۵-۸ پولس انسانها را به دو گروه تقسیم می کند؛ گروه اول، کسانی هستند که طبیعت نفسانی بر آنها مسلط است، و گروه دوم کسانی هستند که از روح القدس پیروی می کنند. اگر عیسی راهی برای ما مهیا نمی کرد، همه ما جزو افراد گروه اول می بودیم. وقتی ما به مسیح جواب مثبت می دهیم، مایل می شویم که او را پیروی کنیم چون طریق عیسی، حیات و صلح به ارمغان می آورد. ما هر روز باید با آگاهی، خدا را در مرکز زندگی خود قرار دهیم. اراده خدا را با مطالعه کتاب مقدس کشف کنید و به آن عمل نمایید. در موقعیت های دشوار و پیچیده از خود سؤال کنید: «عیسی می خواهد من چه کار کنم؟» وقتی روح القدس آنچه را که درست است به شما نشان می دهد، با اشیاق آن را انجام دهید. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تضاد طبیعت نفسانی ما با زندگی جدید در مسیح، مراجعه کنید به رومیان ۶:۶-۸ ؛ افسسیان ۴:۲۳ و ۲۴ ؛ کولسیان ۳:۳-۱۵.

۹:۸ آیا شما یک مسیحی واقعی هستید؟ آیا تا به حال

۱۱:۸

روم ۵:۴ و ۵
قرن ۱۴:۶ : ۴۵:۱۵

^{۱۱} و اگر روح خدایی که عیسی مسیح را پس از مرگ زنده کرد، در وجود شما باشد، همان خدا بدنهای فانی شما را نیز پس از مرگ بوسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد.

۱۳:۸

غلا ۸:۶
کول ۵:۳

۱۴:۸

یو ۱۲:۱
غلا ۲۶:۳

مکا ۷:۲۱

۱۵:۸

غلا ۵:۴ و ۶

۱۶:۸

قرن ۲:۱
افس ۱۳:۱

۱۷:۸

غلا ۲۹:۳ : ۷:۴
تیط ۷:۳

^{۱۲} پس، ای برادران عزیز، شما دیگر به هیچ وجه مجبور نیستید از امیال و خواهشهای طبیعت گناه‌آلود سابق خود پیروی کنید، ^{۱۳} زیرا در اینصورت گمراه و هلاک خواهید شد. اما اگر با قدرت روح خدا، این طبیعت کهنه را با اعمال ناپاکش نابود سازید، زنده خواهید ماند. ^{۱۴} زیرا تمام کسانی که از روح خدا پیروی می‌کنند، فرزندان خدا هستند.

^{۱۵} پس همچون برده‌ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم، فرزندانی که به عضویت خانواده خدا پذیرفته شده‌اند و خدا را پدر خود می‌خوانند. ^{۱۶} زیرا روح خدا در عمق وجود ما، به ما می‌گوید که ما فرزندان خدا هستیم. ^{۱۷} و اگر فرزندان خدا هستیم، وارثان او نیز خواهیم بود. بعبارت دیگر، خدا تمام آن جلال و شکوهی را که به فرزند خود عیسی مسیح خواهد داد، به ما نیز عطا خواهد فرمود. اما اگر می‌خواهیم در آینده در جلال او شریک شویم، باید اکنون در دردها و رنجهای او نیز شریک گردیم.

جلال آینده

^{۱۸} با وجود این، سختی‌هایی که در زمان حاضر متحمل می‌شویم، در مقابل

۱۸:۸

قرن ۲:۴
کول ۴:۳

۱ پطر ۵:۱ و ۷

۱۷:۸ شریک شدن با مسیح، بهایی دارد. پولس متذکر می‌شود که مسیحیان در جلال و شکوه مسیح شریک خواهند شد، اما درضمن باید متحمل رنجها نیز بشوند. منظور چه نوع رنجی است؟ ایمانداران قرن اول مشکلات اقتصادی و اجتماعی داشتند، و بسیاری نیز با جفا و مرگ روبرو بودند. ما هم به‌خاطر پیروی از عیسی باید بهایی پردازیم. در بسیاری از نقاط دنیای امروز، مسیحیان زیر فشارهایی قرار دارند که مشابه فشارهای مسیحیان اولیه است. حتی در کشورهایی که مسیحیت رواج دارد و یا مورد تأیید است، مسیحیان واقعی آسوده‌خاطر نیستند. زندگی کردن مانند مسیح، یعنی خدمت کردن به دیگران، دست کشیدن از حقوق خود، و ایستادگی در مقابل فشارهایی که سعی دارند ما را به شکل جهان در آورد؛ برای همه اینها باید بهایی پرداخت. با این حال، رنجی که ما متحمل می‌شویم، نسبت به بهایی گزافی که عیسی برای نجات ما پرداخت، هیچ است.

۱۷-۱۴:۸ پولس رابطه جدید ایماندار با خدا را به رابطه پدر با فرزند تشبیه می‌کند. در فرهنگ رومی، شخصی که به فرزند کسی پذیرفته می‌شد، همه حقوق خود را در خانواده قبلی از دست می‌داد و تمام حقوق فرزند در خانواده جدید را به‌دست می‌آورد. او وارث تمام مایملک پدر جدیدش می‌شد. همانطور وقتی که کسی مسیحی می‌شود، تمامی امتیازات و مسؤولیت‌های عضویت در خانواده خدا شامل حال او می‌شود. یکی از امتیازات مهم، هدایت شدن به‌وسیله روح‌القدس است (مراجعة کنید به غلاطیان ۴:۶).

۱۷-۱۴:۸ ما دیگر غلامان حلقه‌به‌گوش ترسو و حقیر نیستیم، بلکه فرزندان خداییم. چه امتیازی! از آنجا که فرزندان خدا هستیم، در گنجینه‌های پرشکوه او نیز شریک هستیم. خدا بهترین هدیه‌هایش را به ما داده است، یعنی پسرش، بخشایش گناهان و حیات ابدی را؛ او ما را تشویق می‌کند تا هر چه لازم داریم از او بطلبیم.

جلال و شکوهی که در آینده خدا نصیبمان خواهد ساخت، هیچ است.^{۱۹} تمام آفرینش نیز بی‌صبرانه منتظر روزی است که خدا فرزندان خود را پس از مرگ زنده کند.^{۲۰} زیرا جهان برخلاف خواست خود، به دستور خدا محکوم به فنا شد. اما این امید هست که روزی جهان از قید فنا رها شود و در آزادی پرشکوهی که متعلق به فرزندان خداست، شریک گردد.^{۲۱} چون می‌دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگند، همچون زنی که در حال زاییدن است، درد می‌کشند و در انتظار این واقعهٔ بزرگ، روزشماری می‌کنند.^{۲۲} حتی ما مسیحیان، با اینکه روح خدا را بعنوان نشانه‌ای از شکوه و جلال آینده در خود داریم، با آه و ناله در انتظاریم تا از درد و رنج آزاد شویم. بلی، ما نیز با اشتیاق بسیار، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندان، به ما عطا کند. یکی از این امتیازات، طبق وعدهٔ او، بدن تازه‌ای است که نه دچار بیماری می‌شود و نه مرگ بر آن قدرت دارد.

^{۲۳} ما با امید، نجات یافته‌ایم؛ و امید یعنی انتظار دریافت چیزی که هنوز نداریم؛ زیرا اگر کسی چیزی را در اختیار داشته باشد، نیازی نیست که به امید آن باشد.^{۲۴} پس وقتی برای چیزی که هنوز رخ نداده، به خدا امیدواریم، باید با صبر و حوصله منتظر آن بمانیم.

۱۹:۸

۲ پط ۱۳:۳

۱ یو ۲:۳

۲۰:۸

پیدا ۱۷:۳-۱۹

۲۱:۸

اعما ۲۱:۳

۲ پط ۱۳:۳

مکا ۱:۲۱

۲۲:۸

ار ۱۱:۴؛ ۱۲

۲۳:۸

لو ۳۶:۲۰

قرن ۲: ۲۲:۱ ؛ ۳:۵-۶

فیل ۲۱:۳

۲۴:۸

قرن ۲: ۷:۵

اتسا ۸:۵

عبر ۱:۱۱

۲۵:۸

اتسا ۳:۱

امری طبیعی است، حتی اگر والدین گاهی به قول خود وفا نکنند. اما پدر آسمانی وعده‌ای نمی‌دهد که به آن عمل نکند. با وجود این، تحقق وعده‌های او ممکن است بیش انتظار ما طول بکشد. تا زمان تحقق نقشه خدا، بجای اینکه مانند بچه‌ها بی‌قرار باشیم، باید به وفاداری خدا اطمینان کنیم.

۲۵ و ۲۴:۸ پولس در نامه خود به رومیان، این اندیشه را ارائه می‌دهد که نجات، هم مربوط به زمان حال می‌شود و هم به آینده. به زمان حال مربوط می‌شود، چون در لحظه‌ای که عیسی مسیح را به‌عنوان خداوند می‌پذیریم، **نجات پیدا می‌کنیم** (۲۶-۲۱:۳ ؛ ۱۱:۵ ؛ ۱۱-۱۶ ؛ ۲۲:۶ و ۲۳) و زندگی جدید ما (حیات ابدی) آغاز می‌شود. اما در عین حال، ما تمامی مزایا و برکات نجات را که به هنگام برقراری کامل حکومت جدید مسیح نصیبمان خواهد شد، تمام و کمال دریافت نکرده‌ایم. با اینکه می‌توانیم به نجات خود اطمینان داشته باشیم، با امید به آینده فکر می‌کنیم، آینده‌ای که ورای این زندگی است و نمی‌توانیم آن را ببینیم، اما می‌دانیم که شگفت‌انگیزتر از آن است که بتوان درک کرد.

۲۲-۱۹:۸ نه فقط انسان، بلکه تمامی خلقت با ورود گناه به جهان، لطمه دید. وقتی می‌گوییم ما در «دنیای سقوط کرده» زندگی می‌کنیم، منظور این است که گناه باعث شد تمامی خلقت که به شکل کامل و بی‌نقصی آفریده شده بود، سقوط کند.

۲۲-۱۹:۸ مسیحیان، جهان را به همان شکلی که هست می‌بینند، جهانی که از نظر فیزیکی رو به نابودی می‌رود و از لحاظ معنوی به گناه آلوده شده است. اما مسیحیان نباید بدبین باشند، چون ایشان امیدی دارند. آنها انتظار آسمان و زمین جدید را می‌کشند که خدا وعده آن را داده است، و منتظر نظام جدید خدا هستند که در آن گناه، بیماری و شرارت نخواهد بود. در این فاصله، آنها به همراهی مسیح در دنیا طی طریق می‌کنند تا جسم و روح مردم را شفا بخشند و با اثرات بد گناه پیکار کنند.

۲۳:۸ ما با بدنهای خود قیام خواهیم کرد، اما بدنهای جلال یافته، شبیه بدنی که مسیح هم‌اکنون در آسمان دارد (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۲۵-۵۳).

۲۵ و ۲۴:۸ اطمینان داشتن به والدین، برای کودکان

^{۲۶} به این وسیله، یعنی بوسیلهٔ ایمان ما، روح خدا ما را در مشکلات زندگی و در دعاها ایمان یاری می‌دهد، زیرا ما حتی نمی‌دانیم چگونه و برای چه باید دعا کنیم. اما روح خدا با چنان احساس عمیقی از جانب ما دعا می‌کند که با کلمات قابل توصیف نیست؛ ^{۲۷} و خدا که از دل ما باخبر است، می‌داند که روح‌القدس چه می‌گوید، زیرا آنچه که او بجای ما دعا می‌کند، طبق خواست خداست. ^{۲۸} و ما می‌دانیم که خدا همه چیزها را برای خیریت کسانی بکار می‌برد که او را دوست دارند و فراخوانده شده‌اند تا خواست او را انجام دهند.

^{۲۹} زیرا خدا که از ابتدا می‌دانست چه کسانی به سوی او خواهند آمد، چنین اراده فرمود که اینان به شباهت فرزندش در آیند، تا مسیح فرزند ارشد باشد و آنان، برادران او. ^{۳۰} پس هنگامی که ما را برگزید، ما را به نزد خود فراخواند؛ و چون به حضور او آمدم، ما را «بی‌گناه» بحساب آورد و وعده داد که ما را در شکوه و جلال خود شریک سازد!

هیچ چیز نمی‌تواند ما را از محبت خدا جدا سازد

^{۳۱} پس در مقابل تمام این چیزهای عالی، چه بگوییم؟ اگر خدا با ماست، چه

۲۶:۸

زکریا ۱۰:۱۲

متی ۲۲:۲۰

یوحنا ۱۶:۱۴

۲۷:۸

۱ تسالونی ۴:۲

۱ یوحنا ۱۴:۵

۲۸:۸

۲ قرن ۱۷:۴

افس ۱۱:۱

۲ تیمو ۹:۱

۲۹:۸

الف (افس ۵:۱)

۲ تیمو ۱۹:۲

۱ پطرس ۲:۱

ب (عبر ۶:۱)

۳۱:۸

مز ۶:۱۱۸

۲۹:۸ هدف نهایی خدا برای ما این است که ما را به شباهت مسیح درآورد (اول یوحنا ۲:۳). وقتی بیشتر و بیشتر شبیه مسیح شویم، خود را باز می‌یابیم، یعنی به همان حالتی باز می‌گردیم که خدا از ابتدای آفرینش انسان در نظر داشت. **۳۰ و ۲۹:۸** برخی بر این عقیده‌اند که این دو آیه تعلیم می‌دهد که قبل از پیدایش جهان، خدا اشخاص معینی را انتخاب کرد تا نجات را به آنها هدیه کند. آنها به آیاتی مثل افسسیان ۱۱:۱ استناد می‌کنند که می‌گویند: «نقشه‌های خدا از همان ابتدا این بود که ما را برگزیند تا از آن او گردیم.» برخی دیگر می‌گویند که خدا **می‌دانست** که چه کسی نجات خواهد یافت و چه کسی نجات نخواهد یافت، اما نه اینکه عده‌ای را بطور خاص برگزیند و دیگران را محکوم کند. این عده به آیاتی مثل دوم پطرس ۹:۳ استناد می‌کنند که می‌گویند: «او نمی‌خواهد کسی هلاک شود.» چیزی که مسلم است، این است که **نقشه** خدا برای بشر، بعد از آفرینش انسان تهیه نشد، بلکه پیش از بنیاد عالم. انسان باید خدا را خدمت کند و او را جلال دهد. حاکمیت خدا بر جهان، باید موجب شادی و حصول اطمینان در ما شود، نه شک و سردرگمی. **۳۱-۳۰** آیا تابحال به این فکر افتاده‌اید که چون برای خدا بندگان خوبی نیستید، خدا شما را نجات نخواهد داد؟ آیا تابحال این احساس را داشته‌اید که نجات برای شما

۲۶ و ۲۷:۸ خدا ایمانداران را با مشکلاتشان تنها نگذاشته است. حتی زمانی که کلامی برای دعا کردن ندارید، روح‌القدس با شما و برای شما دعا می‌کند و خدا پاسخ می‌دهد. نباید از رفتن به حضور خدا بترسید، چون خدا به شما کمک می‌کند تا دعا کنید. از روح‌القدس بخواهید تا «طبق خواست خدا» به جای شما دعا کند. به این ترتیب وقتی درخواست‌های خود را به حضور خدا می‌آورید، مطمئن باشید که او همیشه کاری را که بهترین است، برای شما انجام خواهد داد.

۲۸:۸ خدا نه فقط تک‌تک وقایع را، بلکه همه چیز را برای خیریت ما بکار می‌گیرد. منظور این نیست که هراتفاقی که برای ما رخ می‌دهد، خوب است. در دنیای سقوط کرده ما، بدی به فراوانی یافت می‌شود، اما خدا قادر است آن را در طول زمان، به خیریت ما تبدیل کند. توجه داشته باشید که این وعده برای همه نیست، بلکه تنها به کسانی اختصاص دارد که خدا را دوست می‌دارند و مطابق اراده او زندگی می‌کنند. این گونه اشخاص دید جدیدی نسبت به زندگی دارند و به طرز دیگری به زندگی فکر می‌کنند. آنها به خدا توکل دارند، نه به ثروت‌های دنیا؛ چشمان آنها به سوی مأمّن آسمانی دوخته شده است، نه به زمین؛ آنان از درد و جفاهای روی زمین متنفر نیستند، بلکه آنها را می‌پذیرند. چون به این ترتیب، به خدا بیشتر تقرب می‌جویند.

کسی می‌تواند بضد ما باشد؟^{۳۲} در جایی که خدا حتی فرزند خود را از ما دریغ نکرد بلکه او را فرستاد تا در راه همه ما قربانی شود، آیا همه چیزها را به ما نخواهد بخشید؟

^{۳۳} اکنون که خدا ما را برای خود برگزیده است، دیگر چه کسی جرأت خواهد کرد بر ما اتهامی وارد آورد؟ آیا خود او؟ هرگز! چون اوست که ما را بخشیده و ما را به حضور خود پذیرفته است.

^{۳۴} پس دیگر چه کسی می‌تواند ما را محکوم نماید؟ آیا مسیح؟ نه! چون اوست که در راه ما مرد و زنده شد و اکنون در بالاترین مقام، در کنار خدا نشسته است و برای ما شفاعت می‌کند.

^{۳۵} بنابراین، چه اتفاقی ممکن است سبب شود که مسیح دیگر ما را محبت نکند؟ زمانی که ناراحتی و مصیبتی پیش می‌آید، و یا سختی و جفایی روی می‌دهد، آیا علت آن اینست که مسیح دیگر ما را دوست ندارد؟ و یا زمانی که در گرسنگی و تنگدستی هستیم و یا با خطر و مرگ روبرو می‌شویم، آیا اینها نشان دهنده اینست که خدا ما را ترک گفته است؟

^{۳۶} هرگز! زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید که ما باید آماده باشیم تا بخاطر خدا هر آن با مرگ روبرو شویم. ما همچون گوسفندانی هستیم که برای سر بردن می‌برند.^{۳۷} اما با وجود تمام اینها، پیروزی کامل و قطعی همواره از آن ماست! چگونه؟ به یاری عیسی مسیح که آنقدر ما را محبت کرد که جانش را در راه ما فدا ساخت!^{۳۸} زیرا من یقین می‌دانم که هیچ چیز نمی‌تواند محبت مسیح را از ما باز دارد. نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان و نه قدرتهای جهنم، هیچیک قدرت

۳۲:۸

یو ۱۶:۳
روم ۸:۵؛ ۲۵:۴

۳۳:۸

اش ۹۰:۵۰

۳۴:۸

عبر ۲۵:۷
۱ یو ۱:۲

۳۵:۸

قرن ۷-۱۲

۳۶:۸

مز ۲۲:۴۴

۳۷:۸

یو ۳۳:۱۶
قرن ۱۵:۵۷
۱ یو ۴:۵

۳۸:۸

یو ۲۸:۱۰
کول ۳:۳

متن بار دیگر محبت عمیق خدا را به قوم خود به اثبات می‌رساند. هر اتفاقی که برای ما رخ دهد، هر جا که باشیم، محبت او را از دست نخواهیم داد. مصیبت‌ها نباید ما را از خدا دور سازند، بلکه باید موجب نزدیکی بیشتر ما به خدا شوند و باعث سرازیر شدن محبت خدا بر ما گردد و به شفای ما بینجامد.

۳۵:۸-۳۹ این آیات شامل یکی از تسلی‌بخش‌ترین وعده‌های خدا به ما است. ایمانداران همیشه باید با انواع مشقت‌ها روبرو شوند، از جمله جفا، بیماری، و حتی مرگ. این مصیبت‌ها می‌تواند مسیحیان را به این فکر بیندازد که شاید مسیح آنها را ترک کرده است. اما با کمال شگفتی، پولس اعلان می‌کند که جدا شدن از مسیح غیرممکن است. مرگ او به‌خاطر ما، گواه بر محبت شکست‌ناپذیر اوست. هیچ چیز نمی‌تواند مانع حضور همیشگی او با ما شود. خدا به ما می‌فرماید که محبتش بقدری عظیم است که می‌توانیم در او احساس امنیت کامل نماییم.

نیست؟ اگر اینطور است، این آیات به شما اختصاص دارد. اگر خدا پسرش را به‌خاطر شما داد، هدیه نجات را باز پس نخواهد گرفت! اگر مسیح جان خود را به‌خاطر شما داد، برخلاف آنچه که گفته است عمل نخواهد کرد و شما را محکوم نخواهد نمود! کتاب رومیان، چیزی فراتر از یک رساله الهیاتی درباره فیض خدا برای بازخرید کردن ما است. رساله رومیان نامه‌ای تسلی‌دهنده و اطمینان‌بخش است خطاب به شما.

۳۴:۸ پولس می‌گوید که عیسی نزد خدا برای ما در آسمان شفاعت می‌کند. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره شفاعت مسیح برای ما، به توضیحات مربوط به عبرانیان ۱۴:۴ مراجعه فرمایید.

۳۵:۸ و ۳۶ این سخنان خطاب به کلیسایی گفته می‌شد که می‌بایست به‌زودی در معرض جفای سختی قرار گیرد. ظرف چند سال، موقعیت‌هایی که پولس به آنها اشاره می‌کند، به واقعیت‌های دردناکی تبدیل خواهد شد. این

چنین کاری را ندارند. حوادث امروز و نگرانیهای فردا نیز قادر نیستند خللی در این محبت وارد کنند.^{۳۹} در اوج آسمان و در عمق اقیانوسها، هیچ موجودی نمی تواند ما را از محبت خدا که در مرگ فداکارانه خداوند ما عیسی مسیح آشکار شده، محروم سازد.

۴- گذشته، حال و آینده قوم اسرائیل حاکمیت خدا

۹ ای برادران یهودی من! ای قوم من اسرائیل! چقدر مشتاقم که به عیسی مسیح ایمان آورید. من بخاطر شما بشدت اندوهگینم و دائماً دردی جانکاه در وجود خود احساس می کنم، حتی حاضرم خودم از نجات محروم شوم تا شما نجات یابید. عیسی مسیح شاهد است و روح القدس می داند که این را راست می گویم. ^{۴۰}خدا شما را مورد لطف خاص خود قرار داده است، اما شما هنوز هم مایل نیستید به او گوش دهید. او شما را بعنوان قوم مخصوص و برگزیده خود تعیین کرد؛ با ابر درخشنده جلال خود، شما را در بیابان هدایت نمود؛ و برکات خود را به شما وعده فرمود. او شریعت و احکام خود را به شما بخشید تا اراده او را برای زندگی خود بدانید؛ مراسم عبادت را نیز به شما آموخت تا او را پرستش کنید و وعده های عالی به شما عطا فرمود. ^{۴۱}مردان بزرگ خدا، اجداد شما بودند. مسیح نیز که اکنون بر همه چیز حاکم است، از لحاظ طبیعت بشری خود، مانند شما یهودی بود. خدا را تا ابد سپاس باد!

^{۴۲}پس آیا خدا در انجام وعده های خود به یهودیان کوتاهی کرده است؟ هرگز! زیرا این وعده ها به کسانی داده نشده که فقط از پدر و مادر یهودی متولد می شوند، بلکه به آنانی داده شده که براستی یهودی اند. ^{۴۳}کافی نیست که شخص از نسل ابراهیم باشد؛ همه آنانی که از نسل ابراهیم هستند، فرزندان حقیقی او نیستند. کتاب آسمانی نیز می فرماید که گرچه ابراهیم فرزندان دیگری هم داشت، اما وعده های خدا فقط به پسر او اسحاق و نسل او مربوط می شود. ^{۴۴}این نشان می دهد که تمام فرزندان ابراهیم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فقط آنانی

۳۹:۸

روم ۳:۵-۸

۳-۱:۹

خرو ۳۲:۳۲

روم ۱۴:۱۱

۴:۹

پیدا ۲:۱۷

خرو ۳۴:۴۰ ؛ ۲۲:۴

تث ۱۳:۴ ؛ ۶:۷

افس ۱۲:۲

۵:۹

الف) روم ۲۸:۱۱

ب) یو ۱:۱۰ و ۱۴

روم ۳:۱

تیط ۱۳:۲

۲ پط ۱:۱

یو ۵:۲۰

۶:۹

اعد ۱۹:۲۳

روم ۲۸:۲

غلا ۱۶:۶

۷:۹

پیدا ۱۲:۲۱

غلا ۲۳:۴

عبر ۱۸ و ۱۷:۱۱

۸:۹

روم ۲۳:۴ ؛ ۱۴:۸

غلا ۲۹:۳

می خورید؟ آیا حاضرید وقت، پول، نیرو، آسایش، و سلامتی خود را فدا کنید تا آنها به مسیح ایمان بیاورند؟ ^{۴۵}خدا وعده هایش را به ابراهیم داد. منظور از فرزندان ابراهیم که وعده به آنها داده شد، تنها فرزندان جسمانی او نیست، بلکه منظور تمام کسانی است که به خدا و کاری که عیسی مسیح برای آنها انجام داده است، ایمان دارند (همچنین مراجعه کنید به ۲۹:۲؛ غلاطیان ۷:۳).

۳-۱:۹ پولس نگرانی خود را برای قوم خود اسرائیل بیان می دارد و می فرماید که حاضر است به جای آنها مجازات شود، اگر این کار باعث نجات آنها شود. با آن که تنها کسی که می تواند ما را نجات دهد مسیح است، پولس عمق محبت خود را نسبت به ملت خود نشان می دهد. مانند عیسی، او حاضر بود در راه دیگران قربانی شود. شما چقدر برای کسانی که مسیح را نمی شناسند، غصه

فرزند خدا هستند که به آن وعده نجات که به ابراهیم داد، ایمان بیاورند.^۹ زیرا خدا به ابراهیم فرموده بود: «سال آینده، به تو و به سارا پسری خواهم بخشید.»^{۱۰-۱۳} سالها گذشت و این پسر بزرگ شد و با دختری به نام ربکا ازدواج کرد. ربکا دو قلو آبستن شد؛ اما پیش از آنکه بزاید، خدا به او فرمود پسری که اول بدنیا بیاید، خدمتگزار برادر دوقلوی خود خواهد شد. در کتاب آسمانی در این باره اینگونه آمده است: «من اراده کرده‌ام که یعقوب را برکت دهم و نه عیسو را.» خدا این را پیش از تولد این دو کودک فرمود، یعنی قبل از آنکه آنها عملی خوب یا بد انجام دهند. این امر ثابت می‌کند که کار خدا طبق تصمیمی بود که از ابتدا گرفته بود. بلی، خدا این تصمیم را بخاطر اعمال آن دو کودک اتخاذ نکرد، بلکه فقط به این علت که چنین اراده کرده بود.

^{۱۴} پس چه بگوییم؟ آیا خدا از روی بی‌انصافی عمل می‌کرد؟ هرگز! ^{۱۵} او یکبار به موسی فرمود: «اگر بخوام با کسی مهربان باشم، با او مهربان خواهم بود؛ و اگر بخوام بر کسی رحم کنم، بر او رحم خواهم کرد.»

^{۱۶} بنابراین، برکات خدا به خواهش یا کوشش مردم به آنان عطا نمی‌شود، بلکه به کسانی عطا می‌شود که خدای رحیم انتخاب کرده باشد.

^{۱۷} فرعون، پادشاه مصر، نمونه دیگری از این واقعیت است، خدا به او فرمود که سلطنت مصر را فقط به این دلیل به او بخشیده است تا قدرت عظیم خود را علیه او نشان دهد و تمام دنیا نام عظیم و الهی او را بشنوند. ^{۱۸} پس می‌بینید که خدا بر بعضی رحم می‌کند و بعضی دیگر را نامطیع و سرسخت می‌سازد، فقط به این دلیل که چنین اراده فرموده است. ^{۱۹} ممکن است پرسید: «اگر چنین است، چرا خدا انسانها را برای اعمالشان سرزنش می‌کند؟ مگر ایشان می‌توانند کاری خارج از اراده و خواست او انجام دهند؟»

^{۲۰} اما سؤال اصلی این است که: «تو ای انسان، کیستی که از خدا ایراد می‌گیری؟» آیا صحیح است که مخلوق به خالق خود بگوید: «چرا مرا چنین ساختی؟» ^{۲۱} آیا کوزه‌گر حق ندارد از یک خمیر، ظرفی زیبا برای مصارف

۹:۹

پیدا ۱۰:۱۸

۱۳-۱۰:۹

پیدا ۲۳-۲۱:۲۵

تث ۱۵:۲۱

ملا ۳ و ۲:۱

افس ۴:۱

۱۴:۹

تث ۴:۳۲

توا ۷:۱۹

۱۵:۹

خرو ۱۹:۳۳

۱۶:۹

مز ۳:۱۱۵

افس ۸:۲

۱۷:۹

خرو ۱۶:۹

امث ۴:۱۶

۱۸:۹

خرو ۴:۲۱؛ ۴:۱۴

یوش ۲۰:۱۱

یو ۴۰:۱۲

روم ۲۵-۲۲:۷؛ ۱۱

۱۹:۹

ایو ۱۲:۹

۲۰:۹

اش ۸:۵۴؛ ۹:۴۵؛ ۱۶:۲۹

۲۱:۹

ار ۶:۱۸

تیمو ۲:۲۰

که خدا مسیح را بجای ما مجازات کند. اما آیا شما به این دلیل که مستحق نیستید، می‌توانید به این فکر بیفتید که از خدا بخواهید هدیه نجات را از شما پس بگیرد؟

^{۲۱:۹} پولس نمی‌گوید که برخی از ما کم‌ارزش‌تر از بقیه هستیم، بلکه فقط بیان می‌کند که خالق بر مخلوقات خود کنترل دارد. بنابراین، مخلوق حق ندارد خالق خود را مورد استتطاق و مؤاخذه قرار دهد، چون وجودش اساساً وابسته به اوست. چنین دیدی هر نوع وسوسه‌ای را برای داشتن غرور موقفیت، از بین می‌برد.

^{۱۴:۹} در نظر خدا، بین یعقوب و عیسی چه فرقی وجود داشت که به‌خاطر آن یعقوب، برادر کوچکتر را بجای عیسو انتخاب کرد؟ به‌خاطر داشته باشید چه خدایی را می‌پرستیم؛ او حاکم است؛ او هر چیز را برای خیریت ما انجام می‌دهد؛ او قابل اعتماد است؛ او تمام کسانی را که به او ایمان می‌آورند، نجات می‌دهد. وقتی صفات خدا را بشناسیم، خواهیم فهمید که انتخاب‌های او درست است حتی اگر تمامی دلایل او را برای این انتخابها درک نکنیم. علاوه بر این، حقیقت اینست که ما به‌خاطر گناهانمان مستحق مرگیم؛ «انصاف» نیست

۲۲:۹
امث ۴:۱۶
روم ۴:۲
۱ تسلا ۹:۵
۲۳:۹
اعما ۱۵:۹
روم ۲۹:۸
۲۴:۹
روم ۲۹:۳
۲۵:۹
هو ۲۳:۲

۲۶:۹
هو ۱۰:۱
۱ پتر ۱۰:۲

۲۷:۹
اش ۲۲:۱۰
روم ۵:۱۱

۲۸:۹
اش ۲۲:۲۸

۲۹:۹
اش ۹:۱ و ۱۹:۱۳
مراثی ۲۲:۳

۳۰:۹
غلا ۱۶:۲
عبر ۷:۱۱

۳۱:۹
اش ۱:۵۱
غلا ۴:۵

عالی و ظرف دیگری برای مصارف عادی بسازد؟^{۲۲} آیا خدا حق ندارد خشم و قدرت خود را بر ضد آنانی که شایسته نابودی اند، نشان دهد، یعنی بر ضد آنانی که با صبر بسیار گناهانشان را تحمل می کنند؟^{۲۳} و آیا او حق ندارد کسان دیگری از جمله ما را، که از پیش برای مشاهده جلالش آماده ساخته بود، چه از یهود و چه از غیر یهود، دعوت کند تا عظمت جلال او را ببینیم؟

^{۲۵} پیشگویی «هوشع نبی» را بیاد آورید! خدا به زبان این نبی می فرماید که برای خود فرزندان دیگری اختیار خواهد کرد که از قوم او، بنی اسرائیل نیستند؛ و با اینکه آنان قبلاً مورد مهر او نبودند، اما از آن پس ایشان را محبت خواهد نمود؛^{۲۶} و بت پرستانی که خدا قبلاً درباره ایشان گفته بود که «شما قوم من نیستید»، اکنون آنان را با عنوان جدیدی می شناسد: «فرزندان خدای زنده»!

^{۲۷} «اشعیای نبی» درباره یهودیان می گوید که حتی اگر قوم اسرائیل به اندازه دانه های شن کنار دریا زیاد باشند، فقط تعداد کمی از آنان نجات خواهند یافت.^{۲۸} زیرا «خداوند بسرعت و از روی انصاف، به اعمال مردم جهان رسیدگی کرده، ایشان را مجازات خواهد نمود.»

^{۲۹} همین نبی در جای دیگری از کتاب خود می گوید که اگر خداوند قادر متعال بر یهودیان ترحم نمی کرد، تمام ایشان هلاک می شدند، همانگونه که مردم شهرهای سدوم و عموره همگی هلاک شدند.

بی ایمانی اسرائیل نسبت به انجیل

^{۳۰} بنابراین، چه نتیجه ای می گیریم؟ می توان چنین نتیجه گرفت که خدا فرصتی عالی در اختیار غیر یهودیان قرار داده است؛ ایشان با اینکه در گذشته در جستجوی خدا نبودند، اما اکنون می توانند بوسیله ایمان، بی گناه بحساب آیند و مورد قبول خدا قرار گیرند.^{۳۱} اما یهودیان با اینکه سخت می کوشیدند تا با

۳۱-۳۳ بعضی اوقات ما نیز مانند یهودی ها می شویم، یعنی سعی می کنیم «با رعایت قوانین مذهبی رضایت خدا را جلب کنیم.» ممکن است فکر کنیم حضور در کلیسا، خدمات کلیسایی، هدیه دادن، و درستکار بودن، کفایت می کند، چون مقررات و احکام را انجام داده ایم. اما پولس اخطار تلخی می دهد. او می فرماید که این روش، موفقیت آمیز نیست. پولس توضیح می دهد که نجات خدا برای کسانی نیست که سعی می کنند با نیکی خود، رضایت خدا را جلب کنند؛ بلکه برای کسانی است که در می یابند هرگز نمی توانند آنطور که باید پاک باشند و بنابراین باید به مسیح متکی شوند. ما تنها با ایمان به کاری

۲۶ و ۲۵:۹ هفتصد سال پیش از ولادت مسیح، هوشع فرمود که خدا غیر یهودیان را به خاطر ناطاعتی یهودیان، به خانواده خود خواهد پذیرفت. آیه ۲۵ نقل قولی است از هوشع ۲۳:۲ و آیه ۲۶ نقل قول از هوشع ۱۰:۱ می باشد. ۲۷-۲۹ اشعیای نبوت کرد که فقط عده کمی (بقیه وفادار) از یهودیان که قوم خاص خدا بودند، نجات خواهند یافت. پولس در هر شهری که موعظه می کرد، تحقق یافتن این نبوت را می دید. اگرچه او اول به یهودیان بشارت می داد، اما عده معدودی از آنها پیغام را می پذیرفتند. آیات ۲۷ و ۲۸ بر مبنای اشعیای ۲۲:۱۰ و ۲۳ بوده و ۲۹:۹ بر اساس اشعیای ۹:۱ می باشد.

رعایت احکام و قوانین مذهبی، رضایت خدا را جلب کنند، موفق نشدند.^{۳۲} به چه دلیل؟ به این دلیل که به ایمان تکیه نمی کردند، بلکه می خواستند از راه رعایت احکام شریعت و انجام اعمال نیک، در نظر خدا پاک و بی گناه جلوه کنند. به همین سبب نیز به آن «سنگ بزرگ لغزش» برخورد نموده، افتادند. خدا نیز در این باره در کتاب آسمانی به ایشان اخطار فرموده و گفته بود: «بر سر راه قوم یهود، سنگی گذارده ام که بسیاری به آن برخورد، خواهند لغزید. (منظور از سنگ در اینجا، عیسی مسیح است.) اما کسانی که به او ایمان آورند، هرگز پشیمان و شرمسار نخواهند شد.»

۳۲:۹
اش ۱۵:۴۸

۳۳:۹
مز ۲۲:۱۱۸
اش ۱۶:۲۸

۱۰ برادران عزیز، آرزوی قلبی و دعای من برای یهودیان اینست که ایشان نجات یابند.^۲ من می دانم که آنان در دل خود چه غیرت و احترامی برای خدا دارند، اما این غیرت و احترام از روی درک و شناخت صحیح نیست.^۳ ایشان درک نمی کنند که مسیح جانن را فدا کرده تا آنان را در حضور خدا بی گناه سازد. در عوض می کوشند تا با رعایت احکام و رسوم شریعت، به آن درجه از پاکی برسند که در نظر خدا بی گناه جلوه

۳:۱۰
روم ۱۷:۱
فیل ۹:۳

۱:۱۰ عاقبت کار یهودیانی که به خدا ایمان دارند اما مسیح را نمی پذیرند، به کجا خواهد انجامید؟ از آنجایی که آنها به همین خدا ایمان دارند، آیا نجات نخواهند یافت؟ اگر نجات می یافتند، پولس اینقدر سخت نمی کوشید و تا این حد، برای تعلیم دادن حقایق مربوط به مسیح به آنها، فداکاری از خود نشان نمی داد. از آنجایی که عیسی کامل ترین مکاشفه خدا است و بدون او نمی توانیم کاملاً خدا را بشناسیم، و از آنجایی که عیسی مأموریت یافت تا انسان را با خدا مصالحه دهد، نمی توانیم از راه دیگری به حضور خدا بیاییم. یهودیان، مانند هر کس دیگری تنها از طریق عیسی مسیح می توانند نجات پیدا کنند (یوحنا ۱۴:۶؛ اعمال ۱۲:۴). مانند پولس، باید مشتاقانه نجات همه یهودیان را بخواهیم. باید برای آنها دعا کنیم و با محبت آنها را با خود در انجیل شریک سازیم.

۴:۱۰ چرا خدا شریعت را داد در حالی که می دانست مردم نمی توانند آن را رعایت کنند؟ مطابق گفته پولس، یک دلیل این بود که انسانها ببینند که تا چه حد گناهکار هستند (غلاطیان ۱۹:۳). شریعت سایه ای از مسیح بود؛ نظام گذراندن قربانی مسائل بسیاری به مردم آموخته بود؛ ایشان می بایست این درس را آموخته باشند که وقتی قربانی واقعی ظهور کرد، ارزش کارش را درک کنند. قوانین مربوط به مراسم، می بایست با آمدن مسیح به آخر

که عیسی مسیح کرده است، نجات خواهیم یافت. اگر این کار را بکنیم، «هرگز پشیمان نخواهیم شد.»

۲۲:۹ یهودیان هدف پرارزشی داشتند و آن احترام کردن به خدا بود. اما این هدف را به روش غلطی دنبال می کردند، یعنی با اطاعت خشک و بی روح از شریعت. از اینرو، برخی از آنها بیشتر به کلمات شریعت متعهد بودند تا به روح و عمق آن. آنان فکر می کردند که اگر شریعت را بجا آورند، خدا موظف است آنها را بپذیرد. اما خدا تابع افکار ما نیست. یهودیان نمی فهمیدند که کتب مقدسه آنها، یعنی عهدعتیق، تعلیم می دهد که نجات در اثر ایمان است نه در اثر تلاشهای انسانی (مراجعه کنید به پیدایش ۶:۱۵).

۲۲:۹ عیسی سنگ لغزش بود. یهودیان به او ایمان نیاوردند چون او انتظاراتی را که آنها از مسیحای موعود داشتند، عملی نداشت. مسیح هنوز هم برای برخی از مردم سنگ لغزش است، چون نجات به وسیله ایمان، برای آنها نامفهوم است. آنها ترجیح می دهند خودشان برای رسیدن به خدا تلاش کنند؛ یا از خدا انتظار دارند عیوبشان را نادیده بگیرد. عده ای نیز از مسیح لغزش می خورند چون معیارهای او در تضاد با دنیاست. او طالب افتادگی است نه گردن فرازی؛ بسیاری دوست ندارند در برابر او خود را فروتن سازند؛ آنها هیچ نوع حاکمیتی را نمی پذیرند، و از اینرو از خداوندی و حاکمیت مسیح لغزش می خورند.

کنند. اما این آن راهی نیست که خدا برای نجات انسانها در نظر گرفته است.^۴ ایشان متوجه نیستند که عیسی مسیح همهٔ کسانی را که به او ایمان آورند، در نظر خدا پاک و بی‌گناه می‌سازد، یعنی همان چیزی که ایشان سعی می‌کنند با رعایت شریعت و احکام بدست آورند. عیسی مسیح به همهٔ این راه‌ها پایان بخشیده است.

۴:۱۰
غلا ۲۴:۳

^۵ دربارهٔ بی‌گناه بحساب آمدن و آمرزش از راه شریعت، موسی فرمود که شخص در صورتی ممکن است بخشیده شود و بی‌گناه بحساب آید که بتواند کاملاً خوب باشد و در سراسر زندگی‌اش در مقابل وسوسه‌ها مقاومت کند و حتی یکبار هم گناه نکند.^۶ اما دربارهٔ نجاتی که بوسیلهٔ ایمان بدست می‌آید، گفته شده است: «نیازی نیست که به آسمان صعود کنید، و در آنجا مسیح را بیابید و او را فرود آورید تا به شما یاری دهد»،^۷ و همچنین «نیازی نیست که به میان مردگان بروید تا مسیح را زنده کنید».

۵:۱۰
لاو ۵:۱۸ و ۲۱:۲۰
حز ۲۱:۱۳، ۱۰:۷
روم ۱۰:۷

^۸ زیرا نجاتی که از راه ایمان به مسیح بدست می‌آید، به آسانی در دسترس هر یک از ما قرار دارد و به اندازهٔ قلب و زبان خودمان، به ما نزدیک است؛ ما نیز دربارهٔ همین نجات موعظه می‌کنیم.^۹ درواقع، اگر انسان با زبان خود نزد دیگران اقرار کند که عیسی مسیح خداوند اوست و در قلب خود نیز ایمان داشته باشد که خدا او را پس از مرگ زنده کرد، نجات خواهد یافت.^{۱۰} زیرا بوسیلهٔ ایمان قلبی است که شخص رضایت خدا را حاصل می‌کند؛ و بعد هنگامی که در برابر دیگران ایمان خود را به زبان می‌آورد، نجات خود را تأیید می‌نماید.^{۱۱} کتاب آسمانی نیز می‌فرماید که هر که به مسیح ایمان داشته باشد، هرگز ناامید نخواهد شد.^{۱۲} در این زمینه، یهود و غیریهود یکسانند، زیرا همه دارای یک خداوند

۶:۱۰
تث ۱۱:۳۰-۱۴

۷:۱۰
اقرن ۱۵:۳ و ۴

۸:۱۰
تث ۱۴:۳۰

۹:۱۰
متی ۳۲:۱۰
لو ۸:۱۲
اعما ۲۴:۲ و ۳۱:۱۶
روم ۲۴:۴

۱۱:۱۰
اش ۱۶:۲۸

۱۲:۱۰
اعما ۹:۱۵
افس ۷:۴-۲

می‌رسید. شریعت به مسیح اشاره دارد، یعنی به هدف تمامی قربانی حیوانات.

۵-۳:۱۰ یهودیان بجای اینکه با ایمان به خدا زندگی کنند، در تلاش برای مقبول شدن در نظر خدا، عادات و سنی را (اضافه بر شریعت خدا) ابداع کردند. اما تلاش انسانی هرچقدر هم صادقانه باشد، هرگز نمی‌تواند جانشین پاکی‌ای شود که خدا بواسطهٔ ایمان به ما عطا می‌کند. تنها راه برای بدست آوردن نجات، کامل شدن است که امکان‌پذیر نیست. ما فقط می‌توانیم دستهای خالی خود را دراز کنیم و نجات را به‌عنوان هدیه دریافت نماییم.

۸-۶:۱۰ مردم همیشه خدا را در لابلای تجربیات هیجان‌انگیز جستجو می‌کنند. برخی از مردم به سفرهای طولانی می‌پردازند تا با یک رهبر روحانی ملاقات کنند به این امید که آشنایی با او، زندگی‌شان را تغییر دهد. اما نجات خدا درست در مقابل ما قرار دارد. هر جا که باشیم،

او نزد ما خواهد آمد. تنها کاری که ما باید بکنیم، پاسخ دادن به او و قبول هدیه نجات است.

۱۲-۸:۱۰ آیا تابحال از خودتان سؤال کرده‌اید که «چطور من مسیحی شدم؟» این آیات پاسخ زیبایی به شما می‌دهد، و آن این است که نجات به اندازهٔ قلب و دهانتان به شما نزدیک است. مردم فکر می‌کنند که نجات باید مراحل پیچیده‌ای داشته باشد، اما اینطور نیست. ایشان اگر در قلب خود ایمان بیاورند و با زبان خود بگویند که مسیح خداوند قیام کرده است، نجات خواهند یافت.

۱۱:۱۰ این آیه باید در چارچوب مطالب این فصل خوانده شود. پولس نمی‌گوید که مسیحیان از هر ناکامی فارغ خواهند بود. بسیاری از اوقات از دست اطرافیان رنج می‌بریم و شرایط و اوضاع برای ما حاد می‌شود. مقصود پولس این است که **خدا** هرگز باعث نومیدی ما نخواهد شد. هر کس که به او ایمان آورد، نجات خواهد یافت.

هستند، خداوندی که گنجینه‌های عظیم خود را در اختیار همهٔ آنانی می‌گذارد که طالب و تشنهٔ او هستند.^{۱۳} پس خداوند هر کس را که به او پناه ببرد، نجات خواهد داد.

^{۱۴} اما چگونه مردم به خداوند پناه آورند، درحالی‌که به او ایمان ندارند؛ و چگونه ایمان بیاورند، در حالی‌که راجع به او چیزی نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند، اگر کسی مژدهٔ انجیل را به ایشان اعلام نکند؟^{۱۵} و چگونه بروند و اعلام کنند، اگر کسی ایشان را نفرستد؟ کتاب آسمانی در این باره می‌فرماید: «چه خوش‌قدمند آنانی که مژدهٔ «آشتی با خدا» را اعلام می‌کنند، و دربارهٔ لطف و مهربانی خدا، خبرهای خوش می‌آورند!» به عبارت دیگر به کسانی که برای اعلام مژدهٔ انجیل می‌آیند، خوشامد می‌گوید!

^{۱۶} اما تمام کسانی که این مژده را می‌شنوند، آن را قبول نمی‌کنند. اشعیای نبی نیز می‌فرماید: «خداوندا، چه کسی سخنان مرا باور کرد؟»^{۱۷} با اینحال، ایمان از شنیدن مژدهٔ انجیل بوجود می‌آید.

^{۱۸} اما یهودیان چه؟ آیا ایشان این مژده را نشنیده‌اند؟ البته که شنیده‌اند! هر جا که ایشان ساکن بوده‌اند، این مژده نیز به آنجا رسیده است. بلی، این خبر خوش در سراسر جهان موعظه شده است.^{۱۹} آیا آنان می‌دانند که اگر نجات خدا را نپذیرند، خدا دیگران را بجای ایشان نجات خواهد داد؟ بلی، می‌دانند! زیرا حتی در زمان موسی نیز خدا فرموده بود که نجات خود را به مردمان بت‌پرست و نادان عطا خواهد کرد تا بلکه قوم او به غیرت بیایند و از خواب غفلت بیدار شوند.^{۲۰} بعدها اشعیا با جسارت بیشتری گفت که آنانی که حتی در جستجوی خدا نبودند، او را یافتند، و خدا به کسانی که او را طلب نمی‌کردند خود را ظاهر ساخت.^{۲۱} با اینحال، آغوش خدا همواره به روی یهودیان باز است، اما ایشان سرسختی می‌کنند و حاضر به بازگشت نیستند.

۱۳:۱۰

یول ۳۲:۲

اعما ۲۱:۲

۱۴:۱۰

اعما ۲۸:۸-۳۱

تیط ۳:۱

۱۵:۱۰

اش ۷:۵۲

روم ۲۰:۱۵ ؛ ۱۵:۱

۱۶:۱۰

اش ۱:۵۳

یو ۳۸:۱۲

عبر ۲:۴

۱۷:۱۰

غلا ۵:۲۳

کول ۱۶:۳

۱۸:۱۰

مز ۴:۱۹

متی ۱۴:۲۴

۱۹:۱۰

تث ۲۱:۳۲

۲۰:۱۰

اش ۶۵:۲۱و

۲۱:۱۰

اسمو ۲۲:۱۲

ار ۳۷:۳۱

موعود بودند، او را از دست دادند. بسیاری از غیریهودیان که حتی چیزی دربارهٔ مسیح موعود نمی‌دانستند، او را یافتند. امروزه برخی از مردم که از نظر روحانی کورترین افرادند، اشخاصی مذهبی هستند، و کسانی که هرگز پا به کلیسا نهاده‌اند، گاهی جزو راغب‌ترین افراد در پذیرش مسیح هستند. از آنجا که ظاهر انسان فریبده است و ما نمی‌توانیم قلب مردم را ببینیم، از قضاوت عجولانه مبنی براینکه چه کسی به پیام انجیل پاسخ خواهد داد و چه کسی نخواهد داد، پرهیزیم.

۱۵:۱۴و ۱۵:۱۰ پیام عظیم خدا دربارهٔ نجات باید به دیگران برسد تا آنها نیز فرصت پاسخگویی به انجیل را داشته باشند. چگونه عزیزان و همسایه‌های شما آن را خواهند شنید اگر کسی به آنها نگوید؟ آیا خدا شما را می‌خواند تا سهمی در اعلام پیام او در جامعه خود داشته باشید؟ به کسی فکر کنید که به شنیدن مژده انجیل نیاز دارد؛ و به کمکی بیندیشید که می‌توانید به او بکنید تا پیام را بشنود. سپس در اسرع وقت اقدام کنید.

۲۰:۱۰ بسیاری از یهودیانی که در جستجوی مسیحیای

رحمت خدا بر اسرائیل

۱:۱۱
اسمو ۲۲:۱۲
ار ۳۶:۳۱ و ۳۷
قرن ۱۱:۲۲
فیل ۵:۳

۱۱ حال، از شما می‌پرسم که آیا خدا قوم خود اسرائیل را رها کرده و ایشان را ترک گفته است؟ هرگز؛ به هیچ وجه چنین نیست! فراموش نکنید که من خود، یهودی و از نسل ابراهیم و از طایفه بنیامین هستم.

۲:۱۱
۱۰:۱۹ یاد ۱

۲ و نه، خدا قوم خود را که از ابتدا برگزیده بود، رد نکرده است. آیا به یاد دارید در کتاب آسمانی، در ماجرای مربوط به الیاس نبی، چه نوشته شده است؟ نوشته شده که او از قوم اسرائیل نزد خدا لب به شکایت گشود و گفت که ایشان انبیای خدا را کشته و قربانگاه‌های خدا را ویران کرده‌اند. او می‌گفت که در تمام آن سرزمین فقط خودش باقی مانده که خدا را می‌پرستد و می‌خواهند او را نیز از بین ببرند.

۴:۱۱
۱۸:۱۹ یاد ۱

۴ آیا به خاطر دارید خدا به او چه جواب داد؟ خدا فرمود: «نه، تنها تو نیستی که باقی مانده‌ای! بغیر از تو هفت هزار نفر دیگر هم دارم که هنوز مرا می‌پرستند و در مقابل بتها زانو نزده‌اند!»

۵:۱۱
۴:۱۹ یاد ۲
روم ۲۷:۹

۵ امروز نیز همینطور است، به این ترتیب که تمام یهودیان خدا را فراموش نکرده‌اند. خدا در اثر رحمت خود، عده‌ای را از میان آنان برگزیده است تا نجات دهد. ۶ بنابراین، اگر این نجات، همانطور که گفتیم، در اثر رحمت خدا باشد، طبیعتاً دیگر به سبب اعمال نیک آنان نخواهد بود. زیرا اگر در اثر اعمال نیک آنان باشد، در اینصورت نجات، دیگر هدیه رایگان خدا نخواهد بود؛ چون اگر در قبال آن، کاری انجام شده باشد، دیگر رایگان بحساب نخواهد آمد.

۷:۱۱
مر ۵۲:۶
قرن ۴:۳ و ۱۵

۷ پس وضعیت را به این صورت می‌توان تشریح کرد که یهودیانی که در پی دریافت لطف الهی هستند، به مقصود خود نرسیده‌اند. البته عده‌ای از ایشان موفق شده‌اند، که آنها نیز جزو کسانی می‌باشند که خدا انتخاب کرده است؛ اما بقیه،

۱:۱۱ در این فصل پولس خاطرنشان می‌سازد که همه یهودیان پیام نجات خدا را رد نکرده‌اند. خود پولس، شاگردان عیسی، و تقریباً همه مبشرین اولیه، یهودی بودند.

۳:۲ و ۱۱ خدا یهودیان را انتخاب کرد تا قومی باشند که بقیه مردم دنیا از طریق آنها نجات پیدا کنند. اما نه به این معنا که تمامی قوم یهود نجات خواهند یافت؛ فقط کسانی که به خدا وفادار بودند، یهودیان واقعی بحساب می‌آمدند. مردم به وسیله ایمان به مسیح نجات پیدا می‌کنند، نه به خاطر اینکه به ملتی، مذهبی یا خانواده‌ای تعلق دارند. شما برای نجات یافتن به چه چیزی متکی هستید؟

۶:۱۱ درک این واقعیت بزرگ، مشکل است. آیا شما فکر می‌کنید که اگر خوب باشید، خدا راحت‌تر می‌تواند شما را محبت کند؟ آیا شما در اعماق دل خود فکر می‌کنید که خدا شما را به این دلیل انتخاب کرد که شایستگی آن را داشتید؟ آیا فکر می‌کنید رفتار بعضی از مردم بقدری بد است که شاید خدا نتواند آنها را نجات دهد؟ اگر تا بحال چنین تصویری داشته‌اید، باید بگوییم که پیام انجیل را به‌طور کامل درک نکرده‌اید که اعلام می‌کند نجات هدیه‌ای رایگان از سوی خدا است. نجات به‌دست‌آوردنی نیست، نه قسمتی از آن و نه کل آن؛ نجات را فقط با شکرگزاری و پرستش می‌توان پذیرفت.

قوة تشخیص خود را از دست داده‌اند.^۸ کتاب آسمانی ما نیز به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید که خدا ایشان را به خواب فرو برده است، و چشمان و گوشهایشان را طوری بسته است که وقتی راجع به مسیح با ایشان سخن می‌گوییم، چیزی درک نمی‌کنند! این وضع تا به امروز نیز ادامه دارد.

^۹ داود نبی نیز در این باره چنین گفته است: «همان بهتر که سفره رنگین و نعمتهای دیگرشان آنها را به اشتباه بیندازد تا تصور کنند که خدا از ایشان راضی است. همان بهتر که این برکات، برای آنان همچون دام و تله باشد و هلاکشان کند، چون سزایشان همین است.»^{۱۰} همان بهتر که چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند و پشتشان همواره زیر بار سنگین خم بماند.»

^{۱۱} آیا این به آن معناست که برای قوم خدا که منحرف شده و سقوط کرده‌اند دیگر امیدی نیست؟ هرگز! هدف خدا این بود که هدیه نجات خود را به غیریهودیان عطا کند تا از این راه در یهودیان غیرتی بوجود آید و ایشان نیز طالب نجات گردند.^{۱۲} از آنجا که یهودیان هدیه نجات خدا را نپذیرفتند و لغزیدند، هدیه نجات و برکات غنی الهی در اختیار سایر مردم دنیا قرار گرفت. حال، اگر یهودیان هم به مسیح ایمان بیاورند، چه نعمتهای بزرگتری نصیب مردم دنیا خواهد شد!

^{۱۳} اکنون روی سخنم با شما غیریهودیان است. چنانکه می‌دانید خدا مرا بعنوان

۸:۱۱

تش ۴:۲۹

اش ۹:۱۳ + ۱۰:۲۹

متی ۱۴:۱۳

یو ۴۰:۱۲

اعما ۲۷ و ۲۸

۹:۱۱

مز ۲۲:۶۹

۱۰:۱۱

مز ۲۳:۶۹

۱۱:۱۱

حز ۲۳:۱۸ + ۱۱:۳۳

اعما ۶:۱۸

۱۲:۱۱

ار ۳:۳۰ - ۱۱:۹

زک ۱۱:۲

۱۳:۱۱

اعما ۱۵:۹

کمی بعد، پس از پولس، به محض اینکه غیریهودیان کنترل بیشتر کلیساها را به دست گرفتند، مانع دیگری در برابر اتحاد یهود و مسیحیت بوجود آمد. بسیاری از مسیحیان غیریهودی، بجای اینکه یهودیانی را که می‌خواستند به کلیسا بیایند دوست داشته باشند و مانند پولس آرزوی نجاتشان را بکنند، آنها را از خود طرد کردند و حتی مورد آزاد و اذیت قرار دادند. متأسفانه، این مسأله در طی قرن‌ها ادامه داشته است.

البته مسیحیان واقعی یعنی کسانی که از دل مسیح را پیروی می‌کنند، نباید دست به چنین کارهایی بزنند. اما هم مسیحیان و هم یهودیان به نام خدمت به خدا، لطامات زیادی به کلیسا زده‌اند، بطوری که اغلب تحقق رؤیای پولس غیرممکن بنظر می‌رسد.

با این همه، این حقیقت به قوت خود باقی است که خدا یهودیان را انتخاب کرد، همانطور که مسیحیان را برگزید، و هنوز برای متحد ساختن یهودیان و غیریهودیان در اورشلیم جدید و آسمانی که پسرش بر آن حکمرانی خواهد کرد، کار می‌کند.

۸:۱۱-۱۰ این آیات درباره مجازاتی که برای اشخاص سخت‌دل تعیین شده، سخن می‌گوید، مجازاتی که اشعیا نبی پیشگویی کرد (اشعیا ۹:۱۳-۱۳). اگر مردم نخواهند به انجیل خدا گوش گیرند، سرانجام قادر به درک آن نخواهند بود. پولس در کنیسه‌های مختلفی که موعظه می‌کرد، شاهد وقوع این حقیقت بود (آیه ۸ براساس تثنیه ۴:۲۹ و اشعیا ۱۰:۲۹ و آیات ۹ و ۱۰ براساس مز مور ۲۲:۶۹ و ۲۳، نوشته شده است).
۱۱:۱۱ پولس تصویر کلیسایی را در ذهن داشت که در آن یهودیان و غیریهودیان متحداً با محبت خدا، مسیح را اطاعت می‌کنند. چنین کلیسایی ضمن اینکه شریعت خدا را محترم می‌شمارد، برای نجات یافتن و حیات ابدی تنها به مسیح چشم دوخته است. نژاد و مقام اجتماعی در نجات یافتن دخیل نیست. آنچه که اهمیت دارد، ایمان شخص به مسیح است (مراجعه کنید به غلاطیان ۲:۸).

اما رؤیای پولس هنوز جامه عمل به خود نگرفته بود. در زمان او بسیاری از یهودیان انجیل را رد کردند. آنها متکی به این بودند که وارثان نجات هستند، اما «قلب مذهب» را که برای پیامبران عهدعتیق و پولس بسیار مهم بود، درک نکرده بودند.

رسول خود برای خدمت به غیریهودیان انتخاب کرده است. من به این موضوع افتخار می‌کنم و تا آنجا که بتوانم آن را به یهودیان یادآوری می‌نمایم،^{۱۴} تا بلکه وادارشان کنم طالب همان برکتی باشند که شما غیریهودیان دارید و از این راه باعث نجات برخی از ایشان گردم.^{۱۵} ای کاش آنان نیز به مسیح ایمان آورند! وقتی خدا از ایشان روی گرداند، معنایش این بود که به بقیه مردم جهان رو کرد تا نجات را به ایشان عطا کند. پس حال اگر یهودیان نیز بسوی مسیح باز گردند، چه پر شکوه و عالی خواهد شد! مانند این خواهد بود که مردگان به زندگی بازگردند!^{۱۶} از آنجا که ابراهیم و سایر انبیاء مردان خدا هستند، فرزندان ایشان نیز باید همانطور باشند. زیرا اگر ریشه‌های درخت مقدسند، شاخه‌ها نیز باید مقدس باشند.

۱۴:۱۱
روم ۳:۹
اقرن ۲۰:۹
۲ تیمو ۹:۱
۱۵:۱۱
لو ۳۲:۲۴-۱۵
روم ۱۱:۵

^{۱۷} اما بعضی از شاخه‌های این درخت که یهودیان باشند بریده شدند و بجای آنها، شاخه‌های زیتون وحشی، یعنی شما غیریهودیان پیوند زده شدید. پس اکنون شما در آن برکاتی که خدا به ابراهیم و فرزندان ایشان وعده داد شریک هستید، همانگونه که شاخه‌های پیوند شده، در شیر و مواد غذایی درخت اصلی شریک می‌شوند.

۱۷:۱۱
ار ۱۶:۱۱
افس ۱۱:۲-۱۲

^{۱۸} اما باید مواظب باشید که دچار غرور نشوید و به این نبالید که بجای شاخه‌های بریده، قرار گرفته‌اید. فراموش نکنید که ارزش شما فقط به این است که جزئی از درخت هستید. بلی، شما فقط یک شاخه‌اید، نه ریشه.

۱۸:۱۱
یو ۲۲:۴
اقرن ۱۲:۱۰

^{۱۹} ممکن است بگویید: «آن شاخه‌ها بریده شدند تا جایی برای من باز شود. پس خدا چقدر از من راضی است!»

۲۰:۱۱
روم ۱۶:۱۲
فیل ۱۲:۲

^{۲۰} درست است. آن شاخه‌ها یعنی یهودیان به این دلیل قطع شدند که به خدا ایمان نداشتند؛ شما نیز فقط به این دلیل بجای آنها پیوند شدید که به خدا ایمان داشتید. پس مغرور نشوید، بلکه از خدا بترسید.^{۲۱} زیرا اگر خدا بر شاخه‌های طبیعی درخت رحم نکرد، بر شما نیز رحم نخواهد فرمود.

۱۷:۱۱-۲۱ پولس خطاب به مسیحیان غیریهودی سخن می‌گوید و آنها را آگاه می‌سازد که چون خدا بعضی از یهودیان را پذیرفته است، احساس برتری نکنند. او می‌گوید که مذهب یهود مانند ریشه درخت است و یهودیان شاخه‌های اصلی درخت هستند. غیریهودیان به این درخت پیوند خوردند، و حالا یهودیان و غیریهودیان هر دو از آن تغذیه می‌کنند. حیات یهودیان و غیریهودیان نه بستگی به میراث اجداد دارد، نه به فرهنگ، و نه به اعتقادات الهیاتی در زمینه نجات، بلکه فقط به مسیح بستگی دارد.

۱۵:۱۱ در سالهای نخستین پس از پنتیکاست، کلیساها اکثراً از مسیحیان یهودی-نژاد تشکیل شده بود، و غیریهودی‌ها استثناً به‌شمار می‌آمدند. اما با تلاشهایی که پطرس، فیلیپس، پولس و دیگران در راه بشارت کردند، غیریهودی‌ها ایمان آوردند و خیلی زود، اکثریت را در کلیساها تشکیل دادند. اما این به آن معنا نیست که یهودیان دیگر جایی در کلیسا ندارند. وقتی یک نفر یهودی نزد مسیح می‌آید، شادی بزرگی رخ می‌دهد، مثل اینکه مرده‌ای زنده شده است.

^{۲۲} پس ببینید خدا چقدر مهربان و در عین حال سختگیر است. او نسبت به نافرمانان بسیار سختگیر است. اما اگر شما در ایمان و محبتی که به او دارید، ثابت بمانید، نسبت به شما مهربان خواهد بود. در غیراینصورت شما نیز بریده خواهید شد. ^{۲۳} از طرف دیگر، اگر یهودیان از بی‌ایمانی دست بکشند و بسوی خدا باز گردند، خدا ایشان را مجدداً به درخت خود پیوند خواهد زد. بلی، او قادر است این کار را انجام دهد. ^{۲۴} خدا شما غیریهودیان را که او را نمی‌شناختید و مانند شاخه‌های درخت زیتون وحشی بودید، چنین محبت کرده و برخلاف طبیعت، به درخت خوب خودش پیوند زده است. پس چقدر بیشتر، مایل است یهودیان را که شاخه‌های طبیعی این درخت هستند، به جای اولشان باز گرداند و در آنجا پیوند بزند!

۲۲:۱۱

یو ۲:۱۵
عبر ۶:۳

۲۳:۱۱

قرن ۱۴:۳-۱۶

رحمت خدا بر همه

^{۲۵} برادران عزیز، می‌خواهم شما از یک سر الهی آگاه باشید، تا دچار غرور نشوید. درست است که بعضی از یهودیان درحال حاضر برضد انجیل عمل می‌کنند؛ اما این حالت فقط تا زمانی ادامه خواهد یافت که آن عده از شما غیریهودیان که خدا از ابتدا در نظر داشته است، به مسیح ایمان بیاورید. ^{۲۶} پس از آن، تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت.

۲۵:۱۱

لو ۲۴:۲۱
روم ۱۱:۱۲ ؛ ۱۶:۲۵
افس ۳:۳-۶

۲۶:۱۱

مز ۷:۱۴
اش ۲۰:۵۹
ار ۱۸:۳

در همین مورد، در کتاب آسمانی چنین آمده است: «از شهر صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر خواهد شد و یهودیان را از بی‌دینی رهایی خواهد داد. ^{۲۷} در آن زمان من طبق وعده خود گناهان ایشان را پاک خواهم نمود.»

۲۷:۱۱

ار ۳۱:۳۱
عبر ۸:۸ ؛ ۱۰:۱۶

^{۲۸} اکنون بسیاری از یهودیان دشمن انجیل مسیحند؛ این امر به نفع شما بوده است، زیرا سبب شد که خدا هدیه نجات خود را به شما عطا کند. اما بهرحال، یهودیان بخاطر وعده‌هایی که خدا به ابراهیم و اسحاق و یعقوب داد، مورد توجه

یافت. ممکن است کسی متعلق به قوم اسرائیل یا یک کلیسا باشد بدون اینکه به عیسی ایمان داشته باشد. **۲۸:۱۱-۳۲** در این آیات، پولس نشان می‌دهد که چطور یهودیان و غیریهودیان از یکدیگر بهره‌مند می‌شوند. وقتی خدا بر یکی از این دو گروه رحمت می‌کند، گروه دیگر برکت می‌یابد. طبق نقشه اصلی خدا، غیریهودیان نیز می‌بایست از برکاتی که خدا به یهودیان داده است، برخوردار شوند (مراجعه کنید به پیدایش ۱۲:۳). وقتی یهودیان در این امر کوتاهی کردند، خدا غیریهودیان را به‌وسیله مسیحی یهودی برکت داد. هیچ چیز نمی‌تواند مانعی در برابر نقشه خدا باشد: «رحمت خدا به یک اندازه شامل حال همه است.» برای اینکه

۲۶:۱۱ برخی می‌گویند که معنای عبارت «پس از آن، تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت»، این است که اکثریت یهودیانی که متعلق به نسل آخر قبل از بازگشت مسیح هستند، به مسیح رو خواهند آورد. برخی دیگر می‌گویند که پولس کلمه «اسرائیل» را به مفهوم قوم «روحانی» اسرائیل که متشکل از هر یهودی و غیریهودی است بکار می‌برد، یعنی کسانی که از طریق ایمان به مسیح نجات یافته‌اند. پس «تمام قوم اسرائیل» (یا تمامی ایمانداران) هدیه نجات را که خدا وعده داده است، دریافت می‌کنند. خدا قوم اسرائیل را برگزید، و هیچوقت این قوم را طرد نخواهد کرد. البته این به آن معنا نیست که همه یهودیان یا همه اعضای کلیساها نجات خواهند

۲۹:۱۱

اعد ۲۴-۱۸:۲۳
عبر ۲۱:۷

۳۲:۱۱

روم ۹:۳
غلا ۲۲:۳

۳۳:۱۱

ایو ۷:۱۱ : ۸:۱۵
افس ۱۰:۸:۳

۳۴:۱۱

اش ۱۳:۴۰
اقرن ۱۶:۲

۳۵:۱۱

ایو ۷:۳۵ : ۱۱:۴۱
کول ۱۶:۱

۳۶:۱۱

اقرن ۶:۸

او هستند.^{۲۹} زیرا وقتی خدا کسی را برگزید و نعمتی به او بخشید، دیگر تصمیمش را تغییر نمی‌دهد. او هرگز وعده‌های خود را پس نمی‌گیرد.^{۳۰} زمانی شما نسبت به خدا یاغی بودید؛ اما وقتی یهودیان هدیه خدا را رد کردند، او همان هدیه را به شما عطا کرد.^{۳۱} در حال حاضر یهودیان یاغی‌اند؛ اما ایشان نیز روزی از همان مهربانی و رحمتی که خدا نسبت به شما دارد، برخوردار خواهند شد.^{۳۲} زیرا خدا همه را در گناه به حال خود رها کرده تا بتواند بر همه یکسان رحم کند.

^{۳۳}وه که چه خدای پر جلالی داریم! حکمت و دانش و ثروت او چه عظیم است! مشیت و راه‌های او فوق ادراک ماست!^{۳۴} کیست که بتواند فکر خداوند را درک کند؟ چه کسی آنقدر داناست که بتواند مشورتی به خدا بدهد و یا او را راهنمایی کند؟^{۳۵} چه کسی می‌تواند هدیه‌ای به او تقدیم نماید که قابل او باشد و از او انتظار عوض داشته باشد؟^{۳۶} هر چه هست از خداست؛ وجود همه چیز به قدرت او وابسته است و همه چیز برای شکوه و جلال اوست. ستایش بی‌پایان بر او باد! آمین.

ب- چگونه رفتار کنیم (۱:۱۲ تا ۲۷:۱۶)

پولس از مسائل الهیاتی به طرف امور عملی حرکت می‌کند و رهنمودهایی برای زندگی نجات‌یافتگان در این دنیای سقوط کرده ارائه می‌دهد. ما باید خود را همچون قربانی‌های زنده به مسیح تسلیم کنیم و از حکومت اطاعت نماییم و به همسایگان خود محبت نشان دهیم، و نسبت به آنانی که در ایمان ضعیف هستند، توجه خاصی مبذول داریم. او نامه خود را با مطالب شخصی به پایان می‌برد. در این بخش، می‌آموزیم که چگونه هر روز ایمان خود را به مرحله اجرا بگذاریم.

۱- مسئولیت‌های فردی

قربانی زنده برای خدا

۱:۱۲

روم ۱۳:۶ و ۱۳

ای ایمانداران عزیز، در مقابل این لطف و رحمت خدا، التماس می‌کنم که بدنهای خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم

۱۲

اطاعت مهم‌تر از گذراندن قربانی است (مراجعة کنید به اول سموئیل ۲۲:۱۵؛ مزمور ۶:۴۰؛ عاموس ۲۱:۵-۲۴). خدا از ما می‌خواهد که بجای حیوانات، خودمان را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنیم، یعنی هر روز دست از امیال خود بکشیم و او را اطاعت نماییم. این کار را به‌خاطر قدردانی از او برای آموزش گناهانمان انجام می‌دهیم.

تصویر بهتری از برکت یافتن یکسان یهودیان و غیریهودیان داشته باشید، مراجعه کنید به اشعیا فصل ۶. ۱:۱۲ طبق شریعت خدا، شخص کاهن برای گذراندن قربانی، حیوان را ذبح می‌کرد و آن را قطعه قطعه می‌کرد و بر روی مذبح می‌گذاشت. قربانی حیوانات مهم بود، اما خدا حتی در عهدعتیق آشکارا بیان کرده بود که

کنید، زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست. شایسته است او را این چنین عبادت و خدمت کنید. رفتار و کردار و شیوه زندگی مردم دنیا را تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید. آنگاه قادر خواهید شد اراده خدا را درک کرده، آنچه را که خوب و کامل و موردپسند اوست، کشف کنید.

۳ بعنوان پیام آور خدا، از جانب او شما را نصیحت می کنم که خود را بزرگتر از آنچه که هستید بحساب نیاورید، بلکه درباره خود درست قضاوت کنید و خود را با آن مقدار ایمانی بسنجید که خدا به شما عطا کرده است. ۴ درست همانطور که بدن انسان اعضای مختلف دارد، بدن مسیح یعنی کلیسا نیز اعضای گوناگون دارد؛ هر یک از ما عضوی از بدن او هستیم و برای تکمیل آن لازم می باشیم و مسئولیت و وظیفه ای مشخص در آن داریم. اما در کل، همه متعلق به یکدیگریم و به هم نیاز داریم.

۲:۱۲

غلا ۴:۱

افس ۲۳:۴

کول ۱۰:۳

۳:۱۲

اقرن ۷:۱۲

فیل ۵-۳:۲

افس ۷:۴

۵:۱۲

اقرن ۱۴-۱۲:۱۲؛ ۱۷:۱۰؛ ۲۵:۱۲، ۴:۴

افس ۲۵:۱۲، ۴:۴

خود را دست کم می گیریم؛ برخی درباره خود افکار اغراق آمیز دارند. برای اینکه بتوانیم خود را درست و دقیق ارزیابی کنیم، باید ارزش اصلی خود را یعنی هویت تازه خود را در مسیح بشناسیم. جدا از خدا و مطابق معیارهای این دنیا، ارزش زیادی نداریم، اما در خداوند به عنوان مخلوق خدا ارزش زیادی داریم. سنجیدن خود با معیارهایی که دنیا برای کسب موفقیت و پیشرفت ارائه می دهد، باعث می شود که فکر کنید از دید مردم شخص پرازشی هستید و ارزش واقعی خود را در نظر خدا از دست بدهید.

۵:۱۲ پولس بدن انسان را مثال می زند تا نشان دهد که مسیحیان چگونه باید با یکدیگر زندگی و کار کنند. همان طور که اعضای بدن تحت فرمان مغز عمل می کنند، مسیحیان نیز باید طبق دستور و حکم عیسی مسیح کار کنند (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۲:۱۲-۳۱؛ افسسیان ۱:۴-۱۶).

۸-۴:۱۲ خدا به ما عطاهایی می دهد که توسط آنها می توانیم کلیسا را بنا کنیم. برای استفاده مؤثر از عطاها، باید (۱) بدانیم که تمامی عطاها و استعدادها از خدا هستند؛ (۲) بفهمیم که همه عطاهای یکسانی ندارند؛ (۳) خود را و استعدادهای خود را به درستی بشناسیم؛ (۴) عطاهای خود را در جهت اهداف شخصی بکار نبریم بلکه آنها را وقف خدمت به خدا بکنیم؛ (۵) با خشنودی خاطر، عطاهای خود را سخاوتمندانه بکار گیریم و هیچ چیز را برای خدمت خدا در خود پنهان نکنیم.

۲:۱۲ نقشه ای که خدا برای فرزندانش دارد، خوب، عالی و بی نقص است. او از ما می خواهد شخص جدیدی باشیم و در تازگی فکر، او را جلال دهیم. از آنجا که او بهترین ها را برای ما می خواهد، و از آنجا که او پسرش را داد تا ما حیات تازه داشته باشیم، ما باید با شادی، خود را به عنوان قربانی زنده به او تقدیم کنیم.

۲:۱۲ «رفتار و کردار و شیوه زندگی مردم دنیا» فاسد و اغلب خودخواهانه است، و بسیاری از مسیحیان با تعقل از بسیاری از رفتارهای دنیوی دوری می جویند. اما عدم انطباق ما با دنیا، نباید فقط در مورد رفتار و آداب و رسوم باشد، بلکه باید ریشه در فکر ما داشته باشد. این آیه را به این شکل نیز می توان ترجمه کرد: «همشکل این جهان نشوید، بلکه به وسیله تجدید افکار، وجود شما تغییر یابد.» ممکن است از اکثر آداب و رسوم دنیا دوری جوئیم ولی همچنان مغرور، طماع، خودخواه، سرکش و خودپسند باقی بمانیم. ما فقط زمانی تغییر می کنیم که با روش جدیدی که خدا در اختیار ما می گذارد، افکار خود را تازه سازیم. اگر اعمال و رفتار ما مانند مسیح باشد، می توانیم مطمئن باشیم که رفتار ما خدا را جلال خواهد داد.

۳:۱۲ ما درباره اهمیت شناخت درست خویشتن چیزهای زیادی شنیده ایم. اما پولس به ما نصیحت می کند که زیاد از حد حُب نفس نداشته باشیم. در ترجمه دیگری، این آیه می گوید که هیچکس نباید «درباره خود افکار اغراق آمیز داشته باشد.» بعضی از ما

۶: خدا از روی لطف خود، به هر یک از ما نعمت و عطای خاصی بخشیده است تا وظایف خاصی را انجام دهیم. اگر خدا به شما نعمت نبوت کردن داده است، هرگاه مطمئنید خدا از طریق شما سخن می گوید، نبوت کنید، یعنی پیغامهای خدا را به کلیسا اعلام نمایید.^۷ اگر نعمت شما، خدمت کردن به دیگران است، این کار را بطرز شایسته انجام دهید. اگر نعمت تعلیم دادن دارید، خوب تعلیم بدهید.^۸ اگر واعظید، بکوشید که موعظه هایتان مفید و مؤثر باشند. اگر نعمتتان کمک به دیگران از دارایی تان می باشد، با سخاوت این کار را انجام دهید. اگر خدا توانایی مدیریت عطا کرده است، این مسئولیت را جدی بگیرید. آنانی که این عطا را دارند که افسردگان را تسلی دهند، بگذار با رغبت و روحیه مسیحی، این خدمت را انجام دهند.

۹: نظاهر به محبت نکنید، بلکه محبتتان صادقانه باشد. از هر بدی اجتناب کنید؛ به نیکویی پیوندید.^{۱۰} یکدیگر را همچون برادران مسیحی، بشدت دوست بدارید.

۶:۱۲

۱ پط ۴: ۱۱ و ۱۰

۷:۱۲

اقرن ۱۲: ۲۸ و ۱۱

۸:۱۲

اعما ۳۲: ۱۵ و ۲۷: ۲۰ و ۲۸

اقرن ۱۴: ۳ و ۴

۱ پط ۵: ۲

۹:۱۲

عا ۵: ۱۵

۱ تیمو ۵: ۱

۱۰:۱۲

یو ۳۴: ۱۳

فیل ۴: ۳ و ۲

۱ تس ۹: ۴

۲ پط ۷: ۱

۶:۱۲ در کتاب مقدس، نبوت همیشه به معنای پیشگویی درباره آینده نیست؛ نبوت غالباً به معنای موعظه کلام خدا است (اول قرنتیان ۱: ۱۴).

۶:۱۲-۸ به فهرست عطاها می که در این آیات آمده، نگاه کنید و کسانی را که یکی از این عطاها را دارند، در ذهن خود مجسم نمایید. کسانی که نبوت می کنند، باید شجاع باشند و از قدرت بیان برخوردار باشند. کسانی که خدمت می کنند، باید صادق و باوفا باشند. معلمان، باید اندیشمند باشند. واعظان باید بدانند چطور دیگران را ترغیب کنند. دهندگان، سخاوتمند و ساده دل هستند. کسانی که مدیریت می کنند، باید سازمان دهنده و گردانندگان خوبی باشند. کسانی که به افسردگان تسلی می دهند، اشخاصی دوست داشتنی هستند و از اینکه وقت خود را در اختیار دیگران می گذارند، خوشحالند. در توان یک نفر نیست که همه این عطاها را داشته باشد. کسی که با اعتماد به نفس نبوت می کند، بیشتر اوقات نمی تواند مشاور خوبی باشد، و دهنده سخاوتمند، ممکن است نتواند مدیریت کند. وقتی عطای خود را باز شناختید (محدود به این فهرست از عطاها نباشید، چون عطاهای بسیار دیگری هم هست)، برسید که چگونه می توانید از آنها برای جلال خدا استفاده کنید. ضمناً، بدانید که عطاهای شما به تنهایی نمی تواند کلیسا را بنا کند. پس برای عطاهای دیگران نیز خدا را شکر کنید. بگذارید نقاط قوت شما در برابر نقاط ضعف آنها توازن ایجاد کند و شکرگزار باشید چون توانایی های آنها نیز جبران نقص های شما را می کند. همه با هم می توانید کلیسا را بنا کنید.

۹:۱۲ اکثر ما می دانیم چگونه وانمود کنیم دیگران را دوست داریم، با محبت صحبت کنیم، احساسات دیگران را جریحه دار نکنیم و ظاهراً خود را علاقه مند به آنها نشان دهیم. حتی ممکن است در ایفای نقش برای خودمان هم خبره شده باشیم، طوری که وقتی از احتیاجات دیگران باخبر می شویم، حس ترحم در ما برانگیخته می شود، یا وقتی از ظلم و بی عدالتی مطلع می شویم، خشم می گیریم. اما خدا ما را دعوت می کند تا محبت واقعی داشته باشیم، محبتی که فراتر از رفتارها و احساسات سطحی است. محبت واقعی مستلزم عمل است. محبت واقعی آن است که کمک کنیم تا اطرافیانمان افراد بهتری گردند. به محبت عمل کردن، مستلزم صرف وقت، پول و حضور فعال ما است. هیچ کس به غیر از کلیسا یعنی بدن مسیح در شهر ما - آنقدر غنی نیست که بتواند تمام اجتماع را محبت کند. کسانی را جستجو کنید که به محبت راستین شما نیاز دارند، و روشهایی را بیابید که با همکاری یک ایماندار دیگر، افراد اجتماع خود را در نام مسیح محبت کنید.

۱۰:۱۲ احترام کردن به دیگران، دو روش دارد: روش دنیوی و روش الهی. روش دنیوی، انگیزه هایی نهانی دارد. اگر کارفرمای خود را احترام می کنیم، برای این است که به ما پاداش دهد؛ اگر به کارمندان احترام می گذاریم، برای این است که بیشتر کار کنند؛ اگر ثروتمندان را احترام می کنیم، برای این است که نفعی از ایشان ببریم؛ و اگر به قدرتمندان احترام می گذاریم، برای این است که از قدرت خود بر علیه ما استفاده نکنند بلکه در جهت منافع ما. اما روش الهی برای احترام گذاشتن به دیگران،

هریک از شما دیگری را بیشتر از خود احترام کند.^{۱۱} در خدمت به خداوند تنبلی و سستی به خود راه ندهید، بلکه با شور و شوق روحانی او را خدمت کنید.^{۱۲} بسبب آنچه که خدا برای زندگی‌تان طرح‌ریزی کرده است، شاد باشید. زحمات را تحمل نمایید. همیشه دعا کنید.^{۱۳} در رفع نیازهای برادران مسیحی خود، کوشا باشید. در خانه شما همیشه به روی میهمان باز باشد.

^{۱۴} اگر کسی شما را بسبب مسیحی بودن، مورد جفا و آزار قرار داد، او را نفرین نکنید، بلکه دعا کنید که خدا او را مورد لطف خود قرار دهد.^{۱۵} اگر کسی شاد باشد، با او شادی کنید؛ و اگر کسی غمگین باشد، در غم او شریک شوید.^{۱۶} با شادی با یکدیگر همکاری نمایید؛ هیچ کاری را برای خودنمایی نکنید؛ سعی نکنید فقط با اشخاص بزرگ و مهم معاشرت کنید، بلکه در جمع اشخاص عادی نیز خوش باشید. خود را از دیگران داناتر نشمارید.

^{۱۷} هرگز به عوض بدی، بدی نکنید. طوری رفتار کنید که همه بتوانند ببینند که شما در کارهایتان صادق و درستکار می‌باشید.^{۱۸} با هیچکس جروبحث نکنید. تا آنجا که ممکن است با مردم در صلح و صفا بسر برید.

^{۱۹} برادران عزیز، هرگز از کسی انتقام نگیرید؛ انتقام خود را به خداوند واگذار کنید، چون در کتاب آسمانی نوشته شده که مجازات انسانها از آن اوست.

۱۱:۱۲

اعما ۲۵:۱۸ ؛ ۱۹:۲۰

مکا ۱۵:۳

۱۲:۱۲

روم ۳ و ۲:۵

عبر ۳:۳ ؛ ۱۰:۳۲

۱۳:۱۲

عبر ۱۰:۶ ؛ ۱۳:۱-۳

۱۴:۱۲

۱ پط ۳:۹

۱۵:۱۲

ایو ۲۵:۳۰

عبر ۱۳:۳

۱۶:۱۲

قرن ۱۱:۱۳

فیل ۲:۲ ؛ ۴:۲

۱۷:۱۲

امث ۲۲:۲۰

دیگران را هم در آن شریک خواهیم ساخت. فراموش نکنید که فیض یعنی لطفی که شخص سزاوارش نیست. لیوان آبی به دشمن دادن به معنای چشم‌پوشی کردن از خطاهای او نیست. ما می‌توانیم خطاهای او را تشخیص دهیم، او را ببخشیم و با وجود خطاهایش، دوستش بداریم؛ یعنی درست همان کاری را بکنیم که اگر مسیح بجای ما بود، می‌کرد.

۱۹:۱۲-۲۱ در این روزگار که دعای حقوقی و مراجعه به دادگاهها امری عادی شده، دستوری که پولس در این زمینه می‌دهد، غیرممکن به نظر می‌رسد. پولس می‌فرماید که وقتی کسی شما را به شدت آزار می‌دهد، بجای دشمنی، او را محبت کنید. چرا پولس می‌گوید که دشمنانمان را ببخشیم؟ (۱) چون بخشش از انتقام گرفتن ممانعت می‌کند و موجب آشتی بین دو طرف می‌شود؛ (۲) چون باعث شرمندگی دشمن می‌شود و او را از آن وضعیت بیرون می‌کشد؛ (۳) چون تلافی کردن، به همان اندازه‌ای که به دشمن آسیب می‌رساند، به شما نیز صدمه وارد می‌کند. حتی اگر بخشش دشمن هرگز او را به توبه نیاورد، وجود شما را از تلخی خلاصی می‌دهد.

۱۹:۱۲-۲۱ بخشش هم ذهنی است و هم عملی. اگر برای شما مشکل است کسی را که شما را آزرده است، در

تفاوت است. به‌عنوان مسیحی، ما مردم را احترام می‌کنیم چون به شکل خدا آفریده شده‌اند، در مسیح آنها خواهران و برادران ما هستند، و خوشحالیم که آنها به طریق دیگری بدن مسیح را بنا می‌کنند.

۱۳:۱۲ روش مهمان‌نوازی مسیحیان با روش دنیوی تفاوت دارد. در روش دنیوی میزبان مورد توجه است: خانه او باید تمیز باشد؛ غذا باید زیاد و از پیش آماده شده باشد؛ و میزبانان باید با ظاهری آرام و حالت خوبی در مقابل میهمانان حاضر شوند. اما در مهمان‌نوازی به روش مسیحی توجه بر روی نیاز میهمانان است، نیاز به مکانی برای استراحت، خوراک برای خوردن، گوش شنوا، پذیرش با آغوشی مهربان و پذیرا. در این روش، تشریفات و ظواهر مهم نیستند؛ می‌توان با غذای حاضری مهمان‌نوازی کرد؛ حتی می‌توان از مهمان خواهش کرد که در کارهای خانه کمک کند. فکر نکنید به‌خاطر خستگی زیاد، مشغله فراوان، یا فقر مالی نمی‌توانید مهمان‌نوازی کنید.

۱۷:۱۲-۲۱ این آیات قسمت اصلی و واقعی زندگی یک مسیحی را خلاصه می‌کند. اگر ما دیگران را همانطور دوست بداریم که مسیح دوست داشت، خواهیم توانست او را ببخشیم. اگر فیض مسیح را تجربه کرده باشیم،

۲۰:۱۲
امث ۲۱:۲۵
متی ۴۴:۵
۲۱:۱۲
۱ پط ۲۱:۲

۲۰ پس، اگر دشمنت گرسنه باشد، به او غذا بده و اگر تشنه باشد، به او آب بده تا از کاری که کرده، شرمگین و پشیمان شود. ۲۱ اجازه ندهید بدی بر شما چیره شود، بلکه با نیکی کردن، بدی را مغلوب سازید.

اطاعت از دولت

۱:۱۳
دان ۳۲:۴ ± ۲۱:۲
یو ۱۱:۱۹
تیط ۱:۳

۳:۱۳
۱ پط ۱۴:۲

۵:۱۳
جا ۲:۸
۱ پط ۱۳:۲

۱۳ مطیع دولت و قوانین آن باشید، زیرا آن را خدا برقرار کرده است. در تمام نقاط جهان، همه دولت‌ها را خدا بر سر قدرت آورده است. ۲ پس هر که از قوانین کشور سرپیچی کند، در واقع از خدا ناطاعتی کرده است، و البته مجازات خواهد شد. ۳ آنانی که اعمالشان درست است، از مأموران دولت هراسی ندارند، اما افراد خطاکار و نادرست همیشه از آنان می‌ترسند. پس اگر می‌خواهی در ترس و دلهره بسر نبری، قوانین را اطاعت کن و آسوده باش! ۴ مأمور دولت از جانب خدا وظیفه دارد به تو کمک کند. اما اگر کار خلافی انجام دهی، از او بترس زیرا تو را مجازات خواهد کرد. خدا او را مقرر کرده تا کسانی را که خلاف می‌کنند مجازات کند. ۵ پس به

کمک کنند. از طریق اخلاقی هم می‌توانند این کار را بکنند، یعنی با خدمت و گذاشتن تأثیر مثبت بر جامعه. طبق این عقیده، کلیسا و حکومت به شکل مطلوبی، در یک راستا برای خیریت عموم عمل می‌کنند. هیچیک از این سه عقیده، نافرمانی یا عدم اطاعت از قوانین و مقررات دولتی را حمایت نمی‌کند، مگر اینکه حکومت معیارهای اخلاقی و الهی را نقض کند. در هر کشوری که باشیم، باید همان‌طور که مسیحیان مسؤولی هستیم، شهروندان مسؤولی نیز باشیم. ۱:۱۳ آیا مواردی هست که نباید از دولت اطاعت کنیم؟ ما نمی‌توانیم به‌خاطر اطاعت از دولت، از خدا ناطاعتی کنیم. عیسی و شاگردانش هرگز به‌خاطر انگیزه‌های شخصی، از حاکمان جامعه ناطاعتی نکردند؛ اگر زمانی چنین کردند، به‌خاطر این بود که می‌خواستند به خدا وفادار بمانند. ناطاعتی از حکومت برای آنها گران تمام می‌شد: آنها را تهدید می‌کردند، کتک می‌زدند، به زندان می‌انداختند، شکنجه می‌کردند و به‌خاطر عقیده‌شان اعدامشان می‌کردند. اگر ما نیز مانند آنها، ناگزیر به ناطاعتی هستیم، باید انتظار عواقب آن را نیز داشته باشیم.

۳:۱۳ وقتی مأمورین حکومت عدالت را بجا نمی‌آورند، مردمان درستکار هراسان می‌شوند. در این آیه، پولس درباره آن دسته از مأمورین صحبت می‌کند که به وظیفه خود عمل می‌کنند. وقتی مأمورین دولتی عدالت را به‌اجرا در می‌آورند، مردمان درستکار احساس امنیت می‌کنند.

فکر خود ببخشید، سعی کنید در عمل او را ببخشید. در صورت امکان به او بگویید که می‌خواهید روابط خود را بهبود ببخشید. دست دوستی به او بدهید. هدیه‌ای برای او بفرستید. به او لبخند بزنید. به تجربه خواهید فهمید که اعمال درست به افکار درست منتهی می‌شود.

۱:۱۳ درک همه مسیحیان از فصل ۱۳ رومیان یکسان نیست. همه مسیحیان اتفاق نظر دارند که تا وقتی که حکومت به ما اجازه می‌دهد طبق اعتقادات مذهبی خود زندگی کنیم، باید با آن مصالحه داشته باشیم. اما طی قرن‌ها، حداقل سه تفسیر در این مورد وجود داشته است. (۱) بعضی از مسیحیان معتقدند که حکومت بقدری فاسد است که مسیحیان تا حد امکان نباید کاری با آن داشته باشند. گرچه باید در حد توان، شهروندان خوبی باشند، اما نباید در کارهای دولتی، در رأی‌گیری‌ها و در امور نظامی شرکت داشته باشند. (۲) بعضی دیگر معتقدند که خدا در بعضی از امور به دولت اقتدار داده است و در بعضی امور دیگر، به کلیسا. مسیحیان باید نسبت به هر دو وفادار و برای هر دو کوشا باشند. اما نباید این دو را با هم اشتباه کنند. طبق این عقیده، کلیسا و حکومت به دو حوزه کاملاً متفاوت مربوط می‌شوند - یکی به حوزه روحانی و دیگری مادی - و از اینرو یکدیگر را تکمیل می‌کنند، ولی در یک راستا عمل نمی‌کنند. (۳) اما برخی دیگر معتقدند که مسیحیان مسؤولیت دارند تا به بهبود وضع حکومت کمک کنند. آنها با انتخاب مسیحیان یا دیگر رهبران عالی‌رتبه برای امور سیاسی، می‌توانند به حکومت

دو دلیل باید مطیع قانون باشی: اول برای اینکه مجازات نشوی؛ و دوم برای اینکه می‌دانی اطاعت، وظیفهٔ توست.

۶ به همین دو دلیل نیز باید مالیات‌هایتان را بپردازید تا حقوق کارکنان دولت تأمین شود و بتوانند به انجام کار خدا، یعنی خدمت به شما ادامه دهند. ^۷ حق هر کس را به او ادا کنید: مالیات‌ها را از روی میل بپردازید؛ از افراد مافوق خود اطاعت نمایید؛ و به آنانی که سزاوار احترامند، احترام کنید.

۷:۱۳
متی ۲۵:۱۷ و ۲۵:۲۲
لو ۲۵:۲۰

محبت احکام الهی را به انجام می‌رساند

۸ تمام بدهی‌های خود را بپردازید تا به کسی مدیون نباشید. فقط خود را مدیون بدانید که مردم را محبت کنید. هرگز از محبت نمودن باز نایستید زیرا با محبت کردن به دیگران، در واقع از احکام الهی اطاعت کرده‌اید و خواست خدا را بجا آورده‌اید. ^۹ اگر همسایه و هم‌نوع خود را به همان اندازه دوست بدارید که خود را دوست می‌دارید، هرگز راضی نخواهید شد که به او صدمه بزنید، یا فریبش دهید، یا او را به قتل برسانید و یا مالش را بدزدید؛ و هرگز به زن و به اموال او چشم طمع نخواهید دوخت؛ خلاصه، هیچیک از کارهایی را که خدا در ده فرمان منع کرده است، انجام نخواهید داد. بنابراین، ده فرمان در این فرمان خلاصه می‌شود که «همسایهٔ خود را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می‌داری». ^{۱۰} بلی، محبت به هیچکس بدی نمی‌کند. پس اگر به انسان‌ها محبت نمایید، مانند آنست که همهٔ دستورات و احکام الهی را بجا آورده‌اید. خلاصه، تنها حکم و قانونی که لازم دارید، محبت است.

۸:۱۳
متی ۲۲:۳۹ و ۲۲:۳۹
یو ۱۳:۳۴
یعقو ۲:۸

۹:۱۳
خرو ۱۳-۱۷
لاو ۱۹:۱۸

۱۰:۱۳
متی ۲۲:۳۹
یو ۱۳:۳۵ و ۱۳:۳۵
غلا ۱۴:۱۳

مطمئن هستید که دیگران آنطور که بایسته است غذا می‌خورند، لباس می‌پوشند، و خانه‌ای برای سکونت دارند؟ آیا به مسأله عدالت اجتماعی توجه داریم؟ آیا اخلاقیات ما از درجه پایینی برخوردار است؟ دیگران را مثل خود دوست داشتن یعنی تلاش فعالانه در جهت رفع نیازهای آنان. قابل توجه است که آنانی که به نیازهای دیگران بیش از نیاز خود توجه دارند، به ندرت از عقده حقارت رنج می‌برند.

۱۰:۱۳ مسیحیان باید از قانون محبت اطاعت کنند، قانونی که جای قوانین مذهبی و مدنی را می‌گیرد. چقدر ساده است که بی‌تفاوتی خود را نسبت به دیگران، فقط به این دلیل که تعهد قانونی در قبال کمک به آنها نداریم، توجیه کنیم. حتی اگر رفتار ما به آنها زیان برساند، می‌گوییم که کارمان قانونی بوده است و به این ترتیب، خود را تبرئه می‌کنیم! اما عیسی راه گریزی در قانون محبت بر جای نگذاشته است. هر گاه محبت ایجاب کند، باید فراتر از شرایط و دستورهای قانونی و بشری گام برداریم و از محبت خدا سرمشق بگیریم. جهت کسب

۸:۱۳ چرا محبت کردن به دیگران، بدهی نامیده شده است؟ ما همیشه به‌خاطر محبت بی‌دریغی که مسیح در حق ما کرد، مدیون او هستیم. تنها راه برای بازپرداخت این بدهی، محبت کردن به دیگران است. از آنجایی که محبت مسیح بی‌نهایت بزرگتر از محبت ماست، برای همیشه مدیونیم تا همسایگان خود را محبت کنیم.

۹:۱۳ گاهی انسان به این نتیجه می‌رسد که دوست داشتن خویش خوب نیست. اما اگر چنین باشد، همسایه خود را مثل خود دوست داشتن بی‌معنی می‌شود. اما پولس منظور خود را از دوست داشتن خویش بیان می‌کند. حتی اگر خودبینی در شما کم باشد، احتمالاً دوست ندارید گرسنگی بکشید؛ لباس مناسب و خوبی می‌پوشید؛ حتماً می‌کوشید جایی برای سکونت تهیه کنید؛ مراقب هستید تا کسی شما را فریب ندهد و آسبایی به شما نرساند؛ و اگر کسی بخواهد پیوند زناشویی‌تان را از هم بپاشد، عصبانی می‌شوید. همه اینها ناشی از حس محبت به خویش‌تان یا حُب نفس است. همسایه یا هم‌نوع خود را نیز باید به همین شکل دوست داشته باشیم. آیا

۱۱:۱۳

اقرن ۲۹:۷

اتسا ۵:۶

یعقو ۵:۸

۱ پطر ۴:۷

مکا ۱:۳

۱۳:۱۲ و ۱۳

اقرن ۱۱:۵ و ۱۳:۶

فیل ۴:۸

کول ۳:۵-۱۰

اتسا ۵:۸

یعقو ۳:۱۴

۱۱ مسئله دیگری که ما را به انجام اعمال نیک ترغیب می‌کند، اینست که وقت بسرعت می‌گذرد و عمر ما به پایان می‌رسد. پس بیدار شوید زیرا اکنون وقت بازگشت خداوند نزدیکتر است از آن زمانی که ایمان آوردیم. ۱۳ و ۱۲ «شب» به پایان خود رسیده و «روز» نزدیک است. بنابراین، اعمال گناه‌آلود تاریکی را کنار گذارده، در نور خدا زندگی پاک و مقدسی را در پیش گیرید، زیرا این وظیفه ماست که در نور زندگی کنیم! آنچه می‌کنید با شایستگی باشد. از حضور در محافل عیاشی و نیز از مستی و زنا و شهوت‌رانی و دعوا و حسادت بپرهیزید. ۱۴ تمام وجودتان از آن مسیح باشد؛ بدنبال هوسهای جسم نروید.

ایماندار قوی و ضعیف

۱:۱۴

اقرن ۲۲:۹

۱۴ هر ایماندار را که مایل است به جمع شما بپیوندد، به گرمی بپذیرید، حتی اگر ایمانش ضعیف باشد. اگر عقاید او درباره

نابالغ صحبت می‌کند، ایمانی که رشد کافی نکرده ولی باید در برابر فشارهای وارده از خارج ایستادگی کند. برای مثال، کسی که زمانی بت‌پرست بود و حالا مسیحی شده است، کاملاً درک می‌کند که مسیح از طریق ایمان او را نجات داده است و بت هیچ قدرتی ندارد. اما، به‌خاطر وابستگی‌های گذشته‌اش، اگر آگاهانه از گوشتی که در مراسم بت‌پرستی قربانی شده، بخورد، احتمال دارد دچار لغزش شود. اگر کسی که زمانی خدا را در روزهای مقدس طبق آداب یهودی می‌پرستید مسیحی شود، خوب می‌داند که مسیح او را نه به‌وسیله بجا آوردن شریعت، بلکه به واسطه ایمان، نجات داده است. اما در ایام اعیاد مذهبی، اگر خود را وقف حضور خدا نکند، ممکن است احساس خلاء و بی‌ایمانی بکند.

پولس با محبت، برداران ضعیف را نیز مخاطب قرار می‌دهد. برادران ضعیف هم مطابق وجدان خود عمل می‌کنند، اما وسوسه‌های آنها، حتی اگر درست و مشروع باشد، نباید تبدیل به قانون کلیسایی شود. مطمئناً برخی از موضوع‌ها اساس ایمان را تشکیل می‌دهد و جای بحث ندارد، اما بسیاری مسائل دیگر هست که بستگی به نحوه تفکر هر شخص دارد و نباید به شکل قانون مشخصی در آید. شخصی گفته است که اصل کلی در این موارد، عبارت است از: «در اصول همه باید متحد‌الفکر باشند؛ در فرعیات، هرکس آزاد است مطابق وجدان خود عمل کند؛ اما در همه چیز محبت باید حاکم باشد.»

۱:۱۴ چه کسی در ایمان ضعیف است و چه کسی قوی؟ همه ما در بعضی قسمت‌ها ضعیفیم و در بعضی دیگر قوی.

اطلاعات بیشتر درباره قانون محبت، به یعقوب ۸:۲ و ۹:۴ و ۱۱:۴ و اول پطرس ۱۷ و ۱۶:۲ مراجعه کنید. بعضی تعجب می‌کنند که چرا پولس گناهان فکری نظیر حسادت و شهوت‌پرستی را با گناهان عملی و آشکار مثل زنا و دعوا هم‌ردیف می‌سازد. همان طور که عیسی در موعظه سرکوه از گناهان فکری سخن می‌گوید (متی ۵-۷)، پولس نیز فکر را به اندازه عمل مهم می‌داند. همان طور که نفرت به قتل می‌انجامد، حسادت به دعوا و شهوت نیز به زنا منتهی می‌شود. وقتی مسیح باز گردد، دوست دارد قوم خود را چه در ظاهر و چه در باطن پاک بیاورد.

۱:۱۴ طبق این آیه، طرز فکرهای مختلفی می‌تواند در کلیسا وجود داشته باشد. این مسأله جای نگرانی ندارد؛ نباید مانع بروز طرز فکرهای مختلف شد، بلکه باید آنها را پذیرفت و با محبت برخورد کرد. حتی در بهترین کلیسا هم انتظار نداشته باشید که همه در هر موضوعی اتفاق نظر داشته باشند. با کنار هم گذاشتن فکرهای مختلف، می‌توانیم به درک کامل‌تری از تعالیم کتاب‌مقدس نایل آییم. دیگران را بپذیرید، به آنها گوش فرا دهید، و برای آنان احترام قائل شوید. طرز فکرهای مختلف نباید موجب تفرقه شود. باید از آنها به‌عنوان منبعی برای آموختن و غنی کردن روابط خود با دیگران بهره بگیریم.

۱:۱۴ ایمان ضعیف یعنی چه؟ منظور از ایمان ضعیف، ایمانی آمیخته به اعمال نیست. پولس به شدت با هر کوششی در جهت بدست آوردن نجات از طریق اعمال شریعت، مخالفت می‌کرد. در اینجا، پولس درباره ایمان

کارهای درست و نادرست، با عقاید شما متفاوت است، از او ایراد نگیرید. ^۲بعنوان مثال، بر سر خوردن یا نخوردن گوشت حیوانی که برای بتها قربانی شده است، با او جر و بحث نکنید. ممکن است شما در خوردن چنین گوشتی ایرادی نبینید، اما دیگران چون ایمانشان ضعیف تر است، این عمل را اشتباه بدانند و ترجیح دهند اصلاً گوشت نخورند و برای خوراک از سبزیجات استفاده کنند. ^۳پس آنانی که خوردن چنین گوشتی را بلامانع می دانند، آنانی را که نمی خورند تحقیر نکنند؛ و آنانی که نمی خورند، از کسانی که می خورند ایراد نگیرند، زیرا خدا ایشان را نیز به فرزندی پذیرفته است. ^۴آنان بندگان خدا هستند، نه بندگان شما؛ آنان فقط به خدا پاسخگو هستند، نه به شما. بنابراین، بگذارید خدا درستی یا نادرستی عقیده شان را به ایشان نشان دهد؛ و البته خدا قادر است کمکشان کند که راه صحیح را در پیش گیرند.

۲:۱۴
اقرن ۲۵:۱۰

۳:۱۴
کول ۱۶:۲

داشت. وقتی در معبد بت پرستان، قربانی به حضور بتی برده می شد، تنها قسمتی از آن سوزانده می شد. اغلب، مابقی آن را برای فروش به بازار می فرستادند. از اینرو یک فرد مسیحی ممکن بود بسادگی - حتی ناآگاهانه - چنین گوشتی را از بازار خریداری کند یا در خانه دوستی بخورد. آیا یک مسیحی موظف است درباره نوع گوشتی که می خورد، سؤال کند؟ برخی براین عقیده بودند که خوردن گوشتی که به بت ها تقدیم می شود، ایرادی ندارد، چون بت خدای حقیقی نیست. برخی دیگر درباره گوشتی که می خوردند، تحقیق می کردند، یا به کلی گوشت خوردن را کنار می گذاشتند تا دچار عذاب وجدان نشوند. این مسأله برای مسیحیانی که زمانی بت پرست بودند، بطور خاصی اهمیت داشت. چون خوردن گوشت قربانی، دوران بت پرستی را برای آنان تداعی می کرد، و این یادآوری ممکن بود باعث تضعیف ایمان نوشکفته آنان شود. پولس در اول قرن تیان، فصل هشتم نیز به این موضوع می پردازد.

۴:۱۴ هر شخص در برابر خدا مسؤول است، نه در برابر دیگران. ضمن اینکه کلیسا نباید در برابر اعمالی که کتاب مقدس آنها را علناً ممنوع اعلام می کند، انعطاف نشان دهد (اعمالی از قبیل زنا، هم جنس بازی، قتل، دزدی)، نباید قوانین و مقررات اضافی ابداع کند و آنها را همپایه شریعت خدا قرار دهد. بسیاری از اوقات، مسیحیان بجای اینکه کلام خدا را معیار اخلاقی خود قرار دهند، اعتقادات، تمایلات شخصی، یا تعصبات فرهنگی را اساس قرار می دهند. با این کار، نشان می دهند که ایمانشان ضعیف است. آنها فکر نمی کنند که خدا به اندازه کافی قدرت دارد تا فرزندانش را هدایت کند.

اگر بتوانیم در مقابله با گناه، پیروز و سربلند بیرون آییم، ایمان ما در این قسمت قوی است. اگر برای حفظ زندگی روحانی، از رفتن به برخی جاهای بی عیب اجتناب می کنیم یا از انجام فعالیت های بی ضرر امتناع می ورزیم، ایمان ما ضعیف است. برای اینکه در یابیم در چه قسمت هایی ضعیفیم و در چه قسمت هایی قوی، خوب است پرسشهایی از خود بکنیم. هر وقت در هر سمتی که باشیم، در مجالس دنیوی دعوت بشویم، باید از خود سؤال کنیم که «آیا من می توانم آنجا بدون گناه حضور داشته باشم؟ آیا من می توانم اثر خوبی روی دیگران بگذارم، به جای اینکه آنها اثر بدی روی من بگذارند؟» پاسخ ما نشان خواهد داد که ایمان ما در این قسمت و در این شرایط، ضعیف است یا قوی.

در قسمت هایی که ایمان ما قوی است، نباید ترس داشته باشیم که مبدا فساد دنیا ما را فرو بگیرد، بلکه باید با قوت دنیا را هدایت کنیم. اما در قسمتهایی که ایمان ما ضعیف است، نباید خود را در معرض خطر قرار دهیم. اگر ایمان قوی داشته باشیم و آن را بروز ندهیم، کار مسیح را در جهان انجام نمی دهیم. اگر ایمان ما ضعیف باشد و آن را در معرض خطر قرار دهیم، بسیار نابخردانه عمل می کنیم. ما همیشه در قوت یا ضعف باقی نمی مانیم. نقاط قوت ما اگر در محک آزمایش قرار نگیرد، ممکن است ضایع گردد، و نقاط ضعف ما اگر در پرتو قدرت خدا قرار گیرد، تبدیل به نقاط قوت خواهد شد.

۲:۱۴ آیا مسیحیان اجازه داشتند از گوشتی که برای بت ها قربانی شده بود، بخورند؟ در آن زمان، قربانی کردن مهم ترین قسمت از مذهب بت پرستان را تشکیل می داد و در بطن زندگی رومی ها در جامعه رومی قرار

۵:۱۴ روم ۲۳:۱۴ غلا ۱۰:۴	۵ بعضی نیز تصور می کنند که مسیحیان باید روزهای مقدس یهودیان را به عنوان روزهای مخصوص عبادت خدا نگه دارند اما بعضی دیگر چنین کاری را بیهوده می دانند و معتقدند که همه روزها بطور یکسان از آن خدا هستند. در مورد اینگونه مسایل، هر کس باید برای خودش تصمیم بگیرد. ۶ آنانی که در روزهای مخصوصی خدا را عبادت می کنند، کار خوبی می کنند چون به این وسیله به خدا احترام می گذارند. آنانی هم که فرقی بین روزها قائل نمی شوند، کار خوبی می کنند چون کارشان برای خشنودی خداوند است. همین امر در مورد خوردن یا نخوردن گوشت قربانی تنها نیز صادق است. چه، کسانی که می خورند و چه، کسانی که نمی خورند، قصدشان خشنود ساختن خداوند است و برای کاری که می کنند، خدا را سپاس می گویند. ۷ بهر حال نباید فراموش کنیم که ما صاحب اختیار خود نیستیم و نمی توانیم هر طور که می خواهیم زندگی کنیم و یا هر طور که می خواهیم، بمیریم. ۸ چه در زندگی و چه در مرگ، ما از خداوند پیروی می کنیم و متعلق به او هستیم. ۹ مسیح نیز به همین منظور مرد و زنده شد تا بتواند هم در طول زندگی و هم در زمان مرگمان، خداوند و صاحب اختیار ما باشد. ۱۰ بنابراین، شما به هیچ وجه حق ندارید از برادر خود ایراد بگیرید و یا با نظر تحقیر به او نگاه کنید. به یاد داشته باشید که هر یک از ما باید به تنهایی در مقابل تخت داوری خدا بایستیم تا او ما را داوری کند؛ ۱۱ زیرا خداوند در کتاب آسمانی فرموده است: «به حیات خود قسم که تمام مردم در مقابل من زانو زده، به زبان خود مرا ستایش خواهند کرد.» ۱۲ بلی، هر یک از ما باید به خدا حساب پس بدهیم.
۷:۱۴ اقرن ۱۹:۶ ۱۵:۵ غلا ۲۰:۲ ۸:۱۴ فیل ۲۰:۱ ۱۰:۵ ۹:۱۴ فیل ۱۱:۲ مکا ۱۸:۱ ۱۰:۱۴ متی ۳۲:۱ و ۳۲:۲ روم ۱۶:۲ ۱۰:۵ ۱۱:۱۴ اش ۲۳:۴۵ ۱۲:۱۴ متی ۳۶:۱۲	۱۳ پس بهتر است از یکدیگر ایراد نگیرید. در عوض بکوشید رفتارتان بگونه ای باشد که برادر مسیحی تان آن را گناه بحساب نیاورد، در غیر این صورت ممکن است ایمانش سست گردد.
۱۳:۱۴ متی ۱۰:۷ اقرن ۹:۸	

۱۳:۱۴ برخی از مسیحیان، از برادر ضعیف تر سوءاستفاده می کنند تا اعتقادات، تعصبات یا معیارهای خود را استحکام بخشند. آنها به برادر ضعیف می گویند: «تو باید طبق این معیارها زندگی کنی، در غیر این صورت باعث رنجش برادر ضعیف تر از خود خواهی شد.» درحقیقت اگر طبق معیارهای او زندگی نکنید، باعث رنجش هیچکس نخواهید شد مگر خود کسی که این جمله را به شما می گوید. اگر چه پولس از ما می خواهد که مراقب کسانی باشیم که ممکن است ایمانشان در اثر اعمال ما سست شود، اما ما نباید فقط به خاطر برآورده کردن خواست های خودخواهانه کسانی که سعی می کنند عقیده خود را بر ما تحمیل کنند، آزادهایی را که در مسیح داریم، فدا سازیم. از اینگونه افراد نه بترسید و نه از آنها

۱۵-۱۰:۱۴ هم ایمانداران قوی و هم ایمانداران ضعیف، می توانند باعث لغزش برادران خود شوند. ایماندار قوی ولی بی توجه، ممکن است آزادی های خود را به رخ دیگران بکشد و عمداً وجدان دیگران را جریحه دار سازد. ایماندار و سواسی اما ضعیف، ممکن است دیگران را چنان در چارچوب مقررات و قوانین بیهوده محدود کند که دیگر تاب تحمل آنها را نداشته باشند. پولس از خوانندگان نامه می خواهد تا در ایمان قوی باشند و در ضمن، نسبت به احتیاجات دیگران بی تفاوت نباشند. از آنجایی که همه ما در بعضی قسمت ها قوی و در برخی دیگر ضعیف هستیم، باید همواره مراقب تأثیری باشیم که اعمال و رفتار ما بر دیگران می گذارد.

^{۱۴} من خود، به سبب اختیاری که عیسای خداوند به من داده است، یقین دارم که خوردن گوشت قربانی بتها بخودی خود اشکالی ندارد. اما اگر کسی این کار را نادرست و گناه می‌پندارد، نباید چنین گوشتی را بخورد، زیرا در اینصورت مرتکب گناه شده است.^{۱۵} همچنین اگر می‌بینید که آنچه می‌خورید موجب آزرده‌گی وجدان برادران می‌شود، باید از این کار دست بکشید، در غیر اینصورت بر اساس محبت رفتار نمی‌کنید. اجازه ندهید خوردن شما باعث از بین رفتن ایمان کسی شود که مسیح در راه او جانفش را فدا کرد.^{۱۶} پس کاری نکنید که برای آن از شما ایراد بگیرند، حتی اگر آن کار بنظر خودتان درست باشد.^{۱۷} چون ملکوت خدا که هدف زندگی ما مسیحیان است، خوردن و نوشیدن نیست بلکه بهره‌مند شدن از نیکی و آرامش و شادی است که روح‌القدس عطا می‌فرماید.^{۱۸} اگر در خدمت به مسیح، این اصول را رعایت کنید، گذشته از اینکه خدا را خشنود می‌سازید، باعث آزرده‌گی کسی نیز نمی‌شوید.^{۱۹} پس هدف شما این باشد که با سایر ایمانداران در صلح و صفا بسر ببرید تا باعث تقویت ایمانشان گردید.

^{۲۰} برای یک تکه گوشت، کار خدا را خراب نکنید. باز تکرار می‌کنم، اشکالی در گوشت وجود ندارد، اما اگر خوردن آن باعث لغزش و سستی ایمان کسی شود، طبیعتاً این عمل گناه به حساب می‌آید.^{۲۱} کار درست این است که از خوردن گوشت یا نوشیدن شراب و یا هر کار دیگری که باعث آزرده‌گی و لغزش دیگران می‌شود، پرهیز کنید.^{۲۲} اگر معتقدید که کارتان، حتی از نظر خدا اشکالی ندارد، آن را نزد خود انجام دهید؛ اما از انجام آن در حضور کسانی که از آن می‌رنجد اجتناب نمایید. خوشبحال کسی که به هنگام انجام دادن آنچه که درست می‌پندارد، خود را محکوم و سرزنش نکند.^{۲۳} اما کسی که وجدانش از آنچه می‌کند ناراحت است، به هیچ وجه نباید به آن کار دست بزند،

۱۴:۱۴

اقرن ۷:۸

۱۵:۱۴

اقرن ۱۱:۸

۱۶:۱۴

اقرن ۳۰ و ۲۹:۱۰

تیط ۵:۲

۱۷:۱۴

روم ۱۳:۱۵

غلا ۲۲:۵

۱۹:۱۴

مز ۱۴:۳۴

۲۰:۱۴

اعما ۱۵:۱۰

اقرن ۹:۸

۲۱:۱۴

اقرن ۱۳:۸

۲۲:۱۴

ایو ۲۱:۳

۲۲:۱۴ گناه موضوعی خصوصی نیست. هر کاری که می‌کنیم، بر دیگران تأثیر دارد، و همواره باید این را در نظر داشته باشیم. خدا ما را خلق کرده تا مستقل از هم، بلکه وابسته به هم زندگی کنیم.

۲۳:۱۴ بدیهی است که ما از کارهایی که خدا در کتاب مقدس ممنوع کرده، دوری می‌جوییم؛ اما در بعضی موارد، کتاب مقدس سکوت اختیار می‌کند. از اینرو ما باید طبق وجدانمان عمل کنیم. وقتی خدا از طریق وجدانمان، شخص ما را از انجام عملی باز می‌دارد، باید از آن اجتناب نماییم. اما نباید سایر مسیحیان را که در همان زمینه‌ها احساس آزادی و راحتی می‌کنند، تحقیر یا سرزنش کنیم.

ایراد بگیرید، بلکه تا آنجایی که می‌توانید از مسیح پیروی کنید.

۱۴:۱۴ در شورای اورشلیم (اعمال فصل ۱۵)، کلیسای یهودی‌نژاد اورشلیم از کلیسای غیریهودیان در انطاکیه خواست تا گوشت قربانی بت‌ها را نخورند. پولس نیز در این شورا شرکت داشت و مصوبات شورا را پذیرفت، نه به این دلیل که فکر کرد خوردن گوشت قربانی، به خودی خود عملی گناه‌آلود است، بلکه چون این عمل عمیقاً موجب رنجش بسیاری از ایمانداران یهودی‌نژاد می‌شد. پولس فکر نمی‌کرد که این موضوع آنقدر ارزش داشته باشد که باعث تفرقه در کلیسا شود؛ آرزوی او برقراری اتحاد بین ایمانداران بود.

چون در اینصورت مرتکب گناه شده است، زیرا وجدانش آن کار را گناه می‌داند. پس اگر قصد انجام کاری را دارید که آن را گناه می‌پندارید، آن را انجام ندهید، زیرا کاری که با وجدان ناراحت انجام شود، گناه است.

در فکر دیگران باشیم

حتی اگر فکر می‌کنیم انجام چنین کارها از نظر خدا اشتباه نیست، باز باید رعایت حال کسانی را بکنیم که ممکن است کار ما را اشتباه تصور کنند. ما نباید فقط به فکر خشنودی خودمان باشیم، بلکه وظیفه داریم این زحمت را به خود بدهیم که شک‌ها و نگرانیهای دیگران را نیز در نظر بگیریم. پس بهتر است به فکر خشنودی دیگران هم باشیم و فقط به خود نیندیشیم. سعی کنیم کارهایمان تأثیر خوبی بر دیگران بگذارد تا ایمانشان به خداوند تقویت گردد.^۳ مسیح نیز در پی خوشی و خشنودی خود نبود. کتاب آسمانی درباره او می‌فرماید: «او آمد تا اهانت‌های دشمنان خدا را تحمل کند.»^۴ این مطالب از مدتها پیش در کتاب آسمانی نوشته شده تا به ما صبر و دلگرمی بیاموزد تا با اشتیاق در انتظار روزی باشیم که خدا گناه و مرگ را نابود کند.

^۵ باشد تا خدایی که عطا کننده صبر و دلگرمی است، به شما کمک کند تا با هم در صلح و صفای کامل زندگی کنید و نسبت به یکدیگر همان طرز فکری را داشته باشید که مسیح نسبت به انسانها داشت.^۶ در آن صورت، همه ما خواهیم توانست یکدل و یک زبان خدا را که پدر خداوند ما عیسی مسیح است، پرستش و تمجید کنیم.

یکدلی ایمانداران

^۷ یکدیگر را به گرمی به جمع خود بپذیرید، همانطور که مسیح نیز شما را به گرمی پذیرفته است. آنگاه بزرگی خدا بر مردم آشکار خواهد شد و ایشان نیز خدا را ستایش خواهند کرد.^۸ به یاد داشته باشید که عیسی مسیح آمد تا یهودیان

۲۰۱:۱۵

روم ۱:۱۴

قرن ۲۲، ۱۹:۹

۲۴ و ۲۳:۱۰

غلا ۲:۶

فیل ۵ و ۴:۵

۳:۱۵

مز ۹:۵۹

۴:۱۵

روم ۲۳:۴

۱۶:۳ تیمو

۵:۱۵

قرن ۱۰:۱

قرن ۱۲ و ۱۳:۱

۶:۱۵

مکا ۶:۱

۷:۱۵

روم ۲:۵

۸:۱۵

متی ۲۴:۱۵

یو ۱۱:۱

اعما ۲۶ و ۲۵:۳

روم ۴ و ۳:۳

قرن ۲۰:۱

داشته باشیم که مسیح داشت. ما باید اخلاق و رفتار مسیح را داشته باشیم. وقتی فکر ما فکر مسیح می‌شود، یعنی همان تفکر را در پیش می‌گیریم که او درباره اقتدار کتاب مقدس و ملکوت و قیامت داشت، خواهیم توانست دیگر مسیحیان را مسیح گونه محبت کنیم. اگر در ایمان رشد کنیم و بیشتر مسیح را بشناسیم، هر روز با آمادگی بیشتری می‌توانیم روش مسیح یعنی محبت را در پیش بگیریم. طرز فکر و نگرش مسیح با جزئیات بیشتری در فیلیپیان، فصل ۲ توضیح داده شده است.

۴:۱۵ شناخت و آگاهی ما از کتاب مقدس، طرز نگرش ما را نسبت به حال و آینده تعیین می‌کند. هرچه بیشتر درباره کارهایی که خدا در ایام قدیم انجام داده است، آگاهی پیدا کنیم، اعتماد بیشتری خواهیم داشت به کارهایی که او در آینده انجام خواهد داد. ما باید بطور مستمر کلام خدا را بخوانیم تا بیشتر مطمئن شویم که اراده خدا برای ما بهترین است.

۶:۵۵ پذیرفتن خداوندگاری و حاکمیت عیسی در همه قسمتهای زندگی، به این معنا است که همان دیدی را

را خدمت کند و به این ترتیب ثابت نماید که خدا امین است و به وعده‌های خود که به اجداد ایشان داده، عمل می‌کند. ^۹همچنین به یاد داشته باشید که او آمد تا غریبه‌ودیان را هم نجات دهد تا ایشان نیز خدا را بخاطر رحم و شفقتی که بر آنان نموده است، شکر و ستایش کنند. در کتاب آسمانی زبور چنین آمده است: «در میان قومها تو را سپاس می‌گویم و به نام تو سرود می‌خوانم.»
^{۱۰}باز در جای دیگر می‌فرماید: «شما ای قومها، به همراه قوم او بنی‌اسرائیل، شادی کنید!»

^{۱۱}همچنین می‌گوید: «ای قومها، خداوند را ستایش کنید! همه او را ستایش کنند!»

^{۱۲}اشعیای نبی نیز می‌فرماید: «در خانواده "یسی" (پدر داود نبی) وارثی خواهد بود که پادشاه قومها خواهد شد و امید ایشان تنها به او خواهد بود.»
^{۱۳}بنابراین، من برای شما قومهای غریبه‌ودی دعا می‌کنم تا خدایی که سرچشمه همه امیدهاست، به شما برای ایمانی که به او دارید، آرامش و شادی عطا کند تا به یاری روح‌القدس، امیدتان روز بروز افزون شود.

۲- سخن شخصی

پولس علت نگارش نامه را بیان می‌کند

^{۱۴}ای برادران، من هیچ تردیدی در مورد درک عمیق و رفتار نیک شما ندارم و مطمئنم این مطالب را آنقدر خوب می‌دانید که قادرید آنها را به دیگران هم تعلیم دهید. ^{۱۵}اما باوجود این، من با جسارت بر بعضی از این نکات تأکید کردم چون می‌دانستم که فقط یک یادآوری، کافی است؛ زیرا من به لطف خدا، فرستاده عیسی مسیح هستم برای خدمت به شما غریبه‌ودیان، تا مژده انجیل را به شما رسانده، شما را همچون قربانی خوشبو به خدا تقدیم کنم، چون شما بوسیله روح‌القدس، مقدس و مورد پسند او شده‌اید. ^{۱۷}بنابراین، می‌توانم به تمام کارهایی که عیسی مسیح بوسیله من انجام می‌دهد، افتخار کنم. ^{۱۸}و ^{۱۹}من جرأت نمی‌کنم درباره خدمت دیگران قضاوت کنم، اما می‌توانم در مورد خدمت خود قضاوت کرده، بگویم که مسیح مرا وسیله‌ای قرار داده برای هدایت غریبه‌ودیان بسوی خدا. من با پیام انجیل، رفتاری شایسته، و معجزاتی که نشانه‌هایی از جانب

۹:۱۵

مز ۴۹:۱۸

یو ۱۶:۱۰

روم ۲۳:۹

۱۰:۱۵

تث ۴۳:۳۲

۱۱:۱۵

مز ۱:۱۱۷

۱۲:۱۵

اش ۱۰:۱۱

مکا ۵:۵ ؛ ۱۶:۲۲

۱۴:۱۵

۲ پط ۱:۱۲

۱ یو ۲:۲۱

۱۵:۱۵ و ۱۶

اعما ۱۵:۹

غلا ۱۵:۱ ؛ ۷:۲-۹

۱ تیمو ۷:۲

۱۷:۱۵

فیل ۳:۳

۱۸:۱۵

روم ۵:۱

۱۹:۱۵

اعما ۱۱:۱۹

اقرن ۴:۲

۱ تسلا ۵:۱

به وسیله دیگران انجام می‌دهد، به اندازه کاری که از طریق من انجام می‌دهد، افتخار می‌کنم؟»

۱۹:۱۵ ایلیریکوم ایالتی رومی در کنار دریای آدریاتیک، بین یونان و ایتالیای امروزی بود. ایلیریکوم تقریباً منطقه‌ای به بزرگی یوگوسلاوی

۱۷:۱۵ پولس نه به کارهای خودش، بلکه به آنچه که خدا به وسیله او انجام داده بود، افتخار می‌کرد. افتخار کردن به کار خدا گناه نیست - بلکه یک نوع پرستش است. اگر نمی‌دانید غرور و افتخار شما روحانی است یا نفسانی، این سؤال را از خود بکنید: «آیا به کاری که خدا

خدا هستند، ایشان را بسوی خدا هدایت نمودم؛ و البته همهٔ اینها به فیض و قدرت روح خدا بوده است. به این طریق بود که مژدهٔ انجیل را از «اورشليم» گرفته تا «ایلیریوم» بطور کامل اعلام کردم.

^{۲۰} اما در تمام مدت آرزوی من این بوده است که به نقاط دیگر نیز رفته، کلام خدا را در جایهایی که نام مسیح هرگز شنیده نشده است، بشارت دهم. اما هرگز نخواستهم در نقاطی مژدهٔ انجیل را وعظ کنم که قبلاً شخص دیگری در آنجا عده‌ای را بسوی مسیح هدایت کرده، و کلیسایی تشکیل یافته است. ^{۲۱} درواقع من همان طرحی را دنبال می‌کنم که در کتاب آسمانی آمده است؛ زیرا اشعیای نبی گفته است کسانی که از او بی‌اطلاع بودند، خواهند دید و درک خواهند کرد. ^{۲۲} درحقیقت به همین دلیل در تمام این مدت نتوانستم به دیدن شما بیایم.

پولس از برنامه سفر خود سخن می‌گوید

^{۲۳} اما اکنون دیگر خدمتم در اینجا خاتمه یافته و پس از سالها انتظار، آماده‌ام که به «روم» نزد شما بیایم. ^{۲۴} در نظر دارم به «اسپانیا» نیز سفر کنم. بنابراین، بر سر راهم به آنجا، توقف کوتاهی در روم خواهم کرد و پس از آنکه از دیدار شما اندکی سیر شدم، شما مرا بسوی اسپانیا بدرقه خواهید کرد.

^{۲۵} اما پیش از آنکه به نزد شما بیایم، نخست به اورشليم خواهم رفت تا برای مسیحیان یهودی‌نژاد آنجا هدیه‌ای ببرم. ^{۲۶} زیرا همانطور که می‌دانید، مسیحیان «مقدونیه» و «یونان» برای مسیحیانی که در اورشليم در شرایط دشوار زندگی می‌کنند، هدایایی جمع‌آوری کرده‌اند. ^{۲۷} آنان این کار را با شادی و رضایت انجام داده‌اند، چون احساس می‌کنند که مدیون مسیحیان اورشليم هستند. می‌دانید چرا؟ به این علت که این مسیحیان غیریهودی، خبر نجات مسیح را از مسیحیان کلیسای اورشليم شنیدند. بنابراین، چون این عطیه روحانی را از آنجا دریافت کرده‌اند، احساس می‌کنند که حداقل خدمتی که در عوض می‌توانند

امروز بود. برای پیدا کردن محل جغرافیایی آن، به نقشه شماره ۱ رومیان مراجعه کنید.

۲۲:۱۵ پولس می‌خواست از کلیسای روم بازدید کند، اما این بازدید را به تأخیر انداخته بود، چون اخبار بسیار خوبی درباره ایمانداران روم شنیده بود و می‌دانست که آنها بدون نیاز به او، به‌خوبی پیش می‌روند. برای پولس موعظه در مناطقی که مردم کلام خدا را نشنیده بودند، مهم‌تر بود.

۲۴:۲۳:۱۵ پولس به کار خود در قرتنس اشاره می‌کند؛ او نامه به کلیسای روم را احتمالاً از آنجا نوشت. احتمالاً

۲۰:۱۵

روم ۱۵:۱

اقرن ۱۰:۳

قرن ۱۵:۱۳:۱۰

۲۱:۱۵

اش ۱۵:۵۲:۱۴

۲۲:۱۵

روم ۱۳:۱

۱۸:۲

۲۳:۱۵

اعما ۲۱:۱۹

روم ۱۰:۱

۲۴:۱۵

اعما ۳:۱۵

روم ۱۲:۱

۲۵:۱۵

اعما ۲۱:۱۹ : ۱۷:۲۴

۲۶:۱۵

اقرن ۱۶:۵

قرن ۱۸ : ۲:۹

۲۷:۱۵

اقرن ۱۱:۹

سه ماه اقامت او در اخائیه (مراجعه کنید به اعمال ۳:۲۰) بیشتر در قرتنس سپری شد. او معتقد بود که آنچه را که خدا از او در آنجا می‌خواست، به انجام رسانده است و حالا درنظر داشت مژده عهدجدید را به سرزمینهای جدیدی واقع در غرب روم برساند. اما سرانجام پولس به‌عنوان یک زندانی به آنجا رفت و در خانه‌ای تحت نظر قرار داشت (مراجعه کنید به اعمال فصل ۲۸). بنا بر روایات، پولس برای مدتی آزاد شد و از این فرصت برای رفتن به اسپانیا جهت موعظه کلام خدا استفاده کرد. این سفر در کتاب اعمال رسولان قید نشده است.

انجام دهند، اینست که به ایشان کمک مادی بکنند.^{۲۸} به محض اینکه این هدیه را به مقصد برسانم و کار خیر ایشان را تمام کنم، بر سر راهم به اسپانیا، به دیدن شما خواهم آمد؛^{۲۹} و اطمینان دارم که وقتی بیایم، خداوند برکات بسیاری به من عطا خواهد کرد تا به شما برسانم.

^{۳۰} ای عزیزان من، التماس می‌کنم بخاطر عیسی مسیح و بخاطر محبتی که روح‌القدس در دل شما نسبت به من گذاشته است، با دعا‌های خود مرا در مبارزهام یاری دهید.^{۳۱} دعا کنید که در اورشلیم از کسانی که به مسیح ایمان ندارند، در امان باشم. همچنین دعا کنید که خدمت من، مقبول مسیحیان آنجا واقع شود.^{۳۲} پس از آن، خواهم توانست به خواست خدا، با قلبی شاد نزد شما بیایم تا یکدیگر را تقویت کنیم.^{۳۳} دعایم این است که خدا که سرچشمه آرامش است، با همه شما باشد. آمین!

سلامها و تحیات به دوستان

یک بانوی مسیحی به نام «فیبی» از شهر «کنخریا» بزودی به دیدن شما خواهد آمد. او از خادمان جدی و بسیار فعال کلیسای کنخریا است. او را با احترامی که شایسته مقدسین است، در خداوند بپذیرید و به هر وسیله‌ای که می‌توانید به او کمک کنید، زیرا او به بسیاری، از جمله خود من، در زمان نیاز کمک کرده است.^۳ به «پرسکلا» و شوهرش «اکیلا» سلام برسانید. ایشان در امر خدمت به عیسی مسیح، همکاران من بوده‌اند. ادرحقیقت آنان جان خود را برای من به خطر انداختند و نه تنها من، بلکه تمام کلیساهای غریبه‌ها از ایشان سپاسگزارند.

۲۹:۱۵
اعما ۲۱:۱۹
روم ۱۱:۱ و ۱۱:۱

۳۰:۱۵
قرن ۱۱:۱
کول ۸:۱ و ۱۲:۴

۳۱:۱۵
قرن ۴:۸
تسا ۲:۳

۳۲:۱۵
قرن ۱۳:۷
تیمو ۱:۱۶

فلیپ ۷
۳۳:۱۵
روم ۲۰:۱۶
عبر ۲۰:۱۳

۱:۱۶
اعما ۱۸:۱۸
۲:۱۶
فیل ۲:۲۹
۳ یو ۵:۶

که فیبی در آن زندگی می‌کرد، بندر غربی شهر قرتس بود که در فاصله ده کیلومتری از مرکز شهر قرار داشت. ۳:۱۶ پرسکلا و اکیلا، زن و شوهری بودند که از دوستان نزدیک پولس بشمار می‌آمدند. امپراطور روم یهودیان را از جمله این زوج را از روم اخراج کرده بود (اعمال ۲:۱۸-۳). از اینرو آنها به قرتس نقل مکان کردند. در قرتس بود که با پولس آشنا شدند و از او دعوت کردند تا در خانه ایشان بماند. آنان پیش از آشنایی با پولس، مسیحی شده بودند و احتمالاً چیزهای زیادی درباره کلیسای روم به پولس گفته بودند. پرسکلا و اکیلا، مانند پولس مبشر بودند. ایشان چه در افسس (اعمال ۱۸:۱۸-۲۸)، چه در بازگشت به روم، و چه بار دیگر در افسس (دوم تیموتاؤس ۱۹:۴) همواره به ایمانداران خدمت می‌کردند.

۳۱:۱۵ به‌خاطر نبوت‌های مختلفی که در راه شده بود، پولس می‌دانست که در اورشلیم دچار مشکلات و زحمات خواهد شد. این ماجرا را در اعمال ۴:۲۱، ۱۰-۱۴ دنبال کنید.

۳۳:۱۵ این عبارت، پایان کتاب را اعلان می‌کند و علامت اتمام تعلیم پولس است. بعد او نامه‌اش را با سلامهای شخصی و نصایح به پایان می‌برد.

۱:۱۶ فیبی به‌عنوان خادمه شناخته شده بود (کلمه یونانی را که در اینجا بکار رفته، می‌توان «شماس» نیز ترجمه کرد). از قرار معلوم او ثروتمند بود و از نظر مالی به پولس در کار خدمت، کمک می‌کرد. او را در کلیسا بسیار احترام می‌کردند، و ممکن است او این نامه را از قرتس به روم برده باشد. این گواه بر این امر است که زنان نقش مهمی در کلیسای اولیه داشتند. کنخریه، شهری

۵:۱۶ اقرن ۱۹، ۱۵:۱۶ کول ۱۵:۴ فلیم ۲ او	خواهش می‌کنم سلامهای گرم مرا به مؤمنینی که برای عبادت در خانه ایشان گرد می‌آیند، برسانید. به دوست عزیزم «اپینتوس» سلام برسانید. او نخستین کسی بود که در ایالت آسیا به مسیح ایمان آورد. همچنین سلام مرا به «مریم» برسانید که برای کمک به ما بسیار زحمت کشید. ^۷ به خویشاوندان من، «آندرونیکوس» و «یونیاس» که با هم در زندان بودیم، سلام برسانید. ایشان پیش از من مسیحی شدند و رسولان احترام زیادی برای آنان قائلند. ^۸ به مسیحی خوب و دوست عزیزم «امپلیاس» سلام برسانید، همچنین به همکار ما در خدمت خداوند «اوربانوس» و دوستم «استاخیس».
۱۰:۱۶ اقرن ۱۱:۱ ۱۱:۱۶ روم ۲۱، ۱۵:۱۶	به «آپلیس» که وفاداری خود را به مسیح ثابت کرده است و همینطور به کسانی که در خانه «آرسطوبولس» کار می‌کنند، سلامهای گرم مرا برسانید. ^۹ به خویشاوند من «هیرودیون» و همچنین به مسیحیانی که در خانه «ترکسوس» هستند، سلام برسانید. ^{۱۰} به خدمتگزاران خداوند، بانوان گرامی «تریفینا» و «تریفوسا» و نیز «پرسیس» عزیز که برای خداوند زحمت بسیار کشیده‌اند، سلام برسانید. ^{۱۱} به «روفس»، آن مسیحی برگزیده، و به مادر او که در حق من نیز مادری کرده است، سلام مرا برسانید. ^{۱۲} خواهش می‌کنم سلامهای مرا به «آسینکریتوس»، «فلیگون»، «هرماس»، «پتروباس»، «هرمیس»، و برادران دیگری که با ایشان هستند، برسانید. ^{۱۳} همچنین به «فیلولوگوس»، «جولیا»، «نیریاس» و خواهرش، و به «اولمپاس» و تمام مسیحیانی که با ایشان هستند، سلام مرا برسانید. ^{۱۴} یکدیگر را با محبت خالص، روبوسی کنید. تمام کلیساهای اینجا به شما سلام می‌فرستند.
۱۳:۱۶ مر ۲۱:۱۵ افس ۴:۱ ۲ یو ۱	
۱۶:۱۶ اتسا ۲۶:۵ ۱ پتر ۱۴:۵ ۱۷:۱۶ اعما ۲۹-۱:۱۵ اقرن ۹:۵ ۲ تس ۶:۳ ۱ تیمو ۳:۶ ۲ تیمو ۳:۵ و ۳:۶ تیط ۱:۳ ۲ یو ۱۰	

نصایح پایانی پولس

^{۱۷} درخاتمه، ای عزیزان، استدعا دارم از آنانی که دو دستگی و تفرقه ایجاد می‌کنند، دوری کنید زیرا چنین اشخاص باعث سستی ایمان دیگران می‌باشند و

۵:۱۶ سلامهای شخصی پولس شامل حال رومیان و یونانی‌ها، یهودیان و غیریهودیان، مرد و زن، غلام و ارباب می‌شد. کلیسا بنیادی گسترده داشت و مرزهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در هم نوردیده بود. از این فهرست درمی‌یابیم که افراد جامعه مسیحی در حرکت بودند. پولس اگرچه هیچوقت به روم نرفته بود، اما او این افراد را در جاهای دیگر در طی سفر، ملاقات کرده بود. ۷:۱۶ مطابق بعضی از ترجمه‌ها، آندرونیکوس و یونیاس «در میان رسولان مشهور بودند.» ایشان به احتمال زیاد از مبشران معروف بودند. محققین در مورد نام دوم مشکوکند و نمی‌دانند که آیا املاي آن یونیاس است یا

یونیا (یونیاس نام مرد است و یونیا نام زن). برخی می‌گویند که اگر اسم زن باشد، یونیا زن آندرونیکوس بوده است. ۲۰-۱۷:۱۷ وقتی کتابی می‌خوانیم یا به موعظه‌ای گوش می‌دهیم، باید متن کتاب را و مضمون موعظه را با کتاب مقدس مطابقت دهیم و فریب سبک جالب و لحن آرام آن را نخوریم. با اینکه شنوندگان سطحی خیلی زود در دام تعالیم غلط می‌افتند، اما مسیحیانی که کلام خدا را می‌خوانند، نباید فریب بخورند. برای گرفتن نمونه‌ای از ایماندارانی که به دقت تعالیم دیگر را با کلام خدا مطابقت می‌دادند، مراجعه کنید به اعمال ۱۷:۱۰-۱۲.

می‌خواهند عقایدی را دربارهٔ مسیح تعلیم دهند که با آنچه شما آموخته‌اید، مغایرت دارد.^{۱۸} چنین معلمان، خداوند ما عیسی مسیح را خدمت نمی‌کنند، و فقط در پی نفع خودشان هستند. ایشان خوب سخنرانی می‌کنند و مردم ساده دل نیز اغلب فریب ایشان را می‌خورند.^{۱۹} اما همه می‌دانند که شما نسبت به انجیل وفادار و ثابت‌قدمید و از این موضوع بسیار مسرورم. اما آرزویم اینست که در مورد راستی همواره هشیار و آگاه باشید، و در مورد بدی و ناراستی، بی‌تجربه و ناآگاه.^{۲۰} خدای صلح و آرامش بزودی شیطان را زیر پایهای شما خواهد سایید! فیض و لطف خداوند ما عیسی مسیح با شما باد!

^{۲۱} «تیموتائوس» همکار من، و «لوکیوس»، «یاسون» و «سوسیپاتروس» خویشاوندان من، به شما سلام می‌رسانند.^{۲۲} (من، «ترتیوس» برادر مسیحی شما و منشی پولس، که این نامه را از زبان او می‌نویسم، سلامهای گرم خود را برای شما می‌فرستم.)^{۲۳} «گایوس» نیز سلام می‌فرستد. من میهمان او هستم و مسیحیان در اینجا در خانهٔ او گرد می‌آیند. اراستوس، خزانه‌دار شهر سلام می‌رساند، و همچنین برادر مسیحی ما «کوارتوس». ^{۲۴} فیض و لطف خداوند ما عیسی مسیح با همهٔ شما باشد. آمین.

^{۲۵} و ^{۲۶} و ^{۲۷} شما را به خدا می‌سپارم، به خدایی که قادر است طبق فرمایش انجیل و بشارت من، شما را در ایمانتان به خداوند، قوی و ثابت قدم نگاه دارد. این انجیل، همان نقشهٔ خداست برای نجات شما غیریهودیان، که در زمانهای گذشته، بصورت رازی مخفی بود اما اکنون طبق پیشگویی انبیاء و به فرمان خدای ابدی، این پیغام در همه جا اعلام می‌شود تا مردم در سراسر جهان به مسیح ایمان بیاورند و از او اطاعت کنند. بر آن خدایی که دانای یکتاست، بوسیلهٔ عیسی مسیح تا ابد جلال باد! آمین.

۱۸:۱۶

فیل ۱۹:۳

کول ۴:۲

۲ پط ۳:۲

۱۹:۱۶

متی ۱۶:۱۰

۲۰:۱۶

پیدا ۱۵:۳

۲۱:۱۶

اعما ۱:۱۳ ± ۱:۱۶ ± ۵:۱۷

اتیمو ۲:۱

۲۵:۱۶

اقرن ۷:۱۲ ± ۱:۴

افس ۵-۳:۳

اکول ۲۷:۱ ± ۲:۲

۲ تیمو ۱۰:۱

۱ پط ۲۰:۱

۲۶:۱۶

روم ۵:۲۱

۲۷:۱۶

روم ۳۶:۱۱

۲۱:۱۶ تیموتاؤس در رشد کلیسای اولیه نقش مهمی داشت و پولس را در سفر دوم بشارتی‌اش همراهی کرد (اعمال ۱:۱۶-۳). بعدها پولس دو نامه - یعنی اول و دوم تیموتاؤس را - به او نوشت تا او را در کار تقویت کلیساهای افسس کمک و تشویق کند. می‌توانید شرح حال او را در رساله اول تیموتاؤس بخوانید.

۲۷-۲۵:۱۶ پولس می‌گوید که چقدر عالی است که راز مخفی خدا - یعنی نقشه خدا برای نجات غیریهودیان - در سرتاسر دنیا آشکار شده است! تمامی نبوت‌های کتاب مقدس به تحقق پیوست و خدا پولس را برای اعلان این خبرخوش بکار گرفت.

۲۷-۲۵:۱۶ همانطور که اورشلیم مرکز حیات یهود بود، روم نیز مرکز سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی

دنیا بود. در روم بود که تصمیم‌های مهم دولتی اتخاذ می‌شد، و از آنجا بود که پیام انجیل به اقصا نقاط جهان می‌رسید. کلیسای روم فراگیر بود و آمیزه‌ای از یهودیان، غیریهودیان، اسیر، آزاد، مرد، زن، رومی و مسافران مختلف از تمام جهان بود؛ از اینرو کلیسای روم، هم می‌توانست جایی برای تبادل افکار باشد و هم مکانی تنش‌زا.

پولس هرگز همه مسیحیان روم را ملاقات نکرد و البته، ما را نیز ملاقات نکرده است. ما هم در موقعیتی زندگی می‌کنیم که در رابطه با همه مردم دنیا هستیم. ما نیز از امکان اعلام گسترده انجیل و کشمکشهای توانفرسا برخوردار هستیم. ما باید به دقت به تعلیم پولس درباره اتحاد، خدمت و محبت گوش فرادهیم.